

آشنای با بناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

# آشنایی با بناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

نویسنده: نظر محمد "طوفان" غوری

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

## اهدا

به مادر و پدر عزیزم هدیه مینمایم ،واز خداوند (ج) برایشان  
موفقیت های دینوی و اخروی ،صحت کامل و عمر طولانی با  
طلب مغفرت برای والدین عزیزشان استدعا مینمایم.

با احترام

آشنای با بناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

# بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	پیشگفتار
۱	مقدمه

## فصل اول

نتایج تحقیقات جدید باستان شناسی در ولایت غور

نتایج تحقیقات

قلعه ضحاک

زندان ضحاک

تپه پیشوندی

کشک کهنه

ارگ دختر پادشاه

قلعه آهنگران



آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

فیروزکوه

گشگ

ساحات باستانی گشگ بر

کوه ارگ دخترپادشاه

ساحات باستانی قلعه ضحاک

اطراف گشگ بر

قریه شینیه

واژگون سنگبار

پنبه کار

ساحات اطراف پنبه کار

ساحه باستانی قبر ضحاک

قلعه ملک عنتر

اطراف منار جام





آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

خرخوچ ودامنه های فیروز کوه

## فصل دوم

آشنایی با آثار باستانی و بناهای تاریخی غور قدیم و ولسوالی پسابند

تیوره

قلعه انبیا خان

قلعه قره باغ

چار دختران

قلعه زرنی

قلعه شیر پلنگ

قلعه کجوران

برج بوی ناک

قلعه سنگ پیتو

قلعه تاریخی خیصار (قیصار)

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

چشمه خواجه غار

کوه مزار

قلعه ورکش

درخت چارمغز

کوه شاه مردان

حصار سیفروود

پای زیارت

چهل ابدال

برج های پنج چراغ

پیر مندیل سفید

چشمه فولاد

چشمه ماهیان

مسجد لعل پاج

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

برج آدم خوار

زیارت زینوروز

قلعه سرسنگ ، برج های ارباب ناصر،محمد ، نصرالدین ودیگرا

زیارت صاحبی

سلطان خواجه وهاج الدین

## فصل سوم

محوطه ها،بناهاوشهرهادرولسوالی های ساغروتولک

قلعه تولک

زیارت خواجه عبدالله (علوی )

قلعه کهنه

غار گاو کش

قلعه کهنه

زیارت شیخ محمد ساغری



آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

چشمه ماهیان

پشته عاشق

مندیش

چونگی زرگرا

مناره ده قاضی

## فصل چهارم

آشنایی با آثار باستانی و بناهای تاریخی مرکز وولسوالی شهرک

چهل دختران

قلعه شهرک

منار جام

ارگ دختر پادشاه

سنگ نبشتهء عربی

کتیبهء تنگی ازو

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

قلعه سرسنگ

قلعه کشک سرک

قلعه بهاری

مسجد ابولمجن

لمبیده:

## فصل پنجم

### آشنایی با آثار باستانی در نقاط مختلف

مدرسه شاه مشهد

قلعه بامیان

قلعه غزنه

مسجد جامع هرات

قطب منار

مسجد سنکی

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

مسجد اجمیر

## فصل ششم

زبان واصطلاحات عامیانه غوری ها

زبان واصطلاحات عامیانه

نتیجه

پیشنهادات

تصاویر

فهرست منابع وماخذ

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

## مقدمه

افغانستان تاریخ پنجهزار ساله دارد اما تاکنون تحقیقات عمیق و وسیع بر آن صورت نگرفته و درمسیر گذرگاه تاریخ مواجه با رویدادهای عظیم ، حادثات دلخراش واقعات گوناگون در عرصه های علمی ، سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی اقتصادی دیگر مراحل را طی کرده است امپراطوری های متعدد چنانچه تاریخ کشور ما بیانگر آن است ولی عصر طلایی امپراطوری غوری ها درخشنده تراز آفتاب در مقیاس با سایر امپراطوری های جهان سر آمد زمان خویش بوده ویژه گی های داشته که به دیگر امپراطوری ها وجود نداشته است . سبک معماری ، آبده ها و بنا های تاریخی شان شامل میراث های فرهنگی بین المللی جهان گردیده که بذات خود معرف امپراطوری غور درجهان میباشد بهتر است، اسلام دوستی ، انسان نوازی ، ادب جوی ، عدالت خواهی ، اقتصاد سازی ، اخلاق نیکو رحم و شفقت امپراطوران غوری بی نظیر و منحصر بفرد بوده



است جهان گشائی و فتوحات شان از جایگاه خاصی برخوردار است درین عصر زندگی انسانی آغاز شده و رشد روز افزون داشت کارهای عمده و اساسی که چشم گیر جهانی داشت . زما نیکه مردم ما از غور و امپراطوری غوریان حرف میزنند ، عظمت و بزرگی سلاطین این خطه باستانی چون علاوالدین غوری ، غیاث الدین غوری ، شهاب الدین غوری و سلطان رضیه غوری ... در ذهن ما تداعی مینمایند .

امپراطوری غوری ها بود که مردم ، فرهنگ دیانت و علوم کشور ما در شرق و غرب به معرفی گرفته شد . حس وطن دوستی و یگانه گی و دفاع از کشور مورد توجه قرار گرفت . غورتاریخی آن چنانکه از نقطهء نظر سیاست و اداره به پیشرفت های نهائی خود نایل آمده بود، که امپراطوری اسلامی غور، هم از لحاظ وسعت قلمرو و هم از نقطهء دید دورهء ممتد حاکمیت آن در تاریخ مملکت ما و تاریخ جهان کم نظیر میباشد، از دیگاه سایر ترقیات در علوم و فنون و مظاهرتمدن و تجمل آن عصر و زمان به نقطهء اوج و قلهء

شامخ ترین و آخرین خود قرار داشت اگر حملات و لشکر کشی های چنگیز و تیمور در کشور ما به خصوص در امپراطوری غوریان صورت نمی گرفت یقیناً روند تاریخی کشور ما شکل دیگری میگرفت . متأسفانه چنین لشکر کشی ها سبب بربادی و غارت تمدن و فرهنگ غوری ها گردید . گرچه غوری ها توانستند قرون متمادی در متصرفات شرقی کشور شان دولت های خورد و بزرگ را تشکیل بدهند اما هیچگاه نتوانستند عظمت گذشته را احیا نمایند

امپراطوری غوری ها با همه مصروفیتها نظامی و سفر بری های متعدد که در حیات سیاسی خویش داشتند با زهم توجه به مسایل فرهنگی، آبادی و عمرانی سرزمین خود را از یاد نبرده بودند و قلعه ها و شهرهای زیادی اعمار کردند.آبادی و عمرانات غوری ها که در گوشه و کنار قلمرو آبدات تاریخی غور قبل از اسلام و بعد از اسلام متصرفه غوری ها که از دست برد زمان باقی مانده و از دیر زمان توجه پژوهندگان و جهان گردان رابه سوی خود جلب کرده

است. بیشتر آثار معماری و عمرانی این دوره، که محفوظ مانده است ابنیه های مذهبی و مساجد و مناره ها و قلعه ها میباشد گرچه قبل از ظهور اسلام نیز آبادی های عمرانی در گوشه و کنار مملکت دیده میشود. مورخین آگاه و قلم بدستان ماهر نتوانسته اند که تمام عمرانات و بناهای دوره سلاطین غوری ها را به تفصیل و همه جزئیات و خصوصیات آنها بیان نمایند هر کس باندازه معلومات خویش چیزهای نوشته اند در واقع انگیزه در ذهنم وجود داشت تا گوشه ای از میراث فرهنگی " ارزش تاریخی " مهارت های هنری کشور را انعکاس داده اما شناخت از ارزش های تاریخی و میراث های فرهنگی دسترسی به شناخت هویت و فرهنگ است. بنأ باعلاقه مندی خاصی که به تحقیق موضوع فوق داشته اثرفوق درشش فصل تنظیم و ترتیب و به رشته تحریر درآوردم.

فصل اول حاوی مطالب نتایج تحقیقات باستانشناسی

درولایت غور تذکر رفته است که اکثراً ساخته های دست دوره

غوری هاچه قبل از اسلام و یابعد از اسلام میباشد . مسوولین ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت غور میگویند که هشتاد در صد آبدات تاریخی تخریب گردیده و تا حال هیچ توجهی در بازسازی آن صورت نگرفته است، کندنکاری های مخفیانه و خودسرانه در ساحات تاریخی را نیز دور از امکان نمی دانند . که اضافه تر از ۲۰۰ ساحة تاریخی و باستانی در غور وجود داشته که توانسته اند ۱۳ آبده تاریخی رابه همکاری انجنیران و باستان شناسان وزرا ت اطلاعات و فرهنگ و باستان شناسان کشور لیتوانیا سروی مقدماتی نمایند، اما متباقی تا هنوز نسبت مشکلات امنیتی و بودیجوی سروی و راجستر نشده است.

فصل دوم این اثر که شامل ساحات باستانی دو ولسوالی (تیوره و پسابند) میگردد، تشریح گردیده است و فصل سوم در مورد محوطه ها، بناها، شهرها و لوسوالی های ساغروتولک تذکر رفته است

فصل چهارم آثار باستانی و بناهای تاریخی مرکز و ولسوالی شهرک  
توضیح گردیده است.

فصل پنجم این اثر را تشریح ساحات باستانی غوری  
هادرنقاط مختلف و فصل ششم رازبان واصطلاحات عامیانه  
غورتشکیل میدهد، به رشته تحریر درآمده است.

دراخیر از تمام استادان و دوستان گرانقدر اظهار قدردانی  
و تشکری دارم که از راهنمایی عالمانه خود ما را در جهت تحقیق این  
رساله تشویق نموده که با ذوق تمام موفقانه تحقیقات را به اتمام  
رساندم و ما هم برای هریک از استادانم آرزوی کامیابی داشته و از  
خدای تعالی سلامتی ایشان را خواستارم.

## فصل اول

### نتایج تحقیقات جدید باستانشناسی در ولایت غور

ولایت باستانی غور یا پاراپامیزوس یکی از ولایت مرکزی افغانستان که دارای (۳۹۶۶۶) کیلومتر مساحت هفتمین و ولایت از نظر مساحت در کشور محسوب میگردد.. دارد. این ولایت باستانی بعد از سطح مرتفع پامیر و کوه بابا مرتفع ترین حصص افغانستان بوده، برفگیر و دارای زمستان سرد و دره های پر خم و پیچ میباشد (۵: ۱۷۰).

ولایت غور از جانب شمال به ولایت های بادغیس، سرپل و فاریاب از طرف شرق به ولایت های بامیان، دایکندی و ارزگان و از طرف جنوب به ولایات هلمند، فراه و قسمتی از بادغیس و از طرف غرب به ولایات بادغیس و هرات و قسمتی از فراه محاط میباشد و به هشت ولایت هم مرز است مرکز این ولایت شهر

چغچران است. شهر چغچران به عنوان مرکز ولایت غور از پایتخت (کابل) ۱۴۱۲ کیلومتر فاصله دارد.

که بین ۳۳ درجه و ۱۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه تا ۳۵ درجه و ۳۰ دقیقه و ۱۷ درجه و ۲۲ دقیقه و ۱۲ ثانیه عرض البلد شمالی و ۶۳ درجه و ۱۷ دقیقه و ۱۲ ثانیه تا ۶۶ درجه و ۴۴ دقیقه و ۵۴ ثانیه طول البلد شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است (۱:۱۴).

قرار احصایه تخمین سال ۱۳۸۹ هجری شمسی جمعیت این ولایت به (۸۰۰۰۰۰) نفر میباشد. که تراکم نسبی آن ۲۰ نفر در هر کیلومتر مربع بر آورده می شود. و از نظر نفوس در ردیف نوزدهمین ولایت کشور قرار دارد. و مجموع قریه های غور ۱۹۱۶ قریه است ، چغچران به ارتفاع ۲۲۵۰ متر از سطح بحر بلند افتاده است. زبان مادری شان دری است. و به کته گوری های مختلف قبیلوی تقسیم گردیده اند که هریک آن مشخصات خاص لهجوی

زبانی وفرهنگی دارند. واز لحاظ تشکیل اداری دارای واحدهای

اداری ذیل است :

- ولسوالی تیوره
- ولسوالی تولک
- ولسوالی لعل و سرجنگل
- ولسوالی پسابند
- ولسوالی شهرک
- ولسوالی ساغر
- ولسوالی دولینه
- ولسوالی دولتیار
- ولسوالی چهار سده
- مرکز ولایت غور (چغچران)

ولایت غور یکی از ولایات کوهستانی افغانستان است که از

ولایات وسیع المساحت نیز بحساب می آید. ،این فراخی ووسعت



ساحه دلیل مختلف بودن موسم این ولایت را می رساند که بشرح ذیل ارائه میگردد. طوریکه قبلاً اشاره شد تمام مناطق ولایت غور دارای موسم واحد نیست ، برخی مناطق نهایت سرد ، بعضی مناطق نسبتاً معتدل و قسمتی گرم هم می باشد. مرکز ولایت غور ( چغچران ) دارای دو اقلیم آب و هوا میباشد، جنوب ، شرق و غرب چغچران سرد و برف گیر بوده و غالباً در موسم زمستان راه های مواصلاتی آن برای شش ماه بروی ترافیک مسدود است. و مناطق جنوب چغچران نسبت سردی هوا برای غرس اشجار میوه دار مساعد نیست ، تنها مناطق مجاور دریای هریرود تازه موفق به ثمر رساندن درختان میوه شده اند که آنهم طور نمونه است یعنی مناطق دولتیار ، شینیه ، کشرو ، بادگاه ، تسرغی و زرتلی و کندیوال... اما بر خلاف مناطق شمال چغچران دارای آب و هوای معتدل و قسمتی اعظم از مناطق توسط درختان میوه دار پوشیده میباشد. مناطق غلمین و مرغاب شامل مناطق گرم تر است و دره

های مختلف مرغاب از فیض دریای مرغاب سر سبز و پر میوه است و حتی مکاتب و مدارس مرغاب بر خلاف سائر مناطق غور از طرف زمستان فعال است ، اما مناطق جنوب و غرب چغچران بیشتر از سائر مناطق برای کشت للمی و نگهداری حیوانات مساعد است، چون بیشتر تپه های خالی دارد ، مناطق پشت بند ، غیبی و مناطقی شویج و لفر در چغچران مناطق نهایت محروم و پر مشکل است که برخی مناطق از آب آشامیدنی سه ساعت فاصله دارند. مناطق جنوب و غرب غورشامل ولسوالی های تیوره ،پسابند، ساغر،شهرک،تولک از درختان مثمر پوشیده شده ،از نظر محیط شناسی بهترین محیط که تمام فعالیت های محیطی صورت میگیرد، شناخته شده است.

متأسفانه به دلیل راه های صعب العبور سرزمین غور اطلاعات جغرافیه نویسان درباره آن معلومات اندک است. چنانچه قاضی منهاج السراج نوشته است که در غور پنج پاره کوه بزرگ

است. هرلدج در کتاب دروازه های هند ارتفاع آنرا ( ۱۲۷۰۰ فت ) می نگارد ، از یکطرف حاشیهء شمال شرقی آن که شامل سیاه کوه وسفید کوه به ارتفاع بین چهارالی پنج هزار متر به مقابل نواحی جنوب غربی آن به اراضی خم میشود که اوسط ارتفاع آن از ( ۸۰۰ متر) تجاوز نمی نماید(۲:۱۴).

ودارای پنج دریا میباشد:

۱. دریای هریرود : این دریا که از ولسوالی

لعل و سرچنگل سر چشمه میگردد از بین مناطق دولت یار ، شهر چغچران و جوار منار جام عبور نموده که شهر هرات از فیض آن بهره مند می گردد. تا هنوز مردم غور از این دریا استفاده درست بعمل نیاورده اند اما عبور از شهر چغچران تا کمنج و دره تخت ازین آب بخاطر زراعت استفاده نمی شود ، چون از مناطق سخت و کوهستانی عبور میکند ، زمین زراعتی در جوار آن نیست.

۲. دریای مرغاب : باوجودیکه اینکه آب

فراوان دارد ، مناطق مرغاب از آن استفاده درست کرده نمی توانند به استثنای برخی مناطق چهارسده.

۳. دریای فراه رود : طوریکه از نامش

پیداست به ریگستان های فراه می ریزد و از بند باین و خاک یارک ولسوالی دولینه سرچشمه میگردد. مناطق زیاد در غور ، پرچمن و فراه بنام آن مسمی گردیده ، ازین رود خانه در زمین های زراعتی استفاده بعمل می آید ، اما در جوار این دریا نیز مانند دو دریا فوق زمین زراعتی کم است.

۴. دریا یا رود غور که از بین ولسوالی

تیوره عبور نموده زمین های زراعتی اطراف این رود زیاد است و در پرچمن به فراه رود ملحق میشود واز کوه های پسابند سر چشمه میگیرد و سرانجام به فراه میرسد.

۵. رود دهن حصار : که از دهن حصار شهرک و گاوکش و تگاب اشلان تولک عبور میکند نیز آب کافی بخاطر زمین های زراعتی دارد که از وی استفاده می شود.

#### کوتل های مشهور

۱. کوتل زارمرغ : بین کوتل تیوره وساغرموقیعت دارد،بنام سیمرغ نیز یادشده است.
۲. کوتل آ سیب : بین لروندفراه واقع است.
۳. کوتل گنبد :بین شهرک وجام واقع است.
۴. کوتل گزک :بین گرم آو(گرم آب)وتگاب گنبد واقع است.
۵. کوتل بودک :بین لرونند وفراه موقعیت دارد.

۶. کوتل غوک : دربین کمنج ودری تخت  
واقع شده.
۷. کوتل فرهنگی : درپنچ کیلومتری چشمه  
سنگ مزارواقع شده است.
۸. کوتل غالک :درقسمت دهانه بیدن واقع  
شده است.
۹. کوتل لخت : درانجام غربی کوه  
مشوروتاریخی خیسار(قیسار)واقع شده ازحصه زرنی شروع  
الی غرب ادامه دارد.
۱۰. کوتل سرخ : بین لروند وپرچمن افتاده  
است.
۱۱. کوتل دربندسفید : درنزدیکی دولتیار  
واقع شده است.

۱۲. کوتل جام : این کوتل درختم کوتل  
گنبد واقع شده است.

۱۳. کوتل تلخ آب : این کوتل در سرحد  
ولایتی بین غور و فراه افتاده است.

۱۴. کوتل صدرگ: در بین ولسوالی لعل  
وسرجنگل و یکاب لنگ واقع شده است.

۱۵. کوتل درواز: درعلاقه داری های فارسی  
واقع شده است. (۲۲۳-۲۲۶).

درازمه قبل التاريخ شهرهای تاریخی و معروف غور عبارت  
از فیروزکوه (ولسوالی تیوره)، تولک، آهنگران (آخرین پایتخت  
شاهان غوری ها در سمت علیای دریای هریرود) و چندین مراکز  
دیگر، در مقابل التاريخ غور پس از تشکیل جمعیت، دارای همان  
دیانت عناصر پرستی بوده، ولایت به قانون حکومت های محلی  
اداره می شد. وضعیت جغرافیای منطقه از هرگونه نفوذ و تسلط

همجوار آن محفوظ نگه میداشت. دیانت زردشتی در کانون مراکز عمده آن از بلخ در قرن (۷) ق م بعدا در غور آغاز شده یعنی بعد از سقوط دولت باختر و نفوذ هخامنشیها در افغانستان، برخلاف صفحات سایر مملکت، ولایت غور در سایه جبال شامخه و دره های هولناک خویش توانست آزادی کامل خویش را حفظ نماید(۵):

(۱۷۰).

زمانیکه اسکندر مقدونی داخل این خطه شد تمام ترتیبات و مقررات غور برهم خورد و سپاه آن غور را عبور نمودند درین دوره تاریخی غور به ترقی و پیشرفت متوصل شد و بعد از آن دیانت بودایی در سر زمین های شرقی آن نفوذ کرد و مردم غور به یک فرهنگ جدید (گریگو-بودیک) رو آوردند، دیانت بودایی الی انتشار دین مقدس اسلام در سرزمین رایج داشت. در دوره بودایی از کوشانی الی ترکان و ساسانیان در سرزمین افغانستان حکمفرما بودند. اما ولایت غور در تحت تسلط هیچ قدرتی نرفته و مستقلانه



آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

میزیسته اند، رونق ومدنیت غور با استقلال داخلی آن تازمان ظهور اسلام درین سرزمین ادامه داشت(۵: ۱۷۰).

چون اصل موضوع ما تحقیقات باستانشناسی بوده بنامیپردازیم به معرفی ساحات وآبدات تاریخی غور:

قابل تذکراست سروی ساحات ولایت غور از تاسیس اداره موقت الی اکنون ،توسط تیم مشترک افغان-ایتالیا،کامبرج لندن ولیتوانیا آغازگردیدکه ذیلاً به معرفی گرفته می شود:

### قلعه ضحاک:

این قلعه در پنج کیلو متری شهر چغچران در ۳۴ درجه و ۳۱ دقیقه و ۵۷ ثانیه عرض البلد شمالی و در ۶۵ درجه و ۲۸ دقیقه و ۱۸ ثانیه طول البلد شرقی در قریه پوزه لیچ واقع بوده دارای (۲۲۸۳) متر از سطح بحر میباشد و به دو نام مردمی شهرت دارد که یکی آن ضحاک و دیگری بنام اکبر بیک یاد میشود توسط هییت

باستان شناسی لیتوانیا حفاری و سروی گردیده است همچنان به تعداد زیادی خشتهها با نقشه منظم هندسی بدست آمده که قدامت تاریخی آن (۲۵۰۰) سال تخمین شده است (۵: ۱۷۵).

برعلاوه ازین ساحه محل دیگری بنام پوزه لیچ نیز توسط هیئت افغان - لیتوانیا سروی گردیده که قدامت آن را (۱۰۰۰) سال تخمین نمودند. این آبدۀ دارای دیوار عریضی بوده که گفته می شود سه راس اسپ بالای آن دریک عبور کرده می توانست که به مرور زمان تخریب شده است، از ساحه متذکره بقایای دوره قبل از اسلام کشف گردیده که ممکن از (۲۵۰۰) سال قدامت تاریخی داشته باد. این بنای تاریخی توسط تموچن (چنگیز) در سال (۱۲۲۲) میلادی تخریب شده است. گزارش تحقیقی تیم افغان - لیتوانیا (۱۳۸۶)

در نزدیکی این قلعه یک چشمه بزرگ وجود دارد و اکثریت مردم تحت شهر ازین آب جهت نوشیدن استفاده

میکنند. به گفته مردم محل این چشمه از سیاه کوه که حدوداً (۶۰ - ۱۰۰) کیلومتر طول داشته سرچشمه گرفته و توسط سیستم های منظم نل های خشت سفالی لوله کشی شده است. و پارچه های گلی که از این قلعه به دست آمده قدامت زمان قبل از غوری ها را نشان میدهد. و این قلعه دارای زندان بوده.

### زندان ضحاک:

در نقطه فوقانی تپه یک محلی موجود است بنام زندان ضحاک مشهور است. پایینتر از ساحه قبر چاهی موجود است که در گذشته هانظر به گفته اهالی منطقه بسیار عمیق بوده اما در مدت زمانی به اثر ریزش خاک و سنگ توسط باران و مردم این چاه بکلی مدفون گردیده است که گفته میشود از آن به صفت زندان استفاده میشده آثار و علایم این جا نیز قدامت (۳۰۰۰) سال قبل از امروز را دارا میباشد.

### تپه پیشوندی:

این تپه باستانی به فاصله تقریباً یک کیلومتر از قبرضحاک بطرف شرق آن در یک دره قرار گرفته است، درین ساحه حفاری غیرقانونی صورت گرفته تاریخ دقیق آن تا هنوز تعیین نشده است.

### کشک کهنه:

این محل باستانی در قریه شیخ های کاسی در هشت کیلو متری شمال مرکز ولایت غور و در ۳۴ درجه و ۳۴ دقیقه و ۲۷ ثانیه عرض البلد شمالی و ۶۵ درجه ۱۵ دقیقه و ۹۹ ثانیه طول البلد شرقی احراز موقعیت نموده و این ساحه دارای (۲۳۹۳) متر از سطح بحر میباشد در ساحه متذکره یک برج مربع الشكل موجود بوده که ارتفاع آن به ۴ متر میرسد ممکن این برج مربوط به اسلام باشد. و ساحه نیز توسط هیئت باستان شناسی لیتوانیا حفاری گردیده و آثار دست آمده ازین محل مربوط به دوران کوشانی ها

میباشد فعلاً در حال تخریب قرار دارد. و در نزدیکی کشک کهنه تپه دیگری وجود دارد بنام تپه قلندر خان یاد میشود و این تپه نیز توسط هییت باستان شناسی لیتوانیا حفاری گردیده‌است و آثار دست آمده ازین تپه به دوران بوداشباهت دارد و آثار بدست آمده شامل ظروف گلی، قدامت دوهزار سال قبل از امروز را نشان میدهد. (۵: ۱۷۵).

### ارگ دختر پادشاه:

در مقابل منار جام، به طرف شمال دریای هریرود، خرابه‌ای قلعه‌ای در بلندی کوه خاره هنوز هم به نظر می‌خورد که در نزد اهالی بنام ارگ دختر پادشاه معروف است. آندره ماریک، این خرابه‌ها را با برجها و بارو‌ها و دیده بانگاه‌های « عبارت از قصر فیروزکوه دانست. در دهانه‌ی ناوه‌ی بیدان، در دوطرف همواری‌ها و تپه‌ها آثار دیوارها و آبادی‌های که اکثراً با خشت پخته بوده‌اند همچنان در دوطرف دریای هریرود آثار عمرانات حیرت‌انگیزی به

چشم میخورد. در سراسر منطقه سفالها و قطعات شکسته ظروف سفالی و شیشه نیز دیده می شود، از روی نقوش و تزئینات و ساختمان آنها به دوره غوری ها تعلق دارد، این امر مستلزم کاوشهای باستان شناسی و تحقیق متخصصین هنر اسلام است، هر وقت این کار انجام گردد نتایج سودمندی را در بر خواهد داشت.

در جریان سالهای (۱۳۵۸ - ۱۳۷۶ هـ ش) که وطن ما دستخوش حوادث ناگوار گردید، خارجیان با استفاده از جهل و بی سوادی هموطنان ما، آثار گران بهای زیر خاکی منطقه چای منار جام را طور بیرحمانه به چپاول و غارت برده اند. خصوصاً در سال های (۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ هـ ش) این چپاولگری به اوج خود رسیده و شاید چیزی از آن گنجینه های گران بها باقی نمانده باشد. عجیب تر آنکه ولسوالی شهرک از قیمت اجناس یافت شده که گاهی تا هزاران لک روپیهء افغانی در خود منطقه بفروش میرسید

(خمس) یعنی پنج یک اخذ می نمود. در حالیکه این کار خلاف قوانین شرعی و خلاف قوانین نافذ مملکت ما بوده و دزدی و چپاول آثار باستانی موجب جزای سنگین است که قوانین بدان تصریح دارد. متأسفانه باید تذکر بدهم که چپاول و غارت آثار تاریخی منار جام، تاریخ مملکت ما در دوره درخشان امپراطوری اسلامی غور، بغارت رفته است.

### قلعه آهنگران:

قلعه آهنگران از مشهور ترین قلعه های عصر دودمان سوری مرکز تمدن نظامی و فرهنگی شان بود این قلعه مستحکم در ۲۳ کیلو متری طرف غرب شهر چغچران در ۳۳ درجه و ۲۸ دقیقه و ۳۶ ثانیه عرض البلد شمالی و در ۶۵ درجه و ۲ دقیقه و ۷۴، ۰ ثانیه طول البلد شرقی واقع بوده در ارتفاع (۲۲۰۳) متر از سطح مییاشد قلعه آهنگران یکی پایخت های امپراطوری غوری بوده این قلعه توسط پسر سلطان محمود غزنوی چندین بار مورد تاخت قرار

گرفته وبا (۴۰۰۰) سپاه شکست خورد و بار دیگر با (۱۲۰۰۰) سپاه آنرا تسخیر نمود (۵: ۱۷۳).

به استناد از تاریخ هند وقاضی منهاج سراج الدین جوزجانی در احوال ملک سوری چنین مینگارد: "چون تخت به امیر محمد سوری رسید وی از سلطان غزنوی اطاعت نه نمود و سلطان محمود بالشکر گران جانب غور آمد و امیر محمد را در قلعه آهنگران محصور و دستگیر نمود ولی سوری بنا بر غیرت و مردانگی غوری که داشت این تسلیمی را ننگ دانسته در هنگام انتقال در راه توسط زهری که در زیر نگین انگشتر خویش جاسازی نموده بود خورد و خود را کشت".

پوهاند عبدالحی "حبیبی" می نویسد: "که آهنگران اکنون هم به همین نام مشهور و آثار آن پدیدار است و در قسمت علیا هریرود در جنوب کاسی در کنار دریا افتاده است".



صدیقی می نویسد: " آهنگران شهری از ولایت غور و پایتخت آخرین پادشاه غور بوده که در قرن یازدهم بدست غزنویان منقرض گردیده ، امروز قریه یی در سمت علیا هریرود باقی است".

قابل ذکر است درین محل پنج تپه باستانی به فواصل مختلف بملاحظه میرسد و به نظرشواهد دریافت شده ازین محل مربوط به دوره بودیزم بوده که پارچه های ظروف سفالی مؤید گفتار ماست. علاوه برین بازیافت ها، خشت هابه اندازه (۳۸\*۱۵\*۱۰) سانتی متر نیز بدست آمده است. محل متذکره حفاری غیرقانونی گردیده است. (۵: ۱۷۳).

### فیروزکوه:

این سروی در دامنه کوه فیروزکوه و اطراف منارجام صورت گرفته که ساحات روی نقشه باستانشناسی نشانی و عکاسی

شد. در جریان سروی هیات باستانشناسی در ساحات کوه آزاد در جنوب منار جام مشاهده گردیده که حفریات خودسرانه در نقاط مختلف آن صورت گرفته است و بقایای پارچه های ظروف سفالی لعابدار و بدون لعاب از ادوار اسلامی بادیزاین های مختلف نقاشی برنگ سیاه و پارچه های شیشه رنگه که دارای نقاشی برنگ سفید میباشد کشف و بدست آمد. (۱۵:۱۵-۲۱).

### گشگ :

این محل باستانی در مسیر راه جام هرات قرار داشته و تقریباً در دو کیلومتری جنوب منار جام احراز موقعیت نموده است. درین محل قبوری بنام قبور یهودیان موجود است. و چنین استنباد میگردد که در ساحه متذکره آبادی های بوده و مردم در آنجا سکونت داشته اند. ازین محل کمی دورتر دناش های خشت پزی نیز موجود بوده که احتمالاً به منظور اعمار منار جام ازین دناش ها ساخته شده

بود، که خشت های بدست آمده مربوط دوره غورها  
میباشد. (۵:۱۷۳).

### ساحات باستانی گشگ بر :

گشگ بر در ۴۷ کیلومتری شرق شهر چغچران تقریباً (۱۷-  
۲۰) هکتار زمین را احتوا میکند. ساحه متذکره در پنج کیلومتری  
ولسوالی دولتیار قرار داشته است. ساحه باستانی گشگ بر یک ساحه  
پر جمعیت بوده، ممکن پایتخت شاهان بوده باشد، در محل متذکره  
برج مدوری بملاحظه میرسد که ممکن به منظور محافظت شهر  
ساخته شده باشد. ساحه مذکور حفاری خودسر گردیده و پارچه های  
ظروف سفالی در ساحه به نظر رسیده و کوره سفالی پزی نیز در ساحه  
کشف گردیده است. پروفیسور الکسی بدین باور است که درین  
ساحه شهری بزرگی بوده و آثار دوره های مختلفی از عصر سنگ  
جدید، برنز، آهن تا اسلامی موجود است. درین ساحه حفاری خود

سرانه صورت گرفته امابه قول پروفیسور مذکور در پایین ساحه آثار باقی مانده است (۱۵ ۵۵-۵۷).

### کوه ارگ دختر پادشاه :

در سمت شمال منارجام و شرق قریه بیدن قرارداداشته و دارای (۲۵۰۰) متر ارتفاع از سطح بحر بوده و نهایت صعب العبور می باشد. در قسمت فوقانی آن بقایایی ساختمانی اند، به ملاحظ می رسد که این ساحه قبلا توسط افراد و اشخاص غیر مسوول حفاری گردیده بود. در محل متذکره حوض از خشت پخته که طول آن ۸,۲ متر و عرض آن ۵,۶ متر عمق آن ۴,۵ متر بوده و اندازه خشت های آن ۲۲\*۲۲\*۴ سانتی متر می باشد. سمت جنوب این حوض بیضوی شکل بوده و در سمت شمال آن بلول نیز موجود بوده که آب اضافی از آن اخراج می گردد. از محل متذکره پارچه های ظروف سفالی و شیشه نیز بدست آمده است (۱۵:۳۴-۴۲).

### ساحات باستانی قلعه ضحاک:

ساحات باستانی قلعه ضحاک بطرف غرب به فاصله بیشتر از ۱۰۰ متر تپه خاکی موجود است که توسط افراد غیرمسئول کندن کاری گردیده و از اثر آن تیکرهای به جامانده است. فعلا زین ساحه به منظور نگهداری مواشی استفاده میگردد. محل مذکور بیرون از قلعه ضحاک قرار دارد (۵: ۱۷۵).

### اطراف گشگ بر:

در اطراف ساحه گشگ بر نیز حفاری خودسرانه گردیده است. علایم باستانی در ساحه موجود بوده و چنین وانمود می شود که درین ساحه مردمان قدیم مشترکاً باهم زنده گی داشته و با آمدن قشون مغل در قرن ۱۳ م تخریب گردیده و تاکنون هیچ سکنه درین محل زنده گی نداشته و متروک میباشد.

### قریه شینیه:

این محل در ۴۰ کیلومتری شمال شرق شهر چنچران در ۳۴ درجه ۳۰ دقیقه و ۳۱٫۶ درجه عرض البلد شمالی در ۲۵ درجه و ۴۰ دقیقه و ۲۰ ثانیه طول البلد شرقی قرار داشته و دارای ارتفاع ۲۴۱۸ متر از سطح بحر میباشد. در قسمت فوقانی کوه این ساحه برج های سنگی اعمار شده که تعداد آنها به ده عدد میرسد، اندازه آنها (۳\*۳\*۶) متر بوده و دارای تیر کش های دفاعی میباشد، برج های متذکره فوق احتمالا دوره بودایی و اسلامی را در بر خواهد گرفت.

هم چنان در بازار شینیه یک پل خستی موجود است که از خست پخته اعمار گردیده اندازه آنها به ۳۵\*۲۱\*۷ سانتی متر می رسد، طول این پل ۸ متر و عرض آن ۷ متر بوده مصالح

ساختمانی آن عبارت از گل و چونه می باشد. این پل یک زمانی هم  
ترمیم مجدد گردیده که فعلا از آن استفاده نمی گردد (۱۵:۳۲).

### واژگون سنگبار :

این ساحه باستانی در ۲۵ کیلومتری غرب چغچران موقعیت  
داشته و دارای ساحات و آبدات تاریخی میباشد. نظربه شواهد بدست  
آمده این ساحه مورد استفاده مردمان قدیم قرار گرفته و دارای  
مغاره های باستانی نیز بوده که مشابه با مغاره های یکاولنگ  
ولایت بامیان میباشد. (۱۵:۴۰).

مغاره های این محل باستانی در صخره ها کندن  
کاری گردیده که تعداد آنها به ۶ عدد میرسد در یکی از مغاره ها یک  
تاق به منظور گذاشتن چراغ ساخته شده که دارای کمان  
نیز میباشد، و در یکی دیگری آن یک شکل آخور مانند بملاحظه  
میرسد که ممکن مرده گان خویش را در آنجا می گذاشتند. به گفته

پروفیسور الکسی ونظر به شواهد بدست آمده ازین ساحه ممکن مربوط دوره بودیزم باشد در ساحه سنگبار حفريات خود سرنیز صورت گرفته و باعث تخریب ساختمان ها گردیده است.(۱۵:۴۱).

### پنبه کار:

در ۲۵ کیلومتری شمال شهر چغچران ساحه است بنام پنبه کار، این ساحه باستانی یکی از مناطق مشهور ولایت غور به شمار می رود. ساحه متذکره در ۳۴ درجه و ۴۱ دقیقه و ۵۷،۵ ثانیه عرض البلد شمالی و در ۶۵ درجه و ۱۹ دقیقه و ۲۳ ثانیه طول البلد شرقی واقع بوده و دارای ۲۵۵۳ متر ارتفاع از سطح بحر میباشد. شمال این ساحه قریه غلمین، زیارت جهان نما، جنوب قریه کاووسی شرق ان تپه خاکی یا للمی کاری وغرب آن را ولسوالی چهارسده احاطه نموده است. ساحه مذکور مورد حفاری خود سری قرار گرفته است ونظر به شواهد بدست آمده این ساحه ممکن مربوطه به دوره آهن و مشابه به آثار مندیگک هزاره سوم چهارم قبل از میلاد را در بر



گیرد. هم چنان آثار و علایم قرن سوم و چهارم قبل از میلاد نیز از این محل کشف گردیده است. و نظر به شواهد بدست آمده این محل دوباره به اثر رسوبات پر گردیده است و قابل زراعت می باشد. و ایجاب حفاری قانونی را می نماید. (۱۵: ۶۶-۶۴)

### ساحات اطراف پنبه کار:

قرار سروی تیم مشترک افغان - لتوانیا در اطراف پنبه کار صورت گرفت بقایای دیوار بوده که فعلا به کلی از بین رفته و در اطراف آن دو تپه خاکی موجود می باشد، که احتمالا در این ساحه است و به دوره بودایی موجود باشد. این ساحه توسط تیم مشترک افغان - لتوانیا سروی و راجستر گردیده است.

### ساحه باستانی قبر ضحاک :

ساحه باستانی قبر ضحاک (۳۱۰۰) متر از سطح بحر ارتفاع داشته که در ۵۰ کیلومتری شهر چغچران در محل بنام جر چقور

در یک کوه بلند ومدور ور مرتفع ترین ساحه غورموقعیت داشته است به اثر کاوش های خود سرانه دراین محل پارچه های ظروف سفالی بدست آمده است نظر به گفته پروفیسور الکسی ممکن این ساحه ۳۰۰۰سال قدامت تاریخی داشته باشد. او خاطر نشان ساخته است که در این ساحه ممکن قبر ضحاک باشد. اما تا زمانیکه حفریات علمی صورت نگیرد صد فیصد در مورد حکم کرده نمی توانیم.

### قلعه ملک عنتر:

این آبده تاریخی در ۳۵کیلومتری غرب شهر چغچران در بین کوه ها در وسط دره موقعیت داشته، که در بین اهالی بنام قلعه ملک انتر معروف بوده است. اطراف این ساحه را زمین های زراعتی و کوه ها پوشانیده و دارای (۲۲۷۰) متر ارتفاع از سطح بحر می باشد.در محل متذکره برج ها به ملاحظ می رسد.در شرق آبده متذکره در روی یک سنگ تصاویر حک شده است که عرض

آن ۷۰ سانتی متر و ارتفاع آن ۴۳ سانتی متر بوده در پهلوی آن تصویر دیگری به عرض ۱۹ سانتی متر و ارتفاع ۴۰ سانتی متر میباشد. این محل تقریباً ۵۰ متر ارتفاع داشته و ۵۰۰ متر مربع ساحه را احتوا می کند. ساحه مذکور ۳۵ متر سنگ کاری شده و دارای چهار برج میباشد، مواد ساختمانی آن عبارت از سنگ کوهی و گل بوده که هر برج را باهم وصل می سازد. بر علاوه توسط دیوار پخسه که دارای سه متر عرض بوده ساخته شده است. (۵۴:۱۵).

### اطراف منار جام:

حفریات مقدماتی این ساحه به تاریخ ۱۱ اگوست ۲۰۰۳ توسط تیم مشترک باستان شناسان افغان-ایتالیا آغاز شد. در اثر حفریات از این محل بعد از عمق ۱،۷۵ متر خاک برداری سطح فرش منظم مدرسه نمایان گردید. که در این فرش خشت ها به اندازه ۱۴\*۲۵\*۲۵ سانتی متر به کار رفته بود و فرش متذکره ادامه داشت (۵:۱۷۸).

در سمت شرق منار جام به فاصله ۹۰ متری آن در ساحل در یای هریرود ساندازه‌های امتحانی مقدماتی حفر گردید که هدف این حفاریات در یافت سطح مسجد و یا مدرسه که منار در آن ارتباط داشت میباشد. در اثر پیشرفت کار علمی و کاوش های باستان شناسی خشت های پخته و پلاستر کشف گردید. که در جای اصلی اش نبوده و از جایش افتیده بود . ساندازه‌دیگری به فاصله ۷ متری غرب منار حفر شد که طول آن ۴ متر و عرض آن ۱,۵۰ متر میباشد (۵: ۱۷۸).

هم چنان در اثر حفاریات ساندازه‌های که در تراس A و B صورت گرفت در عمق ۱۲۷ سانتی متری فرش به صورت منظم از خشت های پخته به اندازه های ۲۵\*۲۵ و ۲۴\*۵ سانتی متر کشف گردید. و هم چنان تزیینات مدور از خشت پخته به شکل گل های چهار برگ (به صورت پراکنده) و تزیینات کناره به صورت

استوانه از خشت ها تراش شده کوچک با تعداد کمی از سفاله های لعاب دار و بدون لعاب بدست آمد(۵: ۱۷۸).

همچنان به تاریخ ۲ سنبله ۱۳۸۴ سانداژ دیگری به سمت غرب B یعنی به سمت منار باز گردید در این سکشن ها دیوار احاطوی مسجد و فرش آن که از خشت پخته بوده جلب نظر نموده و نیز دیوار پخسه ای بالای خشت پخته به نظر رسید. در تمام سکشن های یادشده قسمت از دیوار های احاطوی و فرش مسجد هویدا گردید. در بعضی قسمت های تراش ها به منظور دریافت تهداب عمق حفاری به طول ۲ متر و ۲۰ سانتی متر رسید. ترنج دیگری در سمت جنوب غربی ترنج C به فاصله تقریباً ۹ متر به اندازه ۱\*۲ متر حفر شده که البته بعد از حفاری ۶۱ سانتی متر فرش خشت پخته مانند سایر ترنج ها بدست آمد که روی خشت ها نسبت به رطوبت پوستک گردیده بود. در شمال شرق منار در آنسوی دریای هریرود سانداژ دیگری به اندازه ۴\*۱ متر باز گردید،

که در اثر آن منزل رهایشی کشف گردید. به طرف شمال شرق آن تاقچه هویدا گردید ، که قسمت تهداب سنگ کاری و بالای آن خشت و بعدا پلاستر کاری شده بود، چراغ های تیلی سفالی کوچک نوله دار که در اکثر حصص آن سوخته گی به ملاحظه میرسد، چوب های تزیناتی ، استخوان پارچه های ظروف سفالی لعاب دار و بدون لعاب ذغال کشف و بدست آمده این منزل رهایشی به شکل گنبدی اعمار گردیده بود. که قبلا توسط افراد غیر مسوول حفاری گردیده بود(۷۵-۷۴:۱۵).

### خرخوچ و دامنه های فیروز کوه:

در محلی بنام خرخوچ که تقریبا در ۱,۵ کیلومتری جنوب منار جام و در دامنه کوه سرک منار جام — هرات قرار دارد که قبلا این ساحه نیز حفاری غیر قانونی گردیده بود. در اثر سروی از مناطق فیروز کوه یک تعداد استخوان ها، پارچه های ظروف سفالی، پارچه های خشت پخته، پارچه های چوب، یک پارچه

کوچک مس ،حبوبات ، مقدار گل و یک عدد بقایای داش خشت بدست آمده و به منظور تعیین وقدامت تاریخی به کابل انتقال وبعدا به لندن انتقال گردید. باز یافت های عمده آن عبارت از یک عدد چراغ تیلی نوله دارسفالی یک عدد سوزن فلزی (میل چوب) که یک انجام آن به شکل پنج ضلعی هموار و یک عدد سکه مدور زنگ زده می باشد به کابل انتقال و به موزیم ملی تسلیم داده شده است.،هم چنان دوعدد سکه دوره اسلامی مدور کوچک و دیگری بزرگ که در اثر کاوش سال ۱۳۸۲ بدست آمد به موزیم ملی تسلیم گردیده است(۱۵:۱۲-۱۵).

## فصل دوم

### تیوره:

تیوره از شهر های تاریخی و قدیمی غور است که سابق مرکز ولایت غور بوده، هرودت پدر تاریخ، این شهر را بنام تیپاره نوشته است. تیوره فعلا یکی از ولسوالی های ولایت غور میباشد که دارای مساحت ۵۱۱۵ کیلو متر مربع بوده و (۳۳۰۰) متر از سطح بحر ارتفاع دارد، این شهر در بین (۴۶-۳۰) درجه طول البلد شرقی و موقعیت بین (۵۵-۶۰) درجه عرض البلد شمالی قرار دارد .

در زمان اعتلای غور با این که شهزاده گان آل شنسب بیش تر اوقات بصورت ملوک الطوایفی در نقاط مختلف امارت داشتند و دارای مراکز جداگانه بودند و علی العموم پایتخت غور ها شهر فیروز کوه بود محل زیبا و خوش آب و هوایی میباشد و مقر حکومت کلان غور در این جا است.(۱۱:۱۷۱).



مورخ کشوری ما احمدعلی "کهزاد" در اثری خود (مقالات کهزاد) چنین بیان میدارد: " در حصص جنوب غربی افغانستان بین مجرای علیای هریرود و خاشرود و شروع حاشیه جلگه سیستان افغانی ورشته کوه های توده مرکزی افغانستان ، قطعه زمین پست و بلند افتاده مرکب از چند رشته کوه که فواصل میان آن ها هارا موج تپه ها پوشانیده است".

البته درین اواخر پوهاند عزیز احمد "پنجشیری" استاد دانشگاهی کابل در یکی از مقالات خود پایتخت غور ها (فیروزکوه) به صورت یقین در نقشه ترسیم نموده و فیروزکوه (تیوره) را برای جهانیان معرفی نمود.

قاضی القضاة منہاج سراج الدین جوزجانی می نویسد : "درسال (۴۱۱ هـ) لشکریان مغل با(اقلان چربی) بدرشهر فیروزکوه آمدند و مدت بیست و یک روز جنگهای سخت کردند و بر آن شهر مسلط نگردیده و نامراد مرجعت کردند...

" این دومین شکست بود که وحشیان شکست ناپذیر مغل از غازیان دین دار ولایت غور متحمل شدند وازین روایت استنباد میشود که استیه و فیروز کوه نزدیک بهم موقعیت داشتند زیرا سپاه تموچن (چنگیز ) بلافاصله بعد از حمله بر استیه و همدران سال بر فیروز کوه هجوم برده است.

قاضی القضاة منہاج سراج الدین جوزجانی در جای دیگر مینویسد: "جنگیز خان پسر خود (اوکتای) را عین زمستان که کوه ها برف گرفته بود، بالشکرهای مغل از گیری بطرف غور و خراسان فرستاد و اوکتای به موضعی آمد میان غور و غزنین که آن را پل آهنگران میگویند، نزدیک یک فیروز کوه و از آن جا به نوین مغل را بالشکر های گران بطرف سیستان بجانب حصار اشیار غرچستان و به جهت جبال غور و هرات نامزد کرده، فرستاد". آهنگران شهر معروفی بوده است که منہاج الدین جوزجانی در مورد سرانجام فاجعه آمیز فیروز کوه تذکر میدهد. بعد از آنکه اقلان چربی در (۴۱۱

ه) باچشم های مغل بدرشهر فیروزکوه بودوپس ازبیست ویک روزجنگی قوی نامراد بازگشت ، مردم شهر فیروزکوه برامیر خویش ملک مبارزالدین سبزواری خلاف وخروج کردند ومبارزالدین به ضرورت به قلعه بالا رفت وآن قلعه بود برشمال شرقی شهر برسر کوه بلندوشامخ وبدان موضح درعهد سلاطین غور یک قصر بزرگ بیش نبود، ورفتن ستور ها برآن ممکن نبودی ، امادین عهد ملک مبارزالدین سبزواری آن قلعه را معمور کرده بود ودر دورسرکوه باره برکشیده وزد، ان قلعه چنان کرده بودکه شتر با باربرآن برفتی ومردی هزار را مکان ومقام بودی ، وچون میان اهل شهر وملک مبارزالدین سبزواری مخالف افتاده، مبارزالدین سبزواری درقلعه بالا رفت اهل شهربخدمت ملک قطب الدین بالشکر غور درفیروزکوه رفت وپسر عم خودملک عمادالدین زنگی بعلی رادر فیروزکوه نصب کرد وآن درسال (۴۱۱ ه) چون لشکر کفاربا اوکتای از غزنی به غور آمدند ملک عمادالدین رادرسال (۴۱۵ ه) شهید کردند وتمام مردم

را قتل عام نموده مبارزالدین سبزواری از قلعه خارج شد و بطرف هرات رفت و در آنجا شهید شد و شهر فیروزکوه و قلعه آن خراب گشت.

منهاج الدین می نویسد: ملک مبارزالدین سبزواری از قلعه فیروزکوه به هرات آمده بود او را در هرات سرلشکر ساخته بودند ملک مبارزالدین سبزواری به اسپ خود سوار شد و سلاح پوشید و نیزه گرفته جهاد می کرد تا اینکه به شهادت رسید.

تیوره در قسمت وسط دره یخن واقع شده و از گوشه جنوب شرقی دره دیگری درین جا باز می شود، مرسوم به (خواجه غار) موقعیت دارد. آبدات از دوره ها و آیین های گوناگون درین خاک دیده می شود از نقطه نظر تاریخی ارزش زیادی دارد معذالک به صورت مقدمه و ایجاز از بعضی عمرانات با شکوهی صحبت میکنیم که محصول دوره ها و حکومت های مختلف یعنی تا عروج صنعت و عمرانات غور می باشد.

## قلعه انبیا خان:

این قلعه به دو نام مردمی (قلعه انبیا و قلعه غور) شهرت دارد. این قلعه در عصر امپراطوری غور ها، مرکز حکمرانی و زمامداران غوری بوده که تمامی ادارات دولتی وقت بشمول بخش های امنیتی، قضای و سایر بخش های اداری در آن جابجا گردیده. در داخل این قلعه مسجد زیبای گنبدی بامیناتوروی های وقت مزین میباشد.

عرض دیوار قلعه شش متر وبشکل مربع ساخته داشته و دارای (هشت برج) محافظوی بوده که در تاُمین امنیت قلعه تاُثیر بسزای داشته و حدوداً به مساحت ( ده جریب )زمین را احتوا نموده . (۱۱:۱۷۱).

اما با بوجود آمدن اغتشاشات در منطقه وایجاد خلایی قدرت در کشور بار ها از سکنه خالی وحتی قسمأ تخریب

و مجدداً اعمار گردیده و این قلعه زمانی خلایی قدرت در دسترس شخصی بنام انبیا خان در غور قرار گرفته و در زمان امیر عبدالرحمن خان از ملکیت انبیا خان گرفته شده و متعلق به دولت گردید که تاکنون هم متعلق به دولت میباشد. جنگ بیش از سه دهه در افغانستان این قلعه را از آثار تاریخی به ساحه باستانی مبدل ساخته است. و اکنون در این قلعه تعمیر قوماندانی امنیه ولسوالی اعمار گردیده است. که هشتاد درصد این ساحات تاریخی به مرور زمان تخریب شده و بخشهای باقی مانده آن در حال تخریب شدن است. و همچنان و هر دیوار ۶ متر عرض و ارتفاع آن ۱۶ متر میباشد، اما اکثر قسمت های آن در جنگهای گذشته به اثر اصابت مرمی سلاح های ثقیله تخریب شده است. از اینکه در بین قلعه، تعمیر قوماندانی امنیه اعمار شده و از آن به حیث مرکز نظامی استفاده می شود، نظر به قانون نباید از ساحات و آبادات تاریخی به حیث مرکز نظامی و یا منطقه مسکونی استفاده شود.

مطابق ماده نهم فصل اول قانون اساسی جدید کشور، آثار باستانی، معادن وسایر ذخایر زیرزمینی ، ملکیت دولت است . حفاظت و اداره از ملکیت های دولت و نوع استفاده درست از ذخایر طبیعی و سایر ملکیت های عامه، از طریق قانون تنظیم میشود(۱۶:۲).

#### قلعه قره باغ :

بقول فیریه جنرال فرانسوی که مدت زیادی رادر غور سپری ومعلومات مفصلی را پیرامون غور گردآوری نموده از قول سعادت ملوک که حکمران شهرک بوده مینگارد که قره باغ یک شهر قدیم وتاریخی غور بوده که مدت زیادی بحیث پایتخت های اسبق غور به شمار میرفت موصوف علاوه میدارد که مسکوکات بزرگ طلائی ونقره یی که نظیر آن تاهنوز دیده نشده، قطربعضی از آنها به ۳،۵ انچ تخمین شده چهره اسکندر کبیر بالای آن حک شده است.(۹۹:۵).

## چار دختران:

کوه چار دختران در جنوب یخن علیا ولسوالی تیوره موقعیت دارد و به دو نام یعنی کوه چار دختران و سنگ سوراخ مشهور است. بطرف جنوب دره نباتات وجود دارد، مردم محل این نباتات را بنام چای سبز گفته واز آن استفاده میکنند. و بطرف جنوب شرقی دره کوه بزرگ بنام برف کوچ (رسرو) موقعیت دارد برف کوه از سال به سال آینده باقی میماند و در گرم های تابستان مردمان آن محیط نزدیک و دور دست از آن برف توسط اسب و یا مرکب به قریه آورده شده واز آن مریضان که اسهال و تب سرد و یا گرم دارند میخورند به امر خداوند (ج) شفا میابند. سنگ سوراخ در فوقانی کوه به شکل یک دروازه وجود دارد که ارتفاع آن ۳۰ متر بوده و عرض آن ۵۳ متر و طول آن ۱۵ متر میباشد و در غرب آن یک دره وجود دارد بنام غلور خانه یاد میشود به طرف شرق دره چند ظرف سنگی بانقشه های منظم هندسی و چهار جسد سنگی



بروی سنگ خوابیده دیده میشود، که این چهار جسد سنگی را بنام چهار دختران مشهور است به روایت مردم محل درین منطقه چاردختر جوان ومسلمان به اثر ظلم وستم زیاد کفار در ظهور اسلام به این دره پناه برده بودند واز خداوند (ج) حاجت خواستند که مارا زنده بدست کفار ومشرکین نده واز قدرت الهی خویش مارا سنگ بگردان وحاجت شان به درگاه الهی قبول گردیده واله (ج) ایشان را به سنگ مبدل ساخت.

### قلعه زرنی:

درسال ۱۸۴۹ فیریه جنرال فرانسوی به ولایت مسافرات نموده ودر سفرنامه خویش از زرنی یادآور شده وآنرا مرکز وپایتخت سابق غور میخواند. همچنان اکثر مورخین ونویسنده گان زرنی راپایتخت قدیم غور دانسته ومینویسند که این محل در جنوب کوهستان غور، در اثنای جلال وعظمت غوری ها شهری آباد ومعمور بوده است.

چنانچه احمدعلی کهزاد که خودازآن محل بازدید بعمل آورده درموردآن مینویسدکه این محل فعلاً قریه ایست به جنوب تیوره که ۶۰ کیلومتر ازمرکز غورفاصله داردوسه سمت آن توسط کوه های مرتفع احاطه که به طرف شرق آن کوه پنج شاخ ، بطرف جنوب کوه غکه وبه طرف غرب کوه غچه گک واقع است.(۲: ۷۵).

### قلعه شیر پلنگ:

قلعه شیرپلنگ دروازه شهر یامحل حکمروایی شاهان

غوری بوده این قلعه دروازه ورودی ودخولی شهر یا محل

حکمروایی شاهان سوری بوده .طوریکه از ساختمان معماری

وفزیکى آن دیده میشود این یک قلعه بوده کوچک ودررای چندین

برج ،چون بشتترین قسمت های تخریب شده فعلاً در زبان مردم

عوام بنام برج شیر پلنگ یاد میگردد.

شیر پلنگ نام دو پهلوان همان عصر بوده که یکی

بنام شیر و دیگری بنام پلنگ مسمما گردیده. قلعه شیروپلنگ

در دهن دو انجام متلاقی شده دو کوه موقعیت داشته بنام تنگی

رخنه واقع بین قریه یخن سفلی و قریه قبه ولسوالی تیوره ولایت

غور میباشد. ازین اثر تاریخی تنها یک گنبد ساختمانی از گل که

تهداب ساختمانی با سنگ های بسیار بزرگ و دو تیغه برج که

یکی آن کاملاً از سنگ و گل کار شده و دیگری آن دارای تهداب

سنگی و قسمت از دیوار گلی مرتفع و ضخیم باقیمانده است

و طوری که از ساختمان آن معلوم می شود دارای چندین منزل بوده

ولی منزل برج ها تخریب گردیده و در عرض دیوار برجهای به شکل

خانه گنبد به طول دو متر و عرض یک و نیم متری سالم دیده می

شود. چون خانه مذکور در وسط دیوار باقیمانده روی همین

موجب از صدمات و حوادث فزینی و طبعی در امان باقیمانده است.

قلعه کجوران :

نام محلی آن کجران بوده که در دامنه کوه زرنی موقعیت دارد و به گمان اغلب همان قلعه جم است که از جمله قلعه های مستحکم و مقاوم بوده که بالای مناطق اطراف خود حاکمیت دارد. این قلعه در زمان غزنویان نیز دارای ارزش فراوان بوده و از زمره قلعه های بیست که در سال (۵۴۴ هـ) اعمار گردیده است. هنگامیکه سلطان غیاث الدین در سال (۵۵۸ هـ) در فیروز کوه بر اریکه قدرت نشست برادر خود ابوالمظفر معزالدین بن سام رابه حیث قوماندان در آستیه قلعه کجوران مقرر کرد. (۵: ۹۸).

### برج بوی ناک:

این برج نیز نماد یک ساختمان گلی و تهداب آن به ارتفاع دو متر از سنگ های بسیار بزرگ محیطی اعمار گردیده که در غور قدیم موقعیت دارد. طوریکه از معماری های داخل آن مشاهده میشود این برج دارای بیش از دو منزل و با عرض دیوارهای بسیار ضخیم و یعنی بیش از دو متر عرض اعمار گردیده اعمار این ابنیه

به بزرگ به سبک و شیوه های خاص امپراطوری غوری ها که از ظرافت خاصی برخوردار بود و گل که در اعمار دیوار های ساختمان بکار رفته نبوغ بسیار مستحکم ساخته شده که از گذشت زمان آن حدوداً بیش از یکهزار سال تخمین شده میتواند که در همین زمان ذکر شده تاکنون ٪ ۴۰ درصد از ساختمان این برج سالم بوده و ۶۰ درصد آن در اثر عوامل طبیعی تخریب گردیده است. در وسط دیوار ساختمان خانه کوچکی به طول بیش از دو متر و عرض دو متر موجود میباشد که به شکل گنبد اعمار گردیده چون در داخل این برج بوی مواد منفلقه به نظر میرسد از آن جهت آنرا برج بوناک میگویند گمان برده میشود که جای مرکز دارو سازی و سلاح سازی در عصر امپراطوری غوری بوده باشد .

#### قلعه سنگ پیتو:

قلعه پیتو در بلند ترین قله سنگی در کوه موسوم به کوه پیتو در قریه یخن سفلی در ولسوالی تیوره موقعیت داشته به

روایت مردمی این قلعه شاه نشینی بوده وفعلا تخریب وبه یک ساحه باستانی مبدل شده وتنها یک تیغه از دیوار آن به شکل نوک تیز باقی مانده وسایر قسمت های آن با گذشت زمان در عوامل طبیعی تخریب گردیده است.

### قلعه تاریخی خیصار یا قیصار:

این قلعه در قله کوه بلند وارتفاع (۸۰۰) متر از سطح اراضی منطقه موقیعت دارد این قلعه ساختمان وبنای مستحکم استوار در دامنه کوه بنام جهان قلعه وبه طرف غرب منطقه زرنی مربوط ولسوالی تیوره واقع بوده در سمت جنوب این قلعه حوض آب که به مساحت (۵۳) در (۵۳) مترساخته شده و از آب چشمه که بنام چشمه نی یک مسما شده ذخیره گردیده که این چشمه با مسافه ۵۴۳۳ متر از حوض فاصله داشته که ذریعه نل سفالی در داخل حوض ذخیره می شد درحالات اضطراری از آن استفاده گردیده وساختمان این حوض ونل سفالی مرتبط به آن طوری



اعمار بوده که تا مدت ۵۳۳ سال دشمن ازین راز معلومات بدست آورده نتوانسته وروی همین دلیل ازفتح قلعه عاجز مانده جمعاً این قلعه پانزده جریب زمین را احاطه که شامل منار های محافظوی یا سنگر های دفاعی و حرم سرای سلطان ، مسجد جامع ، محبس ومهمان خانه ها میباشد این قلعه تنها دارای یک راه عبوری و خروجی پر پیچ وخم که در قسمت جنوب غرب کوه موقعیت دارد بدون ساکنان آن محل دیگر کسی از این راه رفت وآمد کرده نتواسته ودر قسمت پیش روی دروازه ورودی و خروجی به تعداد برج یا مناره دفاعی خارج از قلعه اعمار گردیده که بیشتر آن قسمت عساکر محافظوی یا گارد مسلح محافظوی وامنیتی قرار داشت که از امور داخلی قلعه اموال و خزاین ذخایر خارج از قلعه محافظت مینمودند این قلعه در نقطه مرتفع کوه روی حصار سنگی که ان حصار به طول ۱۱۵ متر ارتفاع دارد این قلعه دارای ۱۵۰ منار یا ساختمان منار شکل می باشد که در داخل هر

ساختمان آن یک فامیل مخصوص از وابستگان دولتی یا خویشاوندان شاهی زنده گی مینمودند و در منازل تحتانی آن زیر خانه های موجود میباشد که برای نگاه داری و حفاظت از خزاین و ذخایره سلطان ساخته شده بود و در وسط این قلعه مسجد زیبا و با قنادیل و میناطوری های مجلل ساخته شده است این قلعه دارای یک محبس عمومی متشکل از سه بخش میباشد قصر و حرم خانه سلطان به جانب شمال غرب بوده و پنج مهمان سرای آن در سمت جنوب در نقاط مرتفع حصار سنگی موقعیت دارد.

ویکی از مناره ها یا برج ها نسبت به سایر برج ها ارتفاع بیشتر داشته و در آن راه ورودی و خروجی مشاهده نمیشود و اغلبا در آن متصور اند که این مناره راه بخصوص را دارا بوده که حتی جمله ساکنان وقت در آن قلعه باخبری نداشته و برگمان اکثر این مناره محل نظارت و اوضاع داخلی و خارجی قلعه میباشد. وعده یی عقیده بر آن اند که این برج محل مشوره با مشاورین واتخاذ



تصامیم نظامی و ملکی شاه بود که در آن برج یک غرفه یا بالا خانه برای عبادت مخصوص شاه ه مشاهده میرسد . که در اوقات فراغت سلطان در آن غرفه عزلت گزینی و خلوت نشینی مینمود و در سمت جنوب قلعه دره طویل که از سه قسمت محصور با سنگ های سخت طبیعی که تنها از غرب این دره یک راه عبوری و ورودی مشاهده میرسد این دره به مسافه چهار کیلو متر دور از قلعه واقع بوده که در داخل آن کمند اسپان شاه ساخته شده که تا اکنون پارو های حیوانی و ساختمان های قبیله مانند یا طبیله حیوانی در آن مشاهده میرسد که نشانه از تصدیق این ادعا است و کسی را در آن منطقه غیر از موظفین خصوصی شان رایابی و دسترسی نبوده است.

در سمت جنوب غرب قلعه کانال آب جاری است که بنام جوی (سوراخ) یاد میگردد و آب که درین کانال جاری است غرض استفاده آبیاری و کشاورزی در منطقه انتقال گردیده و در مسافت

چند کیلو متری حدود وسطی این کانال غرض عبور آب از وسط یک تپه کوه تونل سنگی به طول ۴۳ متر حفاری گردیده و آب از آن عبور نموده است این قلعه در زمان سلطان غیاث الدین ساخته شده است. بیشتر حاکمیت این قلعه بدست ملک رکن الدین غوری که در زمان چنگیز چندین بار مورد حمله و هجوم سپاهیان چنگیز قرار گرفت، اما در فتح آن موفق نشد حدوداً (۱۰۰۰) سال قدامت تاریخی دارد. قلعه خیسهار حصین ترین و مستحکمترین قلعه در غور بود. مؤرخین و جغرافیا نگاران از حصانت و عظمت عمرانی آن یاد کرده اند، حتی چنگیز خان بر این قلعه دست یافته نتوانست. بیهقی چند جا در اثری خود (تاریخ بیهقی) از آن نام برده است. آقای کهزاد که خود هنگام سفر از قلعه خیسهار و خرابه های آن دیدن کرده در سفرنامه خود شرح مبسوطی از آن دارد.

این محل تاریخی کشور امروز بنام قیصار در شمال شرق ولسوالی پرچمن ولایت فراه به یک قریه کوچک تبدیل شده و

تعداد نفوس آن ( ۱۱۱ ) نفر میباشد . باید تذکر داد که بانی و مؤسس (۵۵۵ه ق) در فیروزکوه سلطنت داشت - قلعهء خیसार سلطان غیاث الدین غوری است از ( ۵۵۰ ) قلعهء سنگی و فخر آباد در نزدیکی خیसार واقع است، جنرال فریه فرانسوی هنگام بازدید خوا از غور، در چند فرسنگ شمال شرق تیوره خرابه های سه قلهء تاریخی را مشاهده کرده است که عبارت از قلعهء خیसार، قلعهء سنگی و قلعهء فخر آباد می باشد، قلعهء بشلنگ که در اشعار فرخی در ذکر فتوحات سلطان محمود از آن نام برده است.

#### چشمهء خواجهء غار:

چشمهء شفا در دهن تنگی خواجهء غار موقعیت دارد و نیز یکی از جاهای تاریخی غورقدیم میباشد این کوه ۵۳۳ متر ارتفاع داشته از دامنه غرب چشمه الی حصه فوقانی کوه بشکل مارپیچی از سنگ طبعی زینه وجود دارد . مردم منطقه از این چشمهء قدیمی ، داستان های جالبی روایت می کنند که بسیار شنیدنی

، جالب و دلچسب هستند بطور مثال : درین چشمه دومحل وجود دارد یکی چشمه شفا مردانه که در فضای باز و چشمه شفا زنانه در زیر کوه قرار داشته و مستور میباشد که دارای دروازه های ورودی و خروجی بوده و مردم اهالی تیوره بخاطر رفع امراض جلدی به چشمه شفا غسل می نمایند شفا میآیند.

### کوه مزار:

در حصه شمالی دره یخن بالا ( تیغه کوهی میان دره یخن بالا و وادی << رته >> افتاده ) کهساری موسوم به (کوه مزار ) واقع است و یکی از قله های آن به نام « چهل ملنگ » یاد می شود و یکی از زیارت های تاریخی تیوره در آنجا موقعیت دارد که بنام مسجد پای مزار یاد میشود این محل به دو نام یاد گردیده یکی آن نام کوه مزار و دیگری بنام پای مزار یاد شده است این مسجد در قریه سین در کنار چشمه ماهیان موقعیت دارد که مسجد به طرف جنوب غرب چشمه واقع شده است و ماهیان این

چشمه قابل غیر شمارش بوده و ازین ماهیان کسی استفاده نکرده به امر خداوند (ج) ممنوع است و در وسط مسجد یک ستون چوبی موجود است به عقیده مردم محل با کوبیدن یک مخ کوه در روی ستون شخص دندان درد شفا میابد و بعضی کمی از چوب بجای تابلت استفاده میکنند و به امر خداوند شفا میابد و همچنان به طرف شمال آن کوه بزرگ بنام کوه مزار یاد میشود و در قسمت فوقانی کوه یک منار سنگی وجود دارد که ارتفاع آن حدوداً (۱۵) الی (۵۳) متر داشته و قطر آن (۳۰) متر بوده و در پهلوی منار چشمه سنگی که آب جریان دارد و در پهلوی چشمه تخت سنگی که محراب آن به شکل محراب مسجد حالیه راداراست دیده میشود و در وسط آن یک درخت که قبلاً یاد آوری گردید موجود میباشد.

### قلعه ورکش:

درقریه ورکش چاردرد، ولسوالی تیوره واقع شده ، یکی از قلاع « ورکش » قلعه سنگی مستحکم و تاریخی می باشد که از



سنگ کار شده قبل از امپراطوری غوری حدوداً (۱۲۰۰) قبل از امروز اساس بنا آن گذاشته شده است و بعداً معمر حکومت سابق غور در تیوره قلعه بسیار بزرگ و مستطیل شکلی است که عمر آن از دوصد سال هم می گذرد. تپه های که این قلعه روی آن اعمار شده از نقطه نظر وسعت و موقعیت ، از بهترین مناطق تیوره می باشد. نظر به گفته اهالی ، پیش از تعمیر قلعه بزرگ ، بقایای آبادی پنج « های بسیاری در آنجا وجود داشته و هنوز هم در قسمت جنوبی قلعه بزرگ به طرف کوه آثار بعضی عمارات قدیمی به شکل پخته معلوم می شود. همچنان در جناح شرقی این « شاخ تپه ها، بقایای دیوارهای نیمه پخته برج های قدیمی به چشم می خورد که در نگاه نخست ، بیننده فکر می کند از خشت پخته ساخته شده اند؛ اما وقتی از نزدیک دیده شود معلوم می و یک نوع گل محکمی آباد شده اند که در برابر باد « یامان » شود که از سنگ های دامان کوه نیز یکی از زیارت های « جلنگ شاه مردان

«و برف و باران از مقاومت بسیاری برخوردار بوده است که گفته می شود از دوران حضرت علی باقی مانده است.

### درخت چارمغز:

درخت جوزدرشمال قریه سین به دامنه کوه گروه اسفور در منطقه خنجرک قرار داشته به مسافت ۶۳ کیلو متر دورتر از ولسوالی تیوره موقعیت دارد. این درخت مشهور به چار مغز میر حسین سادات غوری بوده به این معنی میر حسین سادات یکی از مریدان بزرگ صاحبی صاحب بوده چون سادات مدت سه سال صاحبی را گم کرده بوده و اشک وی درین محل ریخت و سادات خمچه خشک را گرفته در جای آب اشک خود غرض کرد و گفته مردم محل باعث سرسبزی این درخت گردیده است و بعضی ها گویند این درخت ۱۰۰۰ الی ۶۰۰ سال قدامت تاریخی دارد این درخت در مساحت یک جریب زمین به شکل یک باغ را احتوا نموده و یکی از خصوصیات عمده این درخت این است که هر

شاخه ازین درخت بعداز شکستن وافتادن به زمین دوباره سبز گردیده رشد نموده وثمر میدهد در حالیکه این خصوصیات در هیچ نوع درخت ثمردارموجود نیست. وهمچنان به میوه این درخت هفت قریه شریک بوده و دروقت جمع آوری چار مغز تمام موی سفیدان هفت قریه در کنار درخت گرد آمده ومیوه چار مغز را از درخت جمع آوری نموده وبه هشت حصه تقسیم نموده وهفت حصه مربوط به هفت قریه بوده ویک حصه آن در کنار درخت توسط موی سفیدان محل گذاشته میشود زمانیکه مردم محل به زیارت درخت میروند از آن استفاده به عمل آورند.

### کوه شاه مردان:

کوه شاه مردان واقع در جنوب غرب ولسوالی تیوره بین قرای یخن سفلی ،سین وپای زیارت موقعیت داشته که همه ساله مردم قریه سین ، پای زیارت ویخن سفلی وسایر مردم های قریه جات آن دیار به تفریح وسرگرمی در میله های بهاری به آن کوه





میآیند. این کوه به ارتفاع بیش ( ۵۵۳۳) متر از سطح بحار ارتفاع داشته که در بلند ترین قله کوه تیغه سنگ طبیعی استوانه شکل به ارتفاع (۱۳۳) متر موجود است که در قسمت فوقانی سنگ یک احاطه طبیعی ساخته شده با مساحت حدوداً (۱۳) متر مربع موجود بوده که در کنار این تیغه سنگی زینه های چوبی هر کدام به ارتفاع ( اولی دارای بیش پانزده مترو دومی آن بیش از سه متر موجود بوده) که در هنگام بلند شدن بر تیغه سنگی شخص را کمک مینماید و در قسمت انجام فوقانی تیغه سنگی محلی هموار و مسطح به مساحت ( ۳۰ \_ ۴۰) متر موجود گردیده و در داخل آن تعداد از مسجد های صحرایی موجود است به روایات مردمی کمیت یا تعداد مسجد های صحرایی را تاکنون هیچ کسی کرده نتوانسته ، گرچه تعداد آن زیاد نیست اما در هنگام شمارش به ارقام مختلف سنجش میگردد یعنی گاهی کمیت مساجد ۱۰ و گاهی ۱۵ رقمی میشود که در داخل آن محل عبادت گاه به

طریقه های ساده محلی طوریکه اطراف هر محل نماز گذار سنگ های طبیعی فرش شده مردم محل به این باور اند که این جاه قدم گاهی خلیفه چهارم اسلام حضرت علی ( کرم اله وجه) بوده که با تعداد از یارانش در آن کوه نشسته صحبت می نمودند. مشخصات عمده آن طوربست که از قسمت پایین تیغه سنگ الی نوک قله سنگ که محل عبادت گاه میباشد وبه طول آن دوزینه مقاوم چوبی در دو محل انجام به انجام جابجا گردیده که رفت وآمد سیاحان و مردم را در آن محل آسان میسازد این زینه های چوبی به طول های ۵۳ متر و ۱۳ متر ساخته شده ولی نوعیت چوب آن تاکنون تشخیص نگردیده این اثر بیش از (۱۰۰۰) سال قدامت تاریخی دارد. قابل ذکر است تاکنون تحقیقات وهیچگونه سروی هم صورت نگرفته که نشان دهنده نوعیت چوب که درزینه های چوبی استفاده شده باشد.

**حصار سیفرود:**

از محکم ترین حصار های کوهستانی غور بود که بنای آن را سلطان بهاءالدین سام بن عزالدین حسین نهاده و از مقابله های سختی که در زمان حمله چنگیز خان در این قلعه به وقوع پیوست شهرت تاریخی زیادی را کسب نمود.

طبقات ناصری از آن به تفصیل ذکر میکند، از این حصار محکم غرض زندانی ساختن محبوسین سیاسی در زمان سلطنت غوریان نیز استفاده شده است. گر چه بنام حصار سیفروود امروز در غور کدام محل دیده نشده است، اما قرای متعددی بنامهای حصار و دهن حصار و یای حصار و حصارک در غور موجود است که از این نام تاریخی یاد آوری میکند.

### پای زیارت:

آنجا قریه که در آن تعداد از مزارات و مرقد های اهل سادات غوری بود که هر کدام یکی دیگری بعد از وفات در جوار

یکدیگر دفن گردیده و در مرقد هر کدام ساختمان های گنبدی و سنگ های نوشته از مرمر در سر مرقد ها نصب بوده که در آن سنگ ها هویت شخصیت های متوفی معرفی گردیده . و در آن از تاریخ تولد ،وفات و نصب نامه مرحومی نیز نگاشته شده.

### چهل ابدال :

کوه مشهور واقع در شمال ولسوالی تیوره بوده که ارتفاع آن (۳۹۰۲) متر از سطح بحر بلند واقع شده است . دامنه این کوه بنام سور که ممکن ابدالی واجداد سوریان سلسله غوری بوده و در قسمت مرتفع کوه حوض های طبیعی پر از آب و چمن زار ها موقعیت داشته . و به قول مردم محل درین کوه چهل نفر ابدال و یا شخص بزرگ دارای طریقت صوفیانه که اکثر مردم بابرین باوراند که ایشان از جمله مشایخین واولیا بزرگ بوده و همیشه در آن محل تجمع می نمودند. و در قسمت بلندی کوه ساختار زیارت

موجود بوده که نشان از مقبره اولیا ویا زیارت ویا بزرگان همان  
چهل ابدال میباشد.

به روایات مردم محل تاکنون هیچ کسی در آن کوه مرتفع  
به شکار حیوانات وحشی موفق نگردیده واگر کسی روی همین  
منظور ارادتی را کرده باشد متحمل خسارات جانی ویا مالی شده  
است.

هولدج در کتاب خود(دروازه های هند) ازین قله یاد کرده  
است ،میگوید که ما ازین جا راه مرتفع وخوبی بطرف خواجه  
چشت رفته واین راه بعداز تپه های میان زرنی وتیوره در زیر سایه  
کوه عبور میکند(۱۴: ۱)

### برج های پنج چراغ:

پنج چراغ قریه است در مساحت (۵۳) کیلومتری به طرف  
جنوب ولسوالی تیوره ، در آن محل تعداد از برج های به ارتفاع

بلند بشکل استوانه یی دارای تهداب های سنگی که سنگ آن از محل بوده و دارای احجار ووزن بسیار زیاد که انتقال وجابجا سازی آن در اعمار دیوار های بزرگ آن ساختمان های تاریخی با مقایسه به جسم ناتوان انسانی امکان پذیر به نظر نمی رسد اعمار گردیده است. طوریکه از نماد بیرونی وداخلی برج ها مشاهده میشود این برج ها با مقایسه به ارتفاع آن محدودبرچند طبقه بوده که در اثر حوادث طبعی طبقات داخلی دیوار فروریخته وتنها ساختمان بیرونی آن باقی مانده اند. این ها بیش از یکهزار سال سابقه تاریخی دارا میباشد. جمعاً به تعداد بیش از ( ده ) برج درین محل موجود میباشد.

### پیر مندیل سفید:

مقبره بزرگ در نزدیک یک هدیره قبرها در مسیر راه پنج چراغ واقع به طرف شمال قریه وبه مسافت دو کلیو متری شمال قریه واقع است. طوریکه دیده میشود این مقبره دارای ساختمان

بوده که اکنون تخریب گردیده و تنها دیوار کوچکی به نشانه از یک محراب نمازگزاران در آن محل باقیمانده . این مقبره یکی از جمله مقبره های بزرگان و مشایخین اولاد سادات غوری در آن محل بوده . در یک تیغه سنگ های از مقبره سنگی سفید گذاشته شده که نشان مندیل سفید همان پیربوده و مردم بر آن باور بودند که زمانهای سابق هیچکسی بدون اجازه ازین مقبره سوار با اسب ازین راه گذشته نتوانسته و مجبور بودند از اسپ پیاده گردد هرگاه پیاده نشدی اسپ را وحشتی گرفتی و سوار کار را بر زمین انداختی .

### چشمه فولاد:

چشمه فولاد که آب در استفاده زراعت مردم محله پنج چراغ قرار دارد نیز در آن قریه میباشد. به روایت مردم محل این چشمه مربوط امیر فولاد سوری بوده که اکنون بنام چشمه خواجه فولاد مشهور است. قبلاً این چشمه پوشیده بوده ولی باگذشت زمان این تعمیر پوشیده تخریب و مقدار آب مورد استفاده مردم

کمتر شده و سر انجام توسط مردم لای (گل) آن بیرون گردیده که در هنگام کار جسم مواد ساختمانی به شکل گچ همراه با سنگ در اطراف چشمه موجود بوده که نماینگر از کار پخته و اساسی عصر غوری می کند.

### چشمه ماهیان:

چشمه ماهیان در داخل مسجد غیبی در محله بنام پای زیارت واقع در جنوب ولسوالی تیوره با مسافت تخمین (۵۳) کیلومتری واقع است که عین چشمه در ولسوالی ساغر نیز موجود میباشد درین چشمه ماهیان موجود است که از نگاه رنگ از ماهی دریایی متفاوت میباشد. سینه و شکم ماهی با شعاع سفید رنگ می درخشد. ولی این ماهی ها از طرف مردم شکار نمی شود. به روایات مردم سالانه یک مرتبه در مجموع ماهیان ماهی در چشمه ظاهر می شود که دارای تاج طلایی رنگ و به رنگ زرد طلایی می





درخشد ومدتی را درآن چشمه بوده وبعداً درفرورفتگی چشمه داخل شده وپنهان میگردد.

### مسجد لعل پاچ:

مسجد لعل تاج درقریه لعل سرخ وبه طرف شرق ولسوالی تیوره وبه مسافت(۱۰) کیلومتری آن موقعیت دارد.این مسجد طوری ساخته شده که از طرف بیرون موازی به سطح زمین بوده ودیدن ودریافتن آن به شخص بیننده مشکل به نظر میرسد هنگام که درداخل آن دیده شود ساختمان بسیار بزرگ که سقف آن بیش از(۱۰) ستون چوبی تکیه شده وساختمان چوب پوش بوده تاکنون تحقیقات וכدام سروی هم صورت نگرفته نمیتوان تاریخ دقیق جهت گویا شدن بیان کنیم.

### زیارت زینوروز:

زینوروز قریه بزرگ که در آن بیش از (۵۰۰) خانوار زنده گی میکند و در غرب ولسوالی تیوره موقعیت دارد. به روایت مردم:

زمان مردم قریه زینوروز به شکل کار حشر ویا دسته جمعی مصروف کندن کاری یک کانال بودند که در هنگام کندن کاری کانال جسد مومیایی شده که تمام اعضای بدن سالم و مکمل که حتی تاراز موی این جسد نیز از بین نرفته با لباس های زیبا و زیورات شکل جسد یک مرده سالم ظاهر گردیده و مردم محل موضوع مرده را با علما و ملا های محل در میان گذاشته و علما حکم نمودند که دون اولیا ها و شهدا راه اسلام دیگر واصحاب پیغمبر دیگر هیچ جسدی بدون گندیدن وپوسیده شدن نخواهد بود بناً این جسد از جمله یکی از شخصیت ها فوق الذکر بوده که توسط مردم محل انتقال ودر جای مناسب دفن گردیده است.

برج آدم خوار:

این برج در محله بنام آنه ونزدیک به قریه پنج چراغ بوده ارتفاع وساختمان ظاهری آن برج های پنج چراغ تفاوت نداشته ودر بین مردم چنین روایت است که در ایام های گذشته انسان بسیاریقوی هیکل که آن را از نسل دیو میدانستند در آن برج زندگی می نموده . دیو با هیکل تمامی اموال ودارایی های مردم را حتی بشمول مردم را خورده وسر انجام سبب فرار مردم از محل شده وتنها دیو در آن محل باقی مانده ودر آن برج زندگی داشته .چون آن دیو بدهیکل تمامی مواد غذایی مردمان محل را خورده وچیزی برای خوردن باقی نگذاشته وسر انجام بخوردن انسان ها آغاز نموده وروی همین سبب برج مذکور بنام برج آدم خوار مسمی گردید است.

قلعه سرسنگ ، برج حاجی نور الحق ، برج ارباب

ناصر ،برج عبدالله (برج برگزار)و برج محمد ، برج نصرالدین

و برج های پیتو رخنه

این آثار تاریخی فوق الذکر که شامل چندین آثار دیگر هم بوده که ما از فهرست نام های آن خود داری نمودم ؛ از جمله آثار هستند که تماماً در یک قریه مشهور بنام یخن سفلی در ولسوالی تیوره موقعیت دارد اینها همه در ساختمان و معماری خود به طور مشابه اعمار گردیده ، هم دارای دیوار های بسیار مستحکم ، ضخیم و ارتفاع بلند که سنگ های تهداب شان دارای احجار بزرگ میباشد طوریکه از نمای خارجی شان معلوم میشود که ساختمان ها بسیار قدیمی بوده . گرچه از تاریخ دقیق شان هیچ کس یاد آورنوده حدود بیش از (۸۰۰ - ۱۰۰۰) سال قدامت تاریخی دارد.

باگذشت هم سالهای سپری شده تاکنون % ۴۰ فیصد شان سالم بوده % ۶۰ فیصد در اثر عوامل طبیعی متضرر گردیده است و قسماً تخریب گردیده این نام ها نام اصلی برج ها نبوده بلکه اشخاص که فعلاً در نزدیک شان خانه دارند بنام آنها مسمی شده است.

به روایت بعضی اهل خبره: قریه یخن سفلی  
طوریکه از ساختار ظاهر و فزیکي آثار موجوده آن معلوم می شود،  
زمان محل حکمروایی شاه حسین غوری بوده که بعد از فروپاشی  
سلسله حکمروایی آن شاهان و ایجاد حاکمیت تموچن ( چنگیز) که  
آن هم گاهی خالی از سکنه باقیمانده و اکنون دارای ساختمان  
و برجها و قلعه های بزرگ تاریخی میباشد.

#### زیارت صاحبی:

زیار تصاحبی در قریه سرخ صحرای ولسوالی پسابند  
موقعیت دارد گنبد این زیارت از خشت پخته اعمار گردیده  
قسمت بالای گنبد تخریت گردیده و تعداد زیادی سوراخ ها درین  
زیارت دیده میشود، البته گنبد زیارت چندین بار توسط مردم  
محل ترمیم گردیده ولی مقاومت نکرده دوباره تخریب شده است .  
صاحبی از جمله مشایخ عرفانی عصر بوده. در ضمن شاعر  
و نویسنده و رهبر اهل طریقت نقشبندی بوده که از وی چندین اثر

آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

باقی مانده است و چند اثر آن به چاپ رسیده است یکی از شاعران  
در وصف آن چنین گفته است.

صاحبی اندر خراسان پیر مشهور است و بس

سرخ صحرای از برکت او معدن نور است و بس

.....

از بخارا تا هندوستان همه مشتاق اوست

مخلص ایشان نه تنها مردم غور است و بس

.....

قابل یاد آور است که تعداد زیادی مردم پیرو صاحبی

صاحب هستند از جمله ولایات قندهار، هلمند، هرات، فراه، مزار

شریف، غور، باغیس، سرپل، نیمروز و غیره میباشد.

سلطان خواجه وهاج الدین

زیارت خواجه وهاج الدین واقع در تحت مرکز ولسوالی  
پسابند موقعیت دارد این محل تاکنون سروی نگر دیده قدامت آن  
درست معلوم نیست گنبد های این زیارت توسط خشت های  
پخته وچونه اعمار گردیده ومساحت زیارت ۱۵۰ متر مربع بوده  
وطول آن ۱۵ متر وعرض آن ۱۳ متر است.دارای دوگنبد یعنی  
گنبد خود زیارت وگنبد خیرات خانه زیارت میباشد وزیارت  
دیگری که دارای همین خصوصیات است بنام شاه سمنگان یاد  
میگردد این زیارت از خشت پخته وچونه ساخته شده است.

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

جدول آبدات تاریخی مربوط ولسوالی پسابند

بنابرمشکلات امنیتی، درفوق تشریح نشده است.

موقعیت	اسم اثرباستانی	ماره
درقریه نومزار	زیارت شاه سمنگان	
تحت مرکز	قلعه خمبولاق	
قریه کاکری	شاه ور	
//	گله دیوار	
قریه تهگاب غرغره	شهرتیمور	



## فصل سوم

### قلعه تولک:

این قلعه بالای کوهی بلندی ساخته شده که با هیچ طرف به کوه ها متصل نیست و در غرب مرکز ولسوالی تولک موقعیت دارد در ادوار مختلف مورد تهاجم قرار گرفته است از جمله قلاع مستحکم وچشم گیر بوده مهاجمین سخت کوشش می نمودند تا آنرا تسخیر نمایند جنگ جویان وحکومات که برآن حمله ور شده اند عبارت است از:

۱. حکومت سلجوقیان بسر کرده گی شمس الدوله

سپهسالار آن.

۲. حکومت خود غوری ها بدوران سلطان علاوالدین.

۳. حکومت چنگیز مغل بسر کردگی ( فوغک ) داماد

چنگیز.

۴. حکومت سلطان محمود غزنوی بسر کردگی پسرش

سلطان مسعود.

حکومت غزنوی ها وچنگیز خان مغل نتوانستند

بزور جنگ برآن قلعه غالب آیند ولی سلطان علاءالدین غوری در

زمان گسترش حکومتش بر آن مسلط شد ولی آنرا تخریب نکرد

در حالیکه درحدود چهل قلعه را از مربوطات غور تخریب نمود.

لشکر سلجوقیان که تعداد شان بی شمار بود نیز

قلعه تولک را به تصرف خود در آوردند ، سیدعبدالواسع جبلی

غرجستانی شاعر نام آور غور شعر زیبایی در مورد جنگ

سلجوقیان با غوری ها

آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

سروده ولی درمورد جنگ وقلعه تولک برخی از آن را

چنین میخوانیم:

اندران مدت که او بر موجب فرمان شاه

از هری شد سوی تولک با سپاه بی کران

کینه توز دیده دوز و خصم سوز و جنگ ساز

شیرجوش درع پوش و سخت کوش و کاردان

باد پایان بگاہ حرب هریک جان نهاد

چیره دستانی بوقت ضرب هریک جانستان

بافزع شیرسیاه از تیغ شان در مرغزار

باجزع بازسپید از تیر شان در آشیان

آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

نارسیده بانک کوس او بدان شامخ حصار  
فتاده عکس تیغ او برآن راسخ مکان

چون سوی تولک روان شد لشکرمنصوراو  
کتوال حصن آن ببرید امیداز روان

رئیت او بود در اوبه هنوز آنگه که خواست

ازمیان قلعه تولک ندای الامان

قلعه بستدکه هرگزکس برآن قادر نشد

از سلاطین گذشته از ملوک باستان

برسر کوهی نهاده از بلندی چون سپهر

تنگ راهی ساخته آن را چو راه کهکشانشان

عقل گردد گرکند در وی تفکر مستمند



آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

وهم گردد گر کند در وی تامل ناتوان

نسر طایر گرشود فوق السماوات العلی

برجی آن را دید نتواند مگر برآستان

در ثری بیند ثریا با سمک بیند سماک

گرکند دربومش ازبامش نظاره پاسبان

شیرصورت کرده برایوان آن بیگاه وگاه

چون شکاری گاوگردان را گرفته دردهان

موضعی بگشاد ازین گونه بیک ساعت که بود

فتح آن را یار صنع کردگار مستعان

وهمچنان دروقت حملات مغول در قلعهء تولک، ملک

آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

مبارزالدین حبشی نیزه ور امیر بود این حبشی چند بار  
حملات مغول را بر تولک دفع کرد. خواجه امام جمال الدین  
خارنچی درین معنی رباعی لطیفی سرود که این است:

گفتم حبشی نیزه ور این خسران چیست

بر تولکیان شکنجه وزندان چیست

گفتا که سنم کفشگر و فیکوسگ

سگ، داند و کفشگر که در انبان چیست

قاضی منهاج السراج جوزجانی، بزرگوار دربار غور و مؤلف  
تاریخ طبقات ناصری، پرورده حرم سلطنت غوری ها خود  
میفرماید: "که او ( قاضی جوزجانی ) طفل شیرخوار بوده که  
مادرش بحق پیوست و مواظبت و سرپرستی آنرا " ماه ملک "  
دختر سلطان غیاث الدین غوری در قلعه تولک بعهدہ گرفت تا که  
بحد جوانی رسیده است.

## زیارت خواجه عبدالله (علوی):

زیارت خواجه عبدالله "علوی" در مرکز ولسوالی تولک موقعیت داشته قدامت آن حدوداً (۳۰۰) سال بوده واز جمله شخصیت های اهل طریقت است . نما آن به شکل گنبد و بادپیوار های عریض ، که قسمت زیادی دیوار ها سالم باقی مانده . اثر عمده که از شیخ طریقت باقی مانده عبارت از یک تبر چوبی بوده که فعلاً موجود است مردم محل به این باور اند که شیخ در اهل کرامت با این تبر چوبی می توانسته که یک کنده فولادی رابشکناند.

## قلعه کهنه:

کوه مدور و برجسته به ارتفاع تقریباً (۳۰۰) متر در وسط محل قریه خواجه ها ولسوالی تولک واقع گردیده که در بالای این کوه در زمان شاه هان سابق بنام ملک قطب الدین و ملک فیروز

شاه که همراه چنگیز خان مغل جنگ داشته بودند. این قلعه در مدت شش ماه به محاصره بوده آب آشامیدنی از منطقه بنام کوه تبلک توسط نای خستی ساخته همان وقت بر فراز این کوه حوض ساخته شده بود که توسط نای خستی آب به همان سرقله کوه بالا میشد و مردم آن محیط که تحت محاصره شدید چنگیز بودند از همان آب استفاده میکردند. در اطراف این کوه بعضی اعلام و آثار همین اکنون موجود است از قبیل کوزه های خستی، سکه های پول از مس و نقره خشت های کلان و کوزه شکسته ها نقشی نیز موجود است چاه های (۵۰-۶۰) متر هم در بعضی قسمت های کوه موجود است چنانچه در ذکر سلطان شهاب الدین غوری و فتوحات هند از قول معزالدین که یکی از معارف تولک در جنگهای هند ملازم و همراکب سلطان بوده، بعضی از وقایع را حکایت میکند. و از عمر سراج شاعر مذکره که در هنگام فتح علاء



آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

الدین جهان سوز قلعهء تولک را گفت:

**بر اسپ نشستہ ورلک فولک**

**مقصود تو تولک است اینک تولک**

و بزبان ایشان بالا دوانیدن و نشیب دوانیدن اسپ را

ورلک فولک گویند و در جای دیگر شخصیت

های نظامی تولک را در زمان سلطان شهاب الدین بنام

های ملک ضیاءالدین و قاضی مجدالدین

تولکی نام می برد.

**غار گاو کش:**

غار گاو کش به سمت شرق چهار راه وجنوب غرب گردنه

قریه سیاه خاک گاو کش در ولسوالی تولک موقعیت دارد

غارگاو کش ظاهرا طبیعی به نظر میرسد یک دروازه ای تنگ

سنگی دارا بوده و داخل غار بسیار فراخ و بعضی قسمت های آن چاه و چشمه ها تا نقطه آخر آن دیده میشود در دهن مغاره تعداد زیادی تیکرها و دیگر ظروف شکسته دیده می شود، تاریخی دقیق در دست نیست.

### قلعه کهنه:

این منطقه مربوط قریه طیتان ولسوالی ساغر بوده که قلعه از زمان غوری ها می باشد و زمانی در آنجا بنام حکومت های کلان زندگی داشته اند و قراریکه زیرزمینی های آن دیده میشود زیر زمین را کنده و راه برای رفتن به آب و غیره رفع احتیاجات آن قلعه استفاده میکردند. و از آن معلوم می شود که راه های تدارک و غیره ضروریات قلعه محسوب می شده است. که اکنون آن منطقه بنام قلعه کهنه معرف است. این قلعه در بلندی قریه موقعیت دارد که قریه ها را کنترل و تحت نظر داشته باشد و حتی آن قلعه نقطه احساس از لحاظ سوق الجیشی برای منطقه

محسوب میشود. فعلاً در آن منطقه خانه های شخصی آباد گردیده و آن محل شکل تپه را دارا است.

### زیارت شیخ محمد ساغری:

این زیارت در پشت قریه شیخ محمد ساغری واقع شده است و در قسمت تاریخچه این شخصیت بزرگ معلومات کافی در دست نیست میگویند که این پیر در قرن دوازدهم هجری در منطقه بنام تگاب بالا که فعلاً در آنجا زمین های و کوتل بنام مزار وغاز بنام غار حضرت شیخ محمد مسمی بوده و میگویند که در آنجا دو مابه مانند که یکی شیر و دیگری آب بوده بیرون می آمده ودر آن وقت همه جنگل و بیشه بوده و زمین های زراعتی کمی وجود داشته که به جز همین پیر شیخ محمد کسی دیگر در آنجا نبوده ودر یکی از روز ها دوشخص روحانی بخاطر هر مقصدی که داشتند درآن زمان به دیدن آن آمده وگفتند که همان شخصی که چنان نشان داشت به فلان دره زندگی دارد زمانیکه به کنار

آن زمین رسیدند که آب دربین زمین بوده و شاخی که باچوبی بسته بود و گاهی بالای زمین جهت آب خوردن زمین خود بخود زده میشود. و پیرزال محمد دریک گوشه از آنجا در زیر سنگی نشسته بود و یکی از دو نفر که صاحب حال بودند از شیخ محمد پرسان نمودند که ما اورا کار داریم زن شیخ گفت که این شخص نافهم که با الفاظ سخت و زشت از آن یاد کرد که در فلان غار مییاشد در همین سخن زدن بودند که شیخ محمد شیر را سوار و ماری را قمچین نموده رسید و دو نفر از شیخ محمد پرسان کردند که شما چطور با این زن گزاره می کنید و شیخ محمد گفت همین طور شخصی که شیر سوار و ماری قمچین داشته باشد می تواند با چنین زن زنده گی داشته باشد. و برای نان چاشت مهمان را نگه کرد و به کوه صدا زد و گفت که هرچه آهوان هست بیایند . همه آهوان گله ، گله آمدند و یک آهوی چاقی را از آنها گرفت و برای مهمانان گفت که گوشت ها را بخورید اما استخوان

ها را به دندان نزنید. یکی از مهمانان که به سخن شیخ محمد کمی شک آورده بود به استخوان های گوشت پخته دندان زده بود بعداز خوردن تمام گوشت ها واستخوان ها را بداخل پوست ان نموده وبرای گوسفند گفت که به اذن خداوند(ج)زنده شود. گوسفند بالا شد وقتیکه به راه میرفت لنگ بود وشيخ محمد گفت که کدام شما به سخن من شک آورده بودی حیوان به راه به اذیت میرود.ومردمان محل عقیده برآن هستند که شیخ محمد تداوی بعضی امراض را ضمانت کرده یعنی خشک سالی ،مباح (کولرا،طاعون) که باید نباشد.ونیز در بالای زیارت آن پوشیده نباشد وچندین دفعه زیارت آنرا پوشیده اند اما به وقت صبح رفتند که بالا آن لوچ بوده وپل های آنرا به دور انداخته است. از حالات معلوم می شود که شخصیت بزرگوار ویا قوت وپیر زورمند بوده است.

**چشمه ماهیان:**

چشمه ماهیان در بین قریه طیتان مربوط ولسوالی ساغر بوده که به تعداد زیادی ماهیان در بین آن قرار داشته که کسی آن ماهیان را نمیگیرد و اگر اذیت ماهیان نماید میگوید که یا خود کشی ویا از خانواده آن شخصی کسی میمرد وآن چشمه در قسمت پایین زیارت شیخ محمد ساغری قرار داشته وماهیان آن هر قسم بوده واکثراً خال های سبزی در پشت سر خود دارند ومیگویند.

که در قسمت زیرین چشمه به زیارت به چشمه ماهیان تیوره راه داشته ویک ماهی کلان که بنام شاه ماهیان بوده وبه اندازه یک بز غاله کلان است شب جمعه بیرون آمده تا صبح در بین چشمه میباشد وصبح وقت واپس گم میشودمیشوعین چشمه در ولسوالی تیوره هم است. وجای نذر ویا خیرات میباشدمردم ده به این فکرهستندحضرت علی (کرام الله )ازین چشمه آب خورده جای مناسب برای نذرخوانده است .

این چشمه در حدود اضافه از یک آسیا آب داشته که آب آن دایم به یک میزان بوده و کم و زیاد نمی شود و میگویند قسمت زیرین آن یک گیم (سنگ سخت) بوده و در زیر گیم دریا یا حوض قرار دارد حویلی های دو منزله اطراف چشمه را احاطه کرده است و اطراف آن توسط از انواع مختلف درخت ها پوشانده است.

### پشته عاشق:

زیارت و قبرستان در ته دره ساغر که فعلاً بنام پشته مجنون مشهور است قبرستانی بوده که اصلاً تمام مردم ساغر در منطقه بنام ساخری زنده گی میکردند و چون تعداد مردم در آن منطقه زیاد شده رفته مجبور شدند که منطقه همواری ساغر فعلی که در آن وقت تمام منطقه جنگلزار بوده و به مرور زمان جنگلات آن از بین برده شده و تمام منطقه را آب داشته در آنجا آماده ساخته به مرور زمان قریه جات بنامهای مختلف در آن سکنا



آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

گزین شدند و طوریکه در تاریخ از سا (زنده گی) و خری یا خر  
(آفتاب) بر آمد معنی میدهد گرفته شده که بعداً ساخری به  
ساغری (پیاله می) نامگذاری شده است.

### مندیش:

مندیش قدیمی ترین شهر و محل مسکونی غوری ها  
قدیم است. این شهر دارای قلعهء مستحکم با برج و باره های  
متین بود و شاهان قدیم غور در آن به امارت می پرداختند. در  
عصر غزنویان بصفه زندان سیاسی مورد استفاده قرار داشت.

آخرین مرحله توقف امیر محمد سوری در قلعه مندیش

بوده که یکی از شعرا در وصفش چنین گفته:

ای شاه چه بود اینکه تورا پیش آمد

دشمنت هم از پیراهن خویش آمد



## از محنت ها محنت توبس پیش آمد

### از ملک پدر بهر تو مندیش آمد

که در وقت حیات ابراهیم "سوری" این قلعه به پسرش امیر فولاد باقی مانده به روایت قاضی القضاة منہاج سراج الدین جوزجانی این دارالملک آل شنسب بوده و این قلعه در دامنه های یکی از پنج پاره کوه های غوری یعنی کوه زار مرغ واقع در ولسوالی ساغر موقعیت دارد و در زمانی هم بهاوالدین سام حکمروایی داشته این قلعه بزرگ اکنون تخریب و کدام توجه هم صورت نگرفته است.

استاد عبدالحی حبیبی ، حکمران دیگر این خاندان را بنام امیر کرور میدانند .وی میگوید : امیر کرور ولد امیر پولاد بود که در سنه ۱۳۹۰ هـ در مندیش غور امیر شد و او را جهان

پهلوان گفتندی. مندیش قدیم ترین پایتخت غوری ها که در سال (۵۱۳۹) امیر پولاد سوری فرمانروایی راند.

قبل از امیر فولاد ملک شنسب بن خرنک حکمروایی داشت این پایتخت تا زمان صفاریان در حدود (۵۲۵۳) بوده که مرکز مندیش را سنگه (sangah) می نامیدند که تمام خزاین و گنجینه های شاهان در آن حفاظت می شد.

در مورد وجه تسمیه آن منهاج سراج در ذکر بسطام سوری می نویسد: امیرسور را دختری بود و سه سالار سام را پسری و هر دو عمزادگان، از خوردی نامزد همدیگر بودند و عاشق هم. سام وفات کرد و امیر سور به سعادت حاسدان می خواست دختر خود را به یکی از ملوک اطراف دند، چون دختر و پسر آگاهی یافتند، به تعجیل خود را به کوه پایه های غور انداختند و آنجا مقام ساختند و گفتند (زومندیش) و آن موضع را مندیش نام شد و کار ایشان استقامت یافت. منهاج سراج الدین

جوزجانی کوه زار مرغ مندیش را از جمله پیچ پاره کوه بلند غور معرفی می نماید. و میگوید که در پای آن کوه قصر و دارالملک شنسبانیان قرار داشت و در ذکر امیر عباس نیز از مندیش و کاخ نجومی آن شرحی خوبی دارد که ما قبلا به ایراد پرداختیم.

عبدالحی گردیزی هم در زین الاخبار قلعهء مندیش را در جملهء قلاعی محسوب میدارد که خزاین و گنجینه های شاهان در آن محافظت می شد. آقای کهزاد در مورد موقعیت مندیش می نویسد:

مندیش قدیم را میتوان در علاقه داری ساغر امروزی تعیین نمود، زیرا زار مرغ بلند ترین کوه مندیش که در طبقات ناصری ذکری از آن شده هنوز هم به همان نام تاریخی خود موجود است، وقلهء بلند پربرف آن از نقاط دور دست دیده میشود.

## چونگی زرگرا:

این محل باستانی که در قسمت پایین قریه های ساغر موقعیت دارد و در بلندی زرگرا قرار دارد یکی از شهرهای تاریخی در آنجا قرار داشته و آثار و خرابی های در آن منطقه نمایان است.

## مناره ده قاضی:

منار ده قاضی ۲۵ متر باقی مانده قطر آن در حدود ۶ متر بوده از پایین کم عرض شده و در قسمت بلندی منار آثار از میناتورها به رنگ فیروزه یی دیده میشود اطراف آن تیکر های خشت پخته موجود بوده طوریکه دیده میشود در اکثر قسمت های آن خشت های پخته به نظر میرسد باملاحظه به خشت های موجود و سبک معماری آن نماینگر عصر سلاطین غوری میباشد به ترمیم نیاز دارد و خطرات طبیعی هر لحظه آنرا تهدید میکند. و همچنان این ناحیه از نظر دور افتاده زمانی مهده فرهنگ

؛ادب ودانش نجوم عهد غوریان بحساب می آمده است وهم مرکز خوبی نظامی بوداست.مردم ما به دو نام( قلعه مندیش و ذال مرغ)یاد میکنند همین اکنون مردم محل عقایدو پیش بینی های گرمی و سردی سال و بارنده گی را به آن تخمین می زنند به اصطلاح سال نیک و بد رامی نمایند که از پدران و نیاکان شان به انها به ارث مانده است.ومحل مندیش در میانه ای قریه ای مناک علیا و سفلی ساغر قرار داشته که مسمی به قصر دختر ملک است این قصر فروریخته رقمه ای از تهداب سنگ هایش موجود است کنون به نبود حراست از ابدات تاریخی مانند سایر محلات غصب گردیده که بالای سنگ های تهداب اش خانه های شخصی ساخته شده است . مندیش ، ذال مرغ و قصر دختر ملک هر یک در نزد مردم قصه های خود را دارند.

این مناره ازینکه موقعیت اش در قریه ای ده قاضی ساغر در یکی از قریه های پرنفوس ساغر واقع است که بنام مناره ده

قاضی یاد شده است اینکه این قریه ، مسجد ومناره درسابق چه نام یادمی شد روشن نیست بروایت موی سفیدان وقصه های نقل بنقل درین محل ازمانه های سابق وبسیار دور مسجد بوده به وسعت بسیار کلان درحدود ده جریب زمین که توسط یک زن بنام صدیقه که اصلا ازقریه ای سرپنک ولسوالی تیوره شده ساخته شده است این قول از دریافت اثنوخته شده بالای پارچه سنگ ویاپارچه چوبی بوده که ازمحوطه ای منار درسال های قبل بدست آمده که نوشته شده بود . گفته می شود که بی بی صدیقه که یک زن بااحساس بودتمامی مصارف منار ها ومسجد را ازپول شخصی اش بعدازفوت شوهرش که حقوق هشت یک اش بوده اعمارنموده است.زن که حقوق هشت یک اش مصارف اعمار مسجد بزرگ ومناره های بسازد باید تاجر یا خانم یک ملک وپادشاهی بوده باشد که درین علاقه می زیسته است.

مردم محل چنین روایت دارند: که این مسجد دارای چهاربرج یامنارداشته بالارتفاع بیش از ۴۰ متر که ازخشت های نیم متره خام پخته وخشت های کوچک خام و پخته به اندازه انگشت های دست مزین بانوشته ها وهنرهای بوده است ساخته شده بود که فعلا یک مناره از آن باقیمانده است.

ازسه مناره دیگر آثار وعلایم دیده مناره موجود درحال شاریده وریخته درحدود ۲۰ الی ۲۵ متر ارتفاع داردوگفته می شود که ازین مناره ها آذان وآگاهی های به مردم داده می شده وتمامی مردم قراء وقت ساغر می شنیدند . ازین معلوم می شود که مردمان این علاقه پابند اصول وقواعدخاص دینی ومذهبی واجتماعی خوب بوده اند وازنظم برخورداربوده اند. اینک مناره چون اسکلیت به پاستاده ،اما با هیبت واستیلای عجیب است :گوئی اوسخن میگوید پیکره اش را می نمایاند تا عظمت وجلال

باشکوه نیاکان بافرهنگ و هنردوست غوری هارابه نسل آینده به تمثیل بگزارد.

باتاسف باید گفت که خانه های مسکونی درجوار این منار جدیداً اعمار شده به تصور بعضی از مردم که مبدا مناره به لغزد خانه ها و عابرین را متضرر سازد به موجودیت اش نظر منفی داشته و دارند. مردم محل وقاچاقچیان اثارباستانی خارج محیط حفریات خود سرانه ای انجام داده اند که سبب آسیب پذیری بیشتر مناره شده است. از قول مردم از حفریات خود سرانه و سال ها ی بارانی از ساحه مقدار دانه ها ی قیمتی واثار مانند (نگینه ها ی فیروزه؛ مسکوکات فلزی نقره ئی؛ شمع دانی؛ کوزه ها ی پخته و خاکستر دار؛؛ مجسمه . . .) یافت شده وقاچاق شده است.



آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

## فصل چهارم

### چهل دختران :

یکی از آثار قبل از اسلام در فیروزکوه حصارچهل دختران درناوه الله یار میباشد که آثار دیدنی و حیرت آور است مردم چنین روایت دارند: درین محل مثل چهل دختران دیده شده است و عین ساحه در ولسوالی تولک و تیوره نیز به همین نام با عین روایت وجود دارد و نیز برج و باره که در نزد معدن آهنکشان قرار دارد و نیز برج کالوا در مرغزار که در شمال غرب فیروزکوه موقعیت دارد. اینها همه از آثار اند که قبل از اسلام به صفت استحکامات جنگی ساخته شده بود (۵: ۴۹۱).

از آثار مشهور دیگری فیروزکوهیان آثار برج ها و باره بادگاه، دولتیار، شنیه و کرمان هزاره جات است که فیروزکوهیان

بعدازنفوذ به غور خاور وقسمت علیای هریرود آنهارابنا نموده اند(۴۹۱:۵).

طویف ده گانه فیروزکوه تاکنون دراطراف ومیانه این خرابه ها درشرق ،غرب ،شمال وجنوب فیروزکوه زنده گی دارند.

### قلعه شهرک :

شهرک که فعلاهم به همین اسم مسمی است یکی ازولسوالی های ولایت غورمیباشددرقدیم یکی از مراکز مهم سلاطین غوری بوده وبه قول فیریه جنرال فرانسوی ،شهرک زمانی شهرپرنفوس وزیبا بوده واکنون ازوسعت آن کاسته شده است.قاضی القضاة منهاج السراج الدین جوزجانی دراثری خود (طبقات ناصری درجلد دوم ) درمعرفی کوه های غور ازشهرک نیز نام برده است.

## منار جام:

منارهای دوره اسلامی در مجموع روی سه هدف اعمار می گردد .

۱. اینکه مناره درمسجد اعمار می گردد که مؤذن در آن آذان می دهد.
۲. به منظور هدف های نظامی که از آن بمشابه محل ترصد استفاده مینمایند .درامنیت شاهراه ها وکاروان ها از اهمیت زیادی برخوردار است.
۳. آن به منظور نشان دادن عظمت و قدرت امپراطورها ویا پادشاه هاست.

در افغانستان هر سه هدف در اعمار منارها نهفته است طور مثال منار جام که به اساس اظهار بعضی محققین در پهلوی مسجد فیروز کوه اعمار گردیده بود

برعلاوه آن عده دیگری را عقیده بر این است که منار جام نشان دهند عظمت و قدرت سلاطین غور می باشد . منار دارای نام های دیگری نیز است از قبیل مناره مؤذنه، صومعه و گلدسته بطور کلی منار در پهلوی اکثر مساجد از آغاز اسلام جایگاه خاصی داشت .

پس از این تاریخ باستان شناسی افغانستان روز ۲۷ جون سال ۲۰۰۲ میلادی را به حیث یک روز مهم و پر افتخار به حافظه خواهد داشت . با این حال این نخستین باریست که سازمان آموزشی علمی و فرهنگی وابسته به سازمان ملل متحد، یونسکو در همین روز منار جام را از جلسه یی که در شهر بوداپست مرکز مجارستان راه اندازی شده بود در فهرست آثار مهم جهان ثبت کرد. این جلسه که به وسیله دانشمند کشور هنگری ( تامس فیجاردی ) گرداننده گی می شد، علاوه بر منار جام هشت اثر و ساحهء فرهنگی دیگر از کشورهای آلمان ، مصر ، هنگری ،

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

هند ،ایتالیا و مکسیکو نیز در فهرست آثار فرهنگی جهان اضافه گردیده است .اساساً افغانستان به سال (۱۹۸۲) میلادی از یونسکو خواسته بود تا منار جام در غور ، تندیس های بودا در بامیان ،حوزهء باستانی آی خانم در تخار و ساحهء باستانی شهر هرات را در فهرست آثار فرهنگی جهان جای دهد . از آن شمار منار جام نخستین اثر فرهنگی افغانستان است که به حیث یک اثر فرهنگی جهانی پذیرفته شده است .

شهکاری نفیس معماری و هنر عصر غوری وقشنگ ترین

آبداه اسلامی افغانستان ( ۱۱ : ۲۰۱)

منار جام از شهکاری های سلاطین غور در (۲۷)جون

۲۰۰۲ میلادی در شهر بوداپست طی جلسه ای از سوی یونسکو در

ردیف آثار ارزشمند ومهم جهان ثبت شد( ۸ : ۱۴۱).

بنابراین دلایل ثبت منارجام براساس معیار های ذیل

خلاصه میگردد:

معیار اول : معماری ونمای مبتکرانه منارجام درگسترش

هنر ومعماری شبه قاره یی هند ومناطق اطراف آن نقش مهم

داشته است.

معیار دوم : منارجام وبقایای باستانی مربوط به آن گواهی

استثنایی اند بر توانایی و کیفیت تمدن غوری ها که از قرن (۱۲\_۱۳

)به این منطقه حاکم بوده است.

معیار سوم : منارجام نمونه ای استثنایی از معماری

وتزیینات اسلامی در منطقه است ودر اشاعه ی این سبک معماری

نقش مهمی داشته است(۸: ۱۴۱\_۱۴۲)

اخیراً (فرانچسکو باندرا این)مدیر مرکز حفظ میراث های

فرهنگی جهان وابسته به سازمان ملل متحد از کمیتهء ثبت آثار

فرهنگی جهان خواست تا به سرعت به درخواست افغانستان برای ثبت منار آجری جام رسیده گی کند. به گفته فانیچسکو باندراین از شمار چهار اثر وساحهء باستانی پیشنهاد شده منار جام ویژه گیهای دارد که ثبت آن را در فهرست آثار مهم باستانی جهان بیشتر موجه جلوه میدهد. کارشناسان عرصهء باستان شناسی در یونسکو منار جام را یکی از کارهای خارق العادهء معماری و کهنسال ترین برج آجری باقیمانده در جهان میدانند. غیر از این گفته شده است که منار جام سنت معماری کهن و سبک هنری قدیمی در منطقه را در آخرین حد کمال و زیبایی آن نمایندگی میکند. بدون تردید ثبت منار جام در فهرست آثار فرهنگی جهان به وسیلهء یونسکو برای جامعه فرهنگی افغانستان خبر بسیار خوش آیندی است؛ ولی در عین زمان خبر ناخوش آیند در این ارتباط این است که منار جام در فردای همان روز در فهرست آثار فرهنگی در معرض خطر نیز جا داده شد. این امر بدین مفهوم



است که خطر سقوط، منار جام را تهدید میکند . بر اساس گزارشهای رسمی یونسکو هم اکنون از شمار آثار ثبت شده در فهرست آثار فرهنگی جهان سی و سه اثر با خطر فروپاشی روبه رو است . هر چند یونسکو در چنین مواردی رشته برنامه های اضطراری دارد تا از فروپاشی و نابودی اینگونه آثار جلوگیری کند؛ ولی عمدتاً این حکومت ها و کشورها هستند که میتوانند اجرای موفقانه چنین برنامه هایی را تضمین کنند . منار جام یکی از تماشایی ترین اثارتاریخی افغانستان است و گفته می شود که پس از قطب منار در دهلی بلند ترین منارجهان است.

باستان شناسان عقیده دارند که قطب منار به الهام از منار جام در اوایل سده سیزده هم ساخته شده است که درازای آن شصت و سه متر اندازه گیری شده است . قطر قاعده منار هشت متر اندازه شده است که به بلندی تقریباً دو متر از سطح زمین دروازه کوچک ورودی به داخل منار دیده میشود . منار جام در

میان سلسله کوه های ولایت غور در خم دره یی در ساحل جنوب هریرود برپا شده است . این منطقه از سطح بحر یکهزارو نهصد متر بلندی دارد .بر اساس تخمین ها، دهکده جام در شصت و دو کیلو متری شمال شرق ولسوالی شهرک موقعیت دارد. در اسناد یونسکو گفته شده است که این منار به سال (۱۱۹۴) میلادی در دوران سلطنت سلطان غیاث الدین غوری(۱۱۶۳\_۱۲۰۲) ساخته شده است(۵:۱۹۱).

اما تا هنوز درست معلوم نیست که تکمیل منار چند سال را در بر گرفته است .و فعلاً یکی از عجائب هفتگانه جهان محسوب می شود.

در شماره ششم کتیبه نشریه انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان آمده است که سازنده منار معماری بوده است به نام علی که نام او در دو جای در منار دیده می شود و به همین گونه در پای منار نیز نام شاه غیاث الدین به چشم می خورد . در

میان بعضی از آموزش دیده گان ولایت غور یک چنین باور های وجود دارد که سلطان غیاث الدین ، علی را جهت ساختن چنین یادگاری از ثمرقند فرا خوانده بود.وباز هم به روایت مردم علی دست کم هفت سال مشتاقانه کار کرد تا یک چنین یادکار بزرگی را در آن دره یی که امروز خاموش و آرام به نظر میآید بر افراشت . در شمارهء ششم کتیبه همچنان در ارتباط به ساختمان درونی و نمای بیرونی منار جام چنین تصویری ارایه شده است : از پای تا سر منار، زیننه پیچا پیچی در دو کنارهء داخلی آن بالا رفته و به دالان بالایی می رسد نمای بیرونی منار با خشت های برجستهء فیروزه یی درخشان بر زمیننهء گلابی و نوار نوشته سورهء نهم قرآن مجید آراسته شده است. در گزارش کتیبه آمده است که پژوهشگران در این ارتباط که آیا منار جام بخشی از کدام مسجد و یا نمادی از پیروزی غوری ها بوده است هنوز به تحقیقات خویش ادامه می دهند . این در حالست که هنوز در اطراف منار

نشانه‌ی از هیچ مسجد و مدرسه مذهبی کشف نشده است .  
ظاهراً گمان می‌رود که ابنیه‌ی به این شکوه و بزرگی میبایستی در  
شهر بزرگی بنا می‌شد نه در یک چنین دره تنگی . این پرسشی  
است که از سال‌ها بدین سو ذهن کارشناسان عرصه باستان  
شناسی را به خود مشغول ساخته است . منارجام سده‌های درازی  
به گونه‌ی یک زیبایی فراموش شده در خم دره‌ی خاموشانه  
ایستاده بود . شاید بتوان گفت که از کشف آن بیش از پنجاه سال  
نمی‌گذرد . چنان که باستان شناسان روز هجدهم (۱۹۵۷) میلادی  
را به نام روز کشف منار جام تلقی می‌کنند . در همین روز  
گروهی از باستان شناسان غربی به رهنمایی باستان شناس  
افغانستان احمد علی کهزاد به خم دره در دهکده جام رسیدند  
که ناگهان با آن تجسم زیبایی روبه‌رو شدند . تماشای منار باستان  
شناس فرانسه‌ی (اندرو مارینگ) چنان شگفت زده ساخت که  
برای یک لحظه احساس می‌کرد که با برج جادویی رو به رو شده

است. باستان شناسان به این باور اند که اهمیت منار جام تنها در زیبایی آن نیست ؛ بلکه این منار میتواند کلیدی باشد در جهت گشودن راز های دوره غوریان در افغانستان . پس از آن دانشمند ایتالیایی اندرینه برنو از منار جام دیدن کرد و گفت خطرهای که منار جام را تهدید می کند میتوان به دو دسته تقسیم بندی کرد . نخست خطر های طبیعی دو دیگر خطر های که در یکی دو دههء اخیر ساکنان محل و گروه های تفنگدار به وجود آورده است . با گذشت سالیان دریا هریرود تدریجاً ساحل جنوبی خود را تخریب کرده و بستر خود را به سوی منار جام گسترش داده است. چنانکه همه ساله در فصل بارندگی با افزایش سیلابها و بلند رفتن سطح آب رودخانه خطر طبیعی چندین برابر شده است . براساس نخستین آزمایشهای که به سال (۱۹۷۱) میلادی به وسیلهء کارشناسان صورت گرفته است منار جام به اندازه دو درجه به سمت شمال رو به سوی هریرود میلان پیدا کرده است (۵:۲۰۵)

دو درجه میلان برای یک چنین برج بلند و آن هم در وضعیتی که تخریب هریرود کماکان ادامه دارد واقعاً میتواند خطر بسیار بسیار جدی به شمار آید. این در حالیست که به گفته بعضی از ساکنان ولایت غور ظرف بیست سال گذشته این منار هر از گاهی آماج شلیک گلوله های تفنگدارقرار داشته است. روایاتی وجود دارد که بعضاً گروه های تفنگدار به گونهء نشانه زنی قسمت های از برج را آماج گلوله های خود قرار می داده اند. در این سالها این منار بزرگ تاریخی افغانستان هیچ گاهی مورد مواظبت مقامات محلی قرار نداشته است. نگرانی هادر ارتباط به آیندهء منار جام زمانی افزایش یافت که در سال (۱۹۹۵) میلادی کار شناسی به نام نجمی پس از یک سفر به منطقه، به سازمان حفظ میراث های فرهنگی افغانستان پیشنهاد کرده بود که هر چه زود تر در امتداد ساحل جنوبی هریرود با استفاده از سنگ و سیم دیواری ساخته شود تا منار از خطر سقوط و فروپاشی نجات یابد.

مسوولین محلی غور خواستار توجه جدی در بازسازی آبدات تاریخی شده اند.و ( گفته های مسوولین غور واقعیت دارد، درچند سال گذشته به آبدات تاریخی رسیده گی نشده، اما به این معنی نیست که آثار تاریخی فراموش شده ویا ما خطر تخریب شدن آنرا قبول کرده ایم ).منلی گوید سالانه ۴۰۰ هزار دالر برای ترمیم آبدات تاریخی کشور بودجه دارند، اما در فرانسه که همه ساله به آبدات تاریخی آن رسیده گی میشود، هشت میلیارد یورو مصرف میشود.

بررسی های بعدی نشان داده که تخریب ساحل هریرود یگانه خطری نیست که منار را تهدیدمیکند ؛ بلکه کندن کاری های خود سرانه در اطراف منار به وسیلهء ساکنان محل و پروژهء راهسازی که از نزدیکی های منار میگذرد همچنان آینده منار را به خطر انداخته است.(۲:۲۰۵).

شاهدان عینی میگویند ظرف دو دههء گذشته کندنکاری غیر قانونی در اطراف منار بسیار گسترده بوده است . این سالها گروه هایی به گونهء دوامدار شب و روز در اطراف منار مشغول کندنکاری غیرقانونی بوده اند. کاوش های غیر قانونی در سال های اخیر در ساحات باستانی افغانستان افزایش یافت .

همچنان انجمن حفظ میراث های فرهنگی درسال (۱۹۹۷) میلادی برنامه بر پایی دیوارسنگی را در امتداد ساحل جنوب هریرودروی دست گرفت. مواد ساختمانی به ساحه انتقال یافته بود و هنوز سنگ روی سنگ گذاشته نشده بود که دور دیگری جنگ ها در منطقه آغاز یافت. این دور درگیری ها تقریباً دو سال دوام کرد تا اینکه برونو باستان شناس ایتالیایی و اکبری مهندس آب شناسی افغانستان و نماینده گانی از ریاست آبد ه های تاریخی شهر هرات به منطقه رفتند و متوجه شدند که به جز سنگ ها، دیگر همه مواد ساختمانی غارت شده است . با این



حال هیت به انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان تاکید کرد که پیش از رسیدن فصل بارنده گی و سیلاب های بهاری باید دیوار سیم پیچ سنگی در امتداد ساحل جنوب هریرود ساخته شود. کار ساختمان این دیوار آبگردان به وسیلهء سازمان غیر حکومتی پیام غور ، درهمکاری مالی و تخنیکی انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان با هزینه دولک دالراز بودجه مالی دولت اسلامی افغانستاناز تاریخ ۱۳۸۶/۷/۲۲ الی ۱۳۸۶/۹/۱۰ توسط انجنیران باستان شناسی وزارت اطلاعات وفرهنگ طرح ودیزاین وتکمیل گردید.از آن زمان تا اکنون هیچ گروهی از باستان شناسان وضعیت منار جام را از نزدیک برسی نکرده است . اخیراً یک منبع در پاکستان گفته است که بر اساس گزارش رسیده از ولایت غور دیوار سنگی ساخته شده در ساحل هریرود به اثر سیلاب از بین رفته است .چنین گزارش ها نشان میدهد که یک بار دیگر منارجام با خطر فرو ریزی روبه رو شده است . منبع پاکستانی

همچنان اظهار داشته اند که قرار است در آینده نزدیک گروهی از کار شناسان یونسکو به منطقه رفته و وضعیت منار را از نزدیک بررسی کنند.

اولین کسیکه به کشف منار جام در قرن بیستم موفق شد، محترم عبدالله ملکیار والی هرات بود که بقول شارل کیفر دانشمند فرانسوی، ایشان منار جام را در ضمن سفر های خود به غور کشف نمود و به آقای احمد علی کهزاد از آن خبر داد. شارل کیفر این مطلب را در مقاله که در سال (۱۹۶۰) بنام منار سلطان غیاث الدین فیروز کوه نشر کرده است، تحریر داشت. کشف دوباره منار جام توسط اندره ماریک دانشمند بلژیکی در ۱۷ اگست (۱۹۵۷) میلادی سر و صدای زیادی در محافل علمی جهان تولید نمود، کتی بیسوار عالم انگلیسی آنرا بزرگترین موفقیت در کشفیات جدید خواند. اندره ماریک منار جام را طور مفصل مطالعه نمود و

سپس در سال (۱۹۵۹) میلادی نتایج مطالعات خود را ضمن مقاله به نشر سپرد.

درین اواخر در یکی مجلات مطبوع کابل خواندم که منار جام توسط آندره ماریک دانشمند بلژیک در سال (۱۹۵۷) میلادی کشف شده، اگر مراد از کشف دیدن و پیدا شدن منار است، این منار سوزن نبود که از نظر مردم هرات و غور مخفی می مانده تا یکی از بلژیک می آمد و آن را کشف می کرد.

آندره ماریک، در باره منار جام می نگارد: "در همان نقطه که آب قریه جام با هریرود می پیوندد، در مینا محیطی از کوه های تیره رنگ، شبی زرین یک برج مطمئن قد بر افراشته بود و در قسمت علیای آن کمر بند های از کاشی نیلگون نظر را جلب می نمود". وقت و درستی تناسب سه طبقه آن در وقت ساختمان سنگینی برج را تحمل پذیر ساخته است. دور نمای برج بلا درنگ نمای قطب منار دهلی را بیاد می آورد جدار طبقه

نخستین تماماً از رویه های تزئینی پوشیده است، که در دور آن نوشته‌ء بر سم الخط کوفی پیچیده است، آن آذین ها طوری مرتب گردیده است که آن را ساده به نظر می آورد، و چار کمر بند بزرگ خط کوفی جهش عمودی منار راشکسته و بنا را بیشتر مجلل جلوه میدهد. قاعدهء برج هشت گوشه بوده و حاصل سه قنطاق که بر روی هم قرار گرفته بشکل مخروطی است که اکنون ویران گردینه است، وقنطاق سوم با فانوسی متوج گشته بود که پوشی نداشت باشد. (۱۱: ۲۰۳).

باید گفت که اندازهء یک سوی قاعدهء هشت گوشه، سه و نیم متر میباشد، امروز بداخل منار از دریچهء کوچکی میتوان رفت که بسمت شمال افتاده است بر روی پله ها از یک زینه طوری پائین می آئیم که بدور یک ستون مرکزی دور می خورد، چنان به نظر می آید که همین زینه تا پائین راه می یافت که اکنون ریختگی مصالح ها وغیره آن را مسدود کرده است. همین

خصوصیت است که هیچ دروازه دیده نمیشود. گویا بر سنتی که بوده است راهی از زیر زمین از تحت دریا تا داخل قصر امتداد داشته یکی از منار های بلندی که با منار جام قریب بوده و اکنون معدوم شده است، منار شیروان بوده است و در همان منطقه در و جوار هریرود در مسافهء ده کیلو متری غرب اوبه برپا گردیده بود. بروی عکاسی ها و وضح گران و وزین منار جام را میتوان بخوبی اندازه کرد که بصورت بسیار مستحکم آباد گردیده، ساختمان جالب آن است که با تزئینات که قسمت پائینش را پیچانده و آنرا زیبایی و جالبیت خاص بخشیده منار را به نظر کوچک جلوه می دهد، دیده اندوزی و نظر فریبی این برج بزرگ که کاملاً تزئین گردیده است، چنان است که هیچ نقطهء آن زاید به نظر می آید، و در افق خود خیلی جالب است. تزئینا آن مجموعاً خیلی عالی بوده و به معمار آن افتخار بزرگ دست داده است که چنان شاهکاری را در جای چنان مناسب بوجود آورده است، چندانکه )

فان برخمن ( نوشته است : تزئینات تمام سطح بنا را پوشانیده و بدرجء علیای غنا و صفا میرسد. بخش پائین برج تا آنجا که کمربند کتیبهء کاشی آغاز می یابد از تزئینات قالینی پوشیده شده و دور از حشو و زواید است، و لباس مرتب را نمایش میدهد و دارای اهمیت اساسی و خاصی میباشد نفاست کار و ساختمان آن زیور زیبا که از پارچه های کوچک آجر ساخته شده و بر روی گچ وضع گردیده است خیلی جالب توجه و گیرا میباشد. این ورق شانی به هشت قسمت افقی تقسیم گردیده که سقف ها و صفحات مدور به اشکال و فواصل مختلفه تعبیه گردیده است.

بر هشت روی قسمت سفلی منار، نوشتهء طویلی ثبت گردیده ست. متن نوشته بلافاصله از قسمت زیرین وجه هموار بشکل مدور با کاشی آغاز می یابد و در روی نمبر ۳ و ۵ متن از جزء نوزدهم قرآن و از سورهء حضرت مریم انتخاب گردیده و مجموعاً (۹۷۶) کلمه میباشد شروع آن بر روی یک و دو به

وضاحت تشخیص نمی گردد و رویاهای دیگر همه بر روی بر جستگی های نوشته تدقین گردید و ترتیب آن چنین است: روی ۳ آیه سی و یک، روی ۴ آیه چهل و سوم، روی ۵ آیه پنجاه و چهارم، روی ۶ آیه هفتاد و هفتم، و روی ۷ آیه نود و دوم می باشد. این کتیبه دینی نتیجه چنان نظم و نسقی است که انگیزه آن معلوم بوده و به منظور خاص تثبیت گردیده است. ثبت آیات قرآن کریم بر روی همه کار تصادفی نیست، بلکه با هدف ساختمانها و تسمیه ان رابطه داشته است و با آن زیبایی دنیا و حسن آخرت و افتخار می خواسته اند.

علاوه از نوشته های روی منار، فلسفه دیگری هم دارد چنان است: منارجام (۶۳) متر ارتفاع دارد و از سه طبقه ساخته شده است طبقه اول (۴۰) متر نماینده گی از (۴۰) سال عمر پیامبر (از طفلیت تا بعثت) طبقه دوم آن ۱۳ متر نماینده از ۱۳ سال حضرت محمد (ص) در مدینه سپری کرده بود میباشد طبقه

سوم را ۱۰ متر ارتفاع نماینده گی از ۱۰ سال میکند که پیامبر (ص) در مکه سپری کرده بود.

غیاث الدین محمد بن سام بانی این مناره علاقه داشت که نسخه های قرآن کریم استنساخ گردد و آن ها را در مدار سی خود بنیاد نهاده بود، بوقف می گذشت ( .کتیبه های دیگر که در قسمت های وسطی و فوقانی منار قرار دارد از شرح آندره ماریک ذیلا بطور خیلی فشرده تذکر می دهیم :

۱. متن کتیبهء نخستین ال بالا و پائین با

کلمهء طیبه شهاد آغاز می یابد:

((اشهد ان لا اله الا اله محمد رسول اله))

۲. نوشتهء دوم این آیهء قران کریم است :

(نصر من اله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا ایهاالذین

آمنوا ))(بدنبال این آیهء کریمهء ( آیه ۴۱ سورهء ) ۱۰ سه



کلمه از آیهء مبارکه آمده است ( ای کسانیکه گرویده  
اید )! که همین سبک را در کتیبه های زبان فاطمیان  
هم می توان دید و این روش از آن هم فراتر میرود.

۳. نوار نوشتهء کوفی که در قسمت ثمینہ

علیای آن ثبت گردیده است، ساده میباشد:

(السلطان المعظم غیاث الدنیا و الدین ابو الفتح محمد بن

سام.)

۴. نوشتهء مرکزی از کاشی است، در آن

فقط همان القاب و عناوین ثبت گردیده است که رسماً به

آن مخاطب بوده است و شش کلمهء آخر که بالای سطر

جا داده شده با خط زیر میباشد:

(الف) السلطان المعظم شاهنشاه الاعظم غیاث الدنیا و

الدین معزالاسلام المسلمین ابوالفتح محمد بن سام.

(ب) قسیم امیر المؤمنین خلد اله ملکه....

۵. بر فراز دومین متن دراز رخ بعد از بنشته پیشینه در زیر آغاز سطر دوم، دو سطر به خط نسخ کتابت شده است. سه کلمه نخستین خوب خوانا نیستند و به مشکل خوانده میشود و آن دست خط کسی است که آن تزئین را بخشیده و جالب تر آنکه امضای معمار آن عمل علی بن... نیز دیده می شود.

۶. نبشتهء زیر بنا بحدی افتادگی دارد که تنها دو کلمهء ان خوانا میباشد. ان نوشته سبک زیبای هنری کوفی بافت خورده و از نوع خط برجسته است. چهار شکل ثبت گردیده که سه از آن مختلف است و بسمت راست و چپ بر روی هر رویه طوی گره خورده که قلبی را بوجود آورده است، خوانده میشود: ابوالفتح که

عبارت ما بعد آن همان غیاث الدین محمد خواهد بود .

این کلمان بر روی ۸ ثبت گردیده است(۲: ۲۰۰-۱۹۹)

این نبشته های خیلی ظریف کار گردیده و تمام دقایق

نوشته ابنیه که در فارسی به نظر میخورد، در آن رعایت شده

است.

رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت غور غلام سرور "آزاد"

میگوید که تا کنون ۲۰۰ هزار دالر در تحکیم کاری منار جام از

طرف دولت و ۷۰ هزار دالر از طرف یونسکو سازمان فرهنگی ملل

متحد در بخش تحقیقات و تحکیم کاری منار به مصرف رسیده

و تحقیقاتی که توسط یونسکو صورت گرفته نشان میدهد که این

منار مربوط یک مسجد بود.

ارگ دختر پادشاه:

در مقابل منار جام، به طرف شمال دریای هریرود به ارتفاع (۲۵۰۰) متر از سطح بحر که در نهایت منطقه صعب العبور بوده قلعه در بلندی کوه خاره هنوز هم به نظر میخورد که در نزد اهالی بنام ارگ دختر پادشاه معروف است (۵: ۱۷۲).

آندره ماریک، این خرابه ها را با عبارت از قصر فیروزکوه دانست. در دهانه ناهه بیدان، در « برجها و بارو ها و دیده بانگاه های دوطرف همواری ها و تپه ها آثار دیوار ها و آبادی های که اکثرا با خشت پخته بوده اند همچنان در دوطرف دریای هریرود آثار عمرانات حیرت انگیزی به چشم میخورد. در سراسر منطقه سفالها و قطعات شکسته ظروف سفالی و شیشه نیز دیده می شود، از روی نقوش و تزئینات و ساختمان آنها به دوره غوریان تعلق دارد، این امر مستلزم کاوشهای باستان شناسی و تحقیق متخصصین هنر اسلام است، هر وقت این کار انجام گردد نتایج سودمندی را در بر خواهد داشت.

در جریان سالهای (۱۳۵۸-۱۳۷۶ه) که وطن ما دستخوش حوادث ناگوار گردید، خارجیان استفاده از جهل و بی سوادى هموطنان ما، آثار گران بهای زیر خاکی منطقه چای منار جام راطور بیرحمانه به چپاول و غارت برده اند. خصوصاً در سال های(۱۳۷۵-۱۳۷۶ه) این چپاولگری به اوج خود رسیده و شاید چیزی از آن گنجینه های گران بها باقی نمانده باشد. عجیب تر آنکه ولسوالی شهرک از قیمن اجناس یافت شده که گاهی تا هزاران لک روپیه افغانستانی در خود منطقه بفروش میرسید ( خَمَس ) یعنی پنج یک اخذ می نمود. در حالیکه این کار خلاف قوانین شرعی و خلاف قوانین نافذه مملکت ما بوده و دزدی و چپاول آثار باستانی موجب جزای سنگین است که قوانین بدان تصریح دارد. متأسفانه باید تذکر بدهم که چپاول و غارت آثار تاریخی منار جام، تاریخ مملکت ما در دوره درخشان امپراطوری اسلامی غور، بغارت رفته است.

## سنگ نبشتهء عربی:

آندره ماریک در اثرش (منار جام صفحه ۱۹) از یک سنگ نبشتهء عربی صحبت میکند که بقول اهالی در قسمت شمالی دریای هریرود قرار دارد. شارل کیفر در رساله اش متذکر می شود که در سال (۱۹۵۹) م یکدسته از محصلان انگلیسی که خواستند از جام بازدید نمایند، نظر بخواهش آندره ماریک در جستجوی این سنگ نوشته شدند که متأسفانه تلاش ایشان به نتیجهء نرسید. سنگ نوشتهء فوق در قسمت غربی ارگ دختر پادشاه بروی یک صخره بزرگ تراشیده شده است، صخرهء مذکور که در میان دریای بیدان قرار دارد، دارای سطح نا هموار داشت که بر روی آن سنگ نوشتهء فوق درج شده است، از تصویر مذکور بخوبی معلوم می شود که سنگ نوشتهء مورد بحث ما بنابر سختی آن عمیق کنده نشده و بمرور زمان تخریب گردیده که فعلاً

نمیتوان تمام متن آن را خواند. قرائت ابتدائی آن به اساس عکس گرفته شده از آن چنین میباشد.

۱. و ابو... و علی بن

در سمت چپ بر روی یک ساحه کوچک کلمهء ( احنف

) بنظر میخورد، در کنار آن نام عبدالله دیده میشود.

۲. ... عباس بن عطا

۳. ... یعقوب بن عطا

۴. ... خالد بن داود

۵. ... علی بن سور

۶. ... یعقوب

۷. ... احمد

۸. ... و ابو یعقوب

## کتیبه تنگی ازو:

بفاصلهء شانزده کیلو متری غرب شهرک، درهء تنگ قرار دارد که از سبب ضیقی دره راه صعب العبور آن بنام تنگی (عقاب) معروف بوده و در محاورهء عوام به (ازو) تبدیل شده است. در این دره کتیبهء سنگی میباشد که روی آن بالفبای عبری (یهودی) و زبان دری نوشته های حک شده و تاریخ آن به قرن اول هجری تعلق میگیرد. کتیبهء مذکور در جدار سمت غربی در حصهء که دره خیلی کم عرض و باریک میشود در مقابل صفحهء عمودی جدار مقابل قرار دارد. کتیبه روی سنگ کنده شده که سطح آن مایل و محدب است و سنگ در یک ساحهء تقریباً هشت متر مربع چنین شکل بخود گرفته است. بلندی کتیبه شش سانتی متر بوده سه سطر بطرف چپ و شش سطر دیگر در مقابل آن قرار دراد. با در نظرداشت این کتیبه و (۸۴)



لوح قبرستان که از محل کشکک جام کشف شده است، می توان گفت که در غور قدیم اقوام یهود نیز زندگی داشتند.

قاضی القضاة منهاج السراج در اثری خود ((طبقات ناصری)) در ذکر رفتن امیر بنجی نهاران و سپه سالار شیش نزد خلیفه هارون الرشید عباسی، داستان لطیفی دارد، بدین قرار که :  
"در راه بغداد یک نفر تاجر یهودی با امیر بنجی همراه میگردد، آن تاجر به امیر بنجی پیشنهاد میکند که من ترا آداب رفتن به نزد خلیفه و سخن گفتن و لباس پوشیدن و نشستن تعلیم میدهم که به مجرد ورود به نزد خلیفه ترا به پادشاهی برگزیند، اما در برابر تعلیمات باید اقوام مرا در غور جای بدهی .و امیر بنجی قبول میکند." بدین ترتیب گروهی از قوم یهود در حدود (۱۷۰ه ق) در سرزمین غور ساکن میگردد .در چهار مقاله نظامی عروضی او را عامل خود درکان سرب مؤظف کرده بود.از کشف قبرستان نیز اهمیت جام افزوده میگردد، زیرا اهل ذمه ( هم

عهدان از یهود و نصاری که در ممالک اسلامی زندگانی میکنند ( غالباً در پایتخت های دول اسلامی و شهر های بزرگ میباشند تا امنیت آنان بهتر تا مین بوده باشد.

### قلعه سرسنگ :

قلعه سرسنگ در دامنه شمال سیاه کوه اخذ موقعیت نموده از طرز بنا و اهمیت محل و موقعیت آن دانسته می شود هم مانند قلعه ملک عنطر برای تامین امنیت آهنگران بوده است.

### قلعه کشک سرک:

این محل باستانی در قریه چپری علیا که سمت غرب آن کوه ها سربه فلک کشیده و در شرق آن خانه های مسکونی و شمال آن دریا چپری و زمین ای زراعتی و جنوباً نیز خانه های مسکونی موقعیت دارد و این محل به (۳۰۰-۴۰۰) متر وسعت داشته که در قسمت بالای تیغه ، کوه هفت برج که به مرور زمان

چهار برج آن از بین رفته و سه برج آن باقی مانده که تهداب این برج ها از سنگ و قسمت فوقانی آن از خشت پخته کار گرفته شده این قلعه (۵۰) متر سطح اراضی ارتفاع داشته و بلندی برج ها (۶) متر میباشد. ساحه و اطراف برج ها از سطح زمین به اندازه دو متر ارتفاع و عرض یک متر توسط خشت پخته کار شده است زمین ساحه قلعه کاملاً هموار بوده در بین سه برج (۳۵) کوزه گلی کلان پخته شده. و در آن گندم ها را ذخیره می نمودند فعلاً خالی میباشد و در حصه فوقانی قلعه چشمه آب وجود دارد که تمام قریه چپری راسرسبزو شاداب می نماید. به نظر عوام ساحه مذکور در زمان حملات مغولی از جمله سنگر های مستحکم دفاعی بوده و حتی تموچن (چنگیز) نتوانست این قلعه را بگیرد و سبب بی توجهی مردمان محل این قلعه تخریب گردیده است.

**قلعه بهاری:**

قلعه بهاری نیز یکی از قلعه های مهم و تاریخی است که در دامنه سیاه کوه در قریه بهاری موقعیت دارد. آب این قریه ذریعه نای از سیاه کوه آورده می شود اکنون نای های پخته آنرا اهالی از زیر خاک بیرون کشیدن و از آن در ناودان خانه استفاده می نمایند.

کتابیکه چندسال پیش ازین قلعه بدست آمد در آن نوشته شده بود: لعل و کرمان یک خروار جو باقی سنگ نوشته آن نشان میداد که پیش از حمله مغل این قلعه آباد بوده است.

### مسجد ابولمجن:

این مسجد ساختمان سنگی و دارای محراب و کتیبه ها بوده که به مسافه بیست کیلومتری قریه الندر واقع در غرب شهر چغچران موقعیت دارد و از تاریخ آن کسی معلومات دقیق نداشته و اکنون چند جلد کتاب که مولف آن شیخ بزرگ ابولمجن بوده

ازین کتب ها (۴۰۰) سال میگذرد. درین محل یک سنگ نیز  
حجاری گردیده که مساحت آن ( ۶ در ۶) متر میباشد.

### لمبیده:

۱. نام ساحه لمبیده
۲. نام محل چپری
۳. موقعیت ساحه بین قریه چپری بالا

### وچپری پایین

این محل در سی و پنج کیلومتری جنوب شرق  
مرکز چغچران موقعیت داشته وساحه مذکور در حدود  
سی متر عرض و سی و دو متر طول دارد و درین ساحه  
کندن کاری سال های قبل دیده می شود و به تعداد  
زیادی استخوان های انسانها و حیوانات وجود دارد سنگ  
کاری که در قسمت تحتانی آن صورت گرفته شباهت  
زیادی به سنگ کاری تپه مرجان کابل را دارد. به

نظرمردم محل درین جاقلعه بوده اثر پایین آمد کوه از  
بین رفته است.

جدول آبدات تاریخی تحت مرکز ولایت غور

موقعیت	اسم اثرباستانی	ماره
قریه میانجی	غار هزار کله	
// سوفک	قلعه سنگبار	
// کاسی	زیارت جان نما	
// الندر	زیارت خلیفه ملاحیدر	
جری چقر کم آب	خره حصار	
نوآباد مرغاب	پلنگ خان اول	
بین جنداک	پلنگ خان دوم	

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

وواجان مرغاب		
--------------	--	--

## فصل پنجم

### مدرسه شاه مشهد؛ زیبایی مهجور

در ولایت بادغیس دیاری به دیرپایی زمانی است که بوی قدامت آن به در دیوار به مشام می رسد. آسمان پر ستاره اش ، معادن غنی ، و سر شارش ، اراضی حاصلخیز و زرگونه اش و در نهایت طعم مطبوع پسته هایش ، یک دنیا طراوت تازگی و زیبایی را به همراه دارد . و در صدر اسلام تدریس علوم مذهبی در مساجد انجام می شده تدریج با توسعه ی علوم اسلامی ، فضای آموزشی از مساجد جدا گشت. ولی با آنهم غیر از ساعات تدریس ، از مدارس به عنوان مسجد نیز استفاده می کردند.

مدرسه شاه مشهد در ولسوالی جوند ولایت بادغیس موقعیت دارد مدرسه شاه مشهد بین ۳۵ درجه و ۲ دقیقه عرض البلد شمالی و ۶۳ درجه و ۵۹ دقیقه طول البلد شرقی در ساحل



چپ رودخانه مرغاب واقع شده است . که میتوان گفت جای شهادت یافتن سلطان سیف الدین وبقدرت رسیدن سلطان غیاث الدین درهمین محل بوده. سبک معماری آن هنر دوره غوری ها را نشان میدهد. (۲: ۲۷۱).

چنانچه نوسنده گان نگاشته اند:به طرف شمال غرب مرکز قدیمی هرات باستانی خرابه یک مدرسه وجود دارد که انعکاس دهنده وبهترین نمونه هنر غوری ها به شمارمیرود.این مدرسه به اثر زحمات کالسمیر وگلایرز در سال (۵۱۳۹۱)میباشد. این مدرسه مخروبه به کنار چپ دریا مرغاب در حدود دوکیلوی پانزده تا بیست و پنج کیلومتر با دریا کوچکه موقعیت دارد مردم این محل دهانه کوچکه را بنام شاه مشهد مینامند.این ساختمان از خشت پخته ۲۵ الی ۵ سانتی مترساخته شده . سطح بیرونی آن دیوار های ساده خشتی بوده باکم وبیش بافت های مغلق خشک موزائیک با پلاستر دیده میشود.

اضلاع آن ۲۰ الی ۴۴ متر از شمال به جنوب و ۴۴ متر از شرق به غرب و ساختمان آن (۲۹۰) درجه میباشد. امروز قسمت های از دیوار های شمالی و جنوبی باقی مانده وهم چنان یک قسمت از سمت جنوبی ایوان دروازه اصلی و قسمتی از بقایای شمال و غرب دو اطاق که اصلاً گنبد بوده به جا مانده است. در سمت جنوب یک طاقچه به شکل خاص خود دارای کمان های پنج گوشه تقریباً به عرض های مساوی (به استثنای دیوار ایوان) به عمق های مختلف دیده میشود در شاه مشهد (۱۵) کتیبه چون خط کوفی و پنج آن نسخ میباشد. معماری رواق ها ، تزئینات و کتیبه ها و (۴۸) وحدت وهم سانی آن را با هنر دوره غزنویان نشان میدهد .

این نوع به خصوص در کمان های بلند متبازات کتیبه نسخی آن با کتیبه دیگری در مسجد بدون تاریخ بیشوران

واقع سیستان و کتیبه مقبره غیاث الدین در مسجد هرات مقایسه شده میتواند .

ساختمان کتیبه ها و قسمت های تزئینی آن متعلق به دوره غوریها است. تزئینات نباتی بسیار غنی در سمت شمال دیده میشود . ترتیب بافت خشت ها تزئینات گلی پخته زاویه سمت راست که بعضی در ساحه هموار باچوکات بندی تزئینات میباشد. این نوع معماری و شیوه تزئینات را با ساختمان های قرن ششم هجری و دوازدهم میلادی در خراسان آسیای مرکزی ، غزنی و سیستان مقایسه نمود.

دانشمندان به این باور اند : که متعلق به دوره غوری مانند خراسانی و سلجوقی هابعدی است. شاه مشهد در زمان حکمروایی سلطان غیاث الدین ابوالفتح محمد بن سام به کمک یکی از زن های دربار بنا یافت که در کتیبه نمره یک ذکر آن رفته است. اما نام آن معلوم نیست و برجستگی سوره ۴۸ در کتیبه های ۴، ۶ و ۷

دیگر مارا به فرضیه رهنمای میکند که شاه مشهد بنای یاد گاری سلطان غیاث الدین ابوالفتح محمد بن سام میباشد. (۸: ۳۰۹).

شاه محمود محمود می نویسد : که شاه مشهد هنوز هم دارای پانزده دسته کتیبه ها که ده آن خط کوفی و سه آن خط نسخ و دو دیگری خط ثلث است خطوط کوفی به استثنای یکی دیگر همه آنها از پارچه های ساخته شده کاشی که بعداً دربین گچ قرار داده شده تشکیل گردیده است.

### کتیبه اول :

خط کوفی در حاشیه است مقابل ایوان بزرگ جنوبی)  
بسم الله الرحمن الرحيم امرت ببتاُ هذا المدرسه المبارک ... تا  
المعظمه العامله). از کتیبه چنان معلوم میشود که این مدرسه را  
خانمی بنا نموده است . که شاید دختر سلطان سلطان غیاث الدین  
ابوالفتح محمد بن سام بوده.

در طبقات ناصری آمده : آن دختر پادشاه زاده بس بزرگ بود. قرآن شریف محفوظ او بود و اخبار شهادت یاد داشت و خطش چون در شاهوار بود و هر سال یک کت دور نماز گزاردی و تمام قرآن در آن دو رکعت ختم کردی .

### کتبیه دوم :

در سمت چپ مقابل ایوان بزرگ جنوبی ادامه {کتبیه نمبر اول} حصه باقی مانده آن را با تاریخ بنای تعمیر واهدای آن تکمیل ما نماید و آن اینکه با تاریخ شهر رمضان سنه واحد و سبعین و خمسه ... به تاریخ ماه رمضان {سال ۵۷۱ هجری} سلطان غیاث الدین هرات را فتح کرد که بعد از این تاریخ نقاط مهم چون فوشیخ نیمروز، تالقان، اندخوی، میمنه، فاریاب و پنجده، مرو رود، و درق و خلم فتح گردیده .

حصه پایین این کتیبه شدیداً تخریب گردیده اما اشکال بسیار از حروف آن خالیگاه و شکستگی های حصص خراب شده فهمیده شده می تواند. بانگاه به این دوا این خط انسان فکر میکند که دسته تز ینی مقابلش قرار دارد، و این کار در هیچ جای ودسته دیگری این بنا تکرار نشده است.... البته بین خطاطی شاه مشهد و خطاطی دروازه قدیم غور مسجد جامع هرات منار جام و مصلی چشت و ارتباط وجود دارد. ولی در هیچ یکی از امثال فوق الذکر این روش طوریکه در شاه مشهد با حروفی که در هرات، جام، چشت بکار رفته فرق دارند. مثلاً در شاه مشهد انجام کوتاه تر (ن) در آخر کلمه مورب که (نوع خط) میباشد تا چپ امتداد میآید. در جام هرات تا حدودی در چشت مطابق روش عمومی و ثابت خط حروفی ج، ح، خ شکل حرفی (ز) را اختیار کرده و شاه مشهد حروف ج، ح، خ زیادتر میباشد.

کتیبه سوم :

یک دسته خط کوفی به طرف ایوان جنوبی در دست راست ... احمد بن محمد... سبک این کتیبه مانند کتیبه اول و دوم میباشد تفاوت آن نظر به کتیبه های متذکره در تنظیم تکراری شکل کتیبه آنها میباشد.

### کتیبه چهارم :

خط کوفی که در طاقچه دوم رواق طرف راست ایوان جنوبی در دیوار جنوبی آن دیده میشود این کتیبه ادامه کتیبه نمبر چهار میباشد.

### کتیبه پنجم :

عمل محمد ... این کلمات در پایین کتیبه نمبر چهار میباشد.

### کتیبه ششم :

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

طاقچه سمت ایوان بزرگ جنوبی که سوره ۴۵، ۲ و ۴ را

دربردارد . این کتیبه ادامه کتیبه نمبر ۷ ونمبر ۴ دیده میشود.

### کتیبه هفتم :

طاقچه چهارم طرف راست ایوان بزرگ جنوبی سوره ۴۸

و ۲ را دربر داشته در کتیبه نمبر چهار ادامه میآید.

### کتیبه هشتم:

این کتیبه در حصه شمالی میباشد از نگاه طرز و فن که

مانند کتیبه ۴ و ۷ است آیت ها به شکل گوشدار یافته شده وشامل

موضوعات مذهبی میباشد.

### کتیبه نهم:

خط کوفی که طور متراکم از گچ کار شده ودر اطراف کنار

رواق ناحیه شمال امتداد دارد، ونیز شام موضوعات مذهبی است



آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

این خط بادیگر خطوط کوفی فرق دارد که از گچ کار شده است. و خطوط آن دارای ارتفاعات مساوی میباشد و انجام بالایی آن طور ساده کار شده است.

### کتیبه دهم:

خط کوفی مربع به سمت بیرونی طرف چپ ایوان جنوبی ... علی علی ... و غیره . یک نمونه قدیم تراز خط کوفی مربعی که تا عصر مغول تعمیم نیافته بوده میباشد.

### کتیبه یازدهم :

خط شکست نسخ در گچ که حاوی موضوعات مذهبی میباشد با امتداد خط مقابل ایوان جنوبی استعمال شده است.

### کتیبه دوازدهم :

باخط ثلث طرف داخل دست راست ایوان جنوبی بعضی از  
اسمای خداوند (ج) بکار رفته است.

### کتیبه سیزدهم :

این کتیبه در داخل ایوان جنوبی قرار داشته نوع خط  
ومتن خط با کتیبه نمبر دوازده شباهت دارد وعین خط درمصلی  
بزرگ چشت بکار رفته است تقریباً آسیب دیده است .

### کتیبه چهاردهم :

یک خط نسخ با کار آزاد به طرف شمال موازی به کتیبه  
نمبر نه ادامه یافته وموضوعات آن مذهبی میباشد.

### کتیبه پانزدهم :

این کتیبه با کتیبه نمبر ۱۴ شباهت زیاد دارد وسه کتیبه  
دیگر نیز وجود دارد که یکی ازین کتیبه بالای مسجد بدون تاریخ

پیشوران سیستان است. دومی کتیبه کاپی بزرگتر است که درمصلی قدیم سلطان غیاث الدین در هرات میباشد ونمونه سومی در داخل یکی از مصلی های چشت متاسفانه قرار گرفته مردم محل از آبدۀ تاریخی با شکوه (شاه مشهد) اکنون هیچ چیزی بجای نمانده بکلی تخریب واز بین رفته است.( ۹ : ۱۷۰)

### قلعه بامیان :

شهر غلغله ، یکی از پایتخت های دولت غوری بوده این شهر درولایت بامیان واقع است. پیش از اینکه بامیان مرکز خانواده شنسب شود شهر غلغله مرکز بودایی بود واز هر گوشه وکنارجهان زائرین به مجسمه ها وزیارت های مشهور ان می آمدند . وبعد از آن وقتیکه نفوذ سیاسی غوری ها دراین منطقه وسعت نمود ومسلمانان به اینجا آمدند ، آنجا خواستند که به سبک اسلامی یک شهر ویک مرکز دراینجا بسازد ، ازهمین وجهه شهر غلغله بامیان که مرکز خصوصیات دوره ای اسلامی بود ، وبعد از

تاسیس سلطنت خانواده شنسب بدست سلطان علاالدین جهانسوز بسازد (تاسیس) و امیر ملک فخرالدین مسعودبن حسین شنسبی که برادر بزرگ علاالدین حسین، اولین امیر شنسبی در بامیان به قدرت رسید. و از سال ۵۴۰-۵۵۸ هجری پادشاهی نمود. این پادشاه سلسله کوه های شغنان، تخارستان تا سرحدات درواز، بلور و ترکستان نفوذ خود را گسترش داد و نیز بدخشان را تحت تسلط خود درآورد. از خانواده شنسب پنج نفر از آنها در بامیان حکومت نمود و آخرین امیر آن علاالدین منکبرنی از خانواده ای خوارزم شاهی، پسر سلطان محمد خوارزم شاه تایک مدت در بامیان حکومت نمود. این شهر در قرن ۶ هجری بسیار آباد و جمعیت زیاد داشت. تجارت و صنعت در آن ترقی زیاد نموده بود و کاروانهای تجارتي از شمال به جنوب و از جنوب به شمال رفت و آمد می نمود و شهر غلغله راه کاروانسرای آنها بود.

البته باید گفت که در دایرةالمعارف در مورد عصرغوری ها چنین نوشته شده که : درعصرغوری هابامیان به تصرف علاالدین حسین جهانسوز درآمد ووی برادر بزرگتر خود،فخرالدین مسعود را به حکومت بامیان و تخارستان گماشت واز همین زمان شاخه ای آل شنسب یا شنسببیا از حکومت غوریا ن دربامیان تاسیس شد که پس از هفتاد سال حکومت در " ۶۱۲ ق " بدست خوارزم شاهان منقرض شد .

تا اینکه هجوم علاوالدین محمد خوارزم شاه درسال ۶۰۷ هجری قمری در حوای تغور شمال غربی مملکت رسیده اردوی غوری و غزنوی را شکست داد و چند سال بعد در "۶۱۱" وارد خاک افغانستان شد و متعاقبا جلال الدین منکبرنی پسر علاالدین خوارزم شاه از همین شهر غلغله به بامیان بر قسمت اعظم افغانستان حکمرانی می کرد تا اینکه چنگیز و سیل خروشان حمله

مغول به جنوب آمو به دربار راه یافت و از صفحات شمال به جنوب هندوکش سرایت نمود .

زمانیکه موتوجن نواسه اش این شهر را محاصره کرد بسیاری از مردم را کشتند تا اینکه خود نیز به دست دلاوران مدافع کشته شد . افسانه ها حکایت می کند زمان که چنگیز خبر قتل نواسه اش را می شنود به مادر بچه قول میدهد و سوگند یاد می کند که تمام زنده جانهای که در این وادی زندگی داشتند به کام مرگ فراخواند . بدین گونه همراه با ارتش خود روانه ای نبرد شده و سنگر های ضحاک و سرخوشک را ویران نمود ه و ارتش خود را مستقیما بالای شهر غلغله جهت وارد نبرد آغازشد.

زمانی سیاح چینایی در زمانه سلطنت غوری ها از شهر غلغله می گذرد ، این بامیان سرسبز و خرم و آباد و شهر سلطنتی را با شکوه ترین قصر در جای خوب و مدافع هر نوع تعرض ، مداخله زمانی هم همین سیاح بعد از چنگیز گذرش به بامیان می شود که

بامیان یک وادی سوخته و به استثنای چند نفر محدود دیگرانسان را پیدا نمی تواند . به همراهی یکی از همین اشخاص که در آنجا بود به دیدن شهر وقصر شاهی می رود ، جزغال ومغال و زوزه ای روبا ه وشغال وپشک ومرغان صحرایی چیزی را نمی بیند . اومی گوید این شهر سلاطین بامیان بود وامروز شهر غلغله حیوانات ومرغان صحرایی است . لذا از آن به بعد نام این شهر بنام شهر غلغله شهرت یافته است..

زمانیکه در این شهر جمعیتی به وجود آمدند مردم آن وقت به آن شهر " شهر بامیان " ویا شهر غلغله ویا شهر آشوب می گفتند . غربی ها در تحقیقات خود بالای شهر غلغله بنام های چون شهر خاموش " شهر ملعون " نهاده .

کاظم یزدانی در کتاب اش بنام " میان سرزمین شگفتی ها " موبد این حقیقت است که : شهر غلغله قبل از ویرانی بنام شهر بامیان ودر بعض از منابع بنام حصار بامیان میشد . واز ظهور

اسلام تا اوایل قرن هفتم هجری حکم پایتخت را داشت . هنگام حمله مغل در ۶۱۸ هجری قمری حاکم خوارزم شاهی در آنجا حکومت می کرد و به مقاومت و پایداری پرداخت . در یکی از روزها ی نوه ای محبوب چنگیز بنام " مانگین " به تیر یکی از قلعیان به قتل رسید . خان مغل به خشم آمده دستور داد به هر قیمتی که می شود قلعه را به تصرف در آورید و بر احدی ابقا نکنید . آخر الامر مغولان بر قلعه یورش بردند ، جنگ خونین به وقوع پیوست . از هر گوشه فریاد گریه وزاری و هلهله بلند بود . شاید به همین جهت بعد از ویرانی " غلغله " را که به معنی غوغا و فریاد است بر آن نهادند..

پروفیسور مینورسکی دانشمند اتحاد شوروی قسمت از اسناد مذکور را در طی مقاله ای که در ۱۹۴۳ در مجله ای انجمن شاهی بریتانیایی کبیر و آیرلند نشر شده مطالعه کرد و تاریخ آنها را روی هم رفته در حوالی ۶۰۷ ه قرار داد (۱۲۱۱ م ) ، در سال مذکور



علاالدین محمد خوارزم شاه متوجه سرحدات قلمرو غور و غزنه می شود و ده سال بعد عملیات تهاجمی مغول در بامیان می رسد، بنابراین اسناد مذکور به آخرین سال های سلطنت دوران شنسبانی غوری در بامیان می باشد و حتی در یکی از اوراق، اسم سلطان جلال الدین علی بن سام که چهارمین پادشاه شنسبانی بامیان است هم خوانده می شود که امیر محمد خوارزم شاه کشته میشود . علاوه بر اسناد مذکور دویادگار دیگر هم از حصار غلغله در موزیم کابل موجود است . یک دروازه ای چوبی که در قسمت علیای پله های آن به رسم الخط کوفی (ملک الله ) نوشته شده و دیگری یک جلد کتاب خطی معروف به فالنامه که مجموعه ای مرکب از چندین رساله می باشد و بعضی یادداشت های دارد که یکی آن در سال ۵۸۳ تحریر شده و مصادف به زمان سلطنت دومین پادشاه شنسبانی ملک شمس الدین محمود پسر ملک فخرالدین است که تا سال ۵۸۶ حیات و سلطنت داشت . تذکر باید داد قبل از اینکه

شهر غلغله در بامیان به وسیله ای غوری ها اساس یابد شهر شاهی بامیان در مدخل دره ای فولادی واقع بود وبعد از نفوذ دین مقدس اسلام در بامیان وآمدن مسلمانان به بامیان شهر غلغله را به عنوان اولین شهر اسلامی بنا کرده اند.

### قلعه غزنه :

شهر غزنی یکی از مراکز مهم شاهان غوری بوده که بزرگترین آنها سلطان معزالدین است که حیطة قلمرو موصوف از طرف شرق تارود گنگا و از سمت غرب خراسان و مناطق خوارزم، نسا و بارورد و از سمت جنوب الی بحیره عرب امتداد داشت. سلطان معزالدین بعد از تخریب و به آتش کشیدن این شهر توسط علاوالدین حسین جهانسوز به آبادی و عمران آن پرداخت.

### مسجد جامع هرات :

مسجد جامع بزرگ شهر هرات پنجمین مسجد جامع بزرگ در جهان می باشد این مسجد جامع بیش از ۱۴۰۰ سال قدمت دارد و مساحت آن به (۴۶۷۶۰) متر مربع می رسد.

این بنای زیبا و شگفت انگیز در طول چندین هزار سال قبل از اسلام عبادتگاه آریائی های یکتا پرست بوده است. در سال ۲۹ هجری بعد از گرایش مردم هرات به دین اسلام، این معبد بزرگ به مسجد مسلمانان مبدل گشت.

نقش و نگارهای پر رنگ و کاشی های معرق هفت رنگ ایوان ها و گلدسته های کاشی کاری شده حتی در نگاه شهروند هراتی نیز جالب و جذاب می باشد.

مسجد جامع هرات، از باشکوه ترین بنای تاریخی است که در تاریخ مساجد اسلام موقف بس ممتاز و عالی دارد. یکصد و سی رواق بر چا صد و چهل چهار ستون بناء یافته و به شمارروز های

سال، سه صد و شصت گنبد دارد که هز گنبدراگنبددیگر، زیر دامان گرفته تازگزند باد و باران در امان ماند(۲: ۱۷۰-۱۷۱).

سطح مستطیل گونهء آن را از چهار جهت مسجد را در میان گرفته تا در نظر ها همانند ساختمان مسجد کعبهء مکرم جلوه نماید.

سطح سراسر از مرمر ممتاز فروش شده است ، دو صد و پنجاه و چهار گز دراز او یکصد و پنجاه گز پهناى آن است، رواق ها و گنبد ها همه از خشت پخته و چونه بنا شده، رویهء دیوار و رواق ها که بر سطح مشرف است، همه با کاشی گلدار پوشیده شده. مزید بر آیات مقدس قرآنی و احادیث نبوی (ص) و وجایز خواجه عبدالله انصاری و بعضی منظومات عبدالرحم جامی، بعضی از اعلان ها و فرامین و تاریخ نامه های تاسیس و ترمیم مسجد در الواج مرمرین باخط زیبای اساتذہ ثبت میاشد که هر یک از آنها تاریخ را روایتی و هنر و ارباب ذوق را آیتی شمرده می شود.

ابواسحق ابراهیم بن محمد اصطخری نخستین جغرافیا  
نگار عرب که از مسجد جامع هرات ذکر نموده است که در نیمه  
اول قرن چهارم هجری بسر می برد، در کتاب  
مشهورش (المسالک و الممالک) گوید:

مسجد در وسط شهر هرات است، بازار در اطرافش قرار  
دارد، زندان به سوی قبله آن است، که در خراسان و ماوراء النهر و  
سیستان و جهان هیچ مسجدی بپایه آن نرسد، مسجد بلخ و  
سیستان فروتر از آن است.

در مسجد فقهاء هر روزه گرد می آیند، و مردم اجتماع  
می نمایند، و در سایر مساجد تنها در روزهای جمعه.

در کتاب حدود العالم که در حدود سال (۳۷۳ هـ ق)  
تالیف شده، مذکور است که: هرات شهری است بزرگ و در کمال  
استواری، مسجد جامع آن از آبادترین مساجد است.

از نگاشتهء مهناج سراج در طبقات ناصری بر می آید که پیش از عمارت موجوده در مسجد جامع آتش افتاده بود، سلطان معزالدین و الدین، شهاب الدین غوری از غنایم اجمیر دو عقاب طلائی که هر یک به بلندی قامت شتر بود، ( با بسیار تحفه دیگری به سلطان غیاث الدین غوری فرستاد، از آن جمله حلقهء زرین با زنجیر زرین و خربوزه که دایرهء آن پیچ در پیچ گز بود با دوحلقه بزرگ که بر گردونه آوردند و بفرمودهء سلطان غیاث الدین آن حلقه و زنجیر و خربوزه را در پیش طاق مسجد فیروز کوه بیاویختند و چون مسجد جامع را سیل خراب کرد، (حلقه و زنجیر و خربوزه رابه شهر هرات برده و مسجد جامع را از نو عمارت کردند.)

تاریخ نگاران متاً خرمیرخواند و خواند میر، در کتاب (روضه الصفا) و (حبیب السیر) تأسیس آغاز این مسجد جامع را از عهد سلطان غیاث الدین دانند و این درست نیست، زیراچنانکه

نوشتیم این مسجد قبل از قرن چهارم هجری آباد بوده اما شک نیست که بنای آن بشکل کنونی از عهد سلطنت غیاث الدین غوری است که در سال ( ۵۹۷ هـ ) یعنی دو سال قبل از وفات آن سلطان انجام یافته دلیل قاطع درین باب کتیبه ای است از روزگار سلطنت غیاث الدین که در دیوار مسجد با خشت پخته و چونه به خط کوفی نگاشته شده ( اندر ایوان مقصوره اندرون داخل شبستان جنوبی ) ( ۲ : ۱۸۲ ) .

کتیبه اول : السلطان المعظم، شهنشاہ الاعظم، مالک اقارب الامم، مولی ملوک العرب و العجم، سلطان ارض الله، حافظ بلاد الله، معین خلیفه الله غیاث الدنیا والدین، معزالاسلام و المسلمین، نظام العالمف ابو الفتح محمد بن سام، قسیم امیرالمؤمنین انار الله برهانه.

کتیبه دوم: ( شهرالله المبارک سنه سبع و تسعین و خمسمائة ۵۹۷ ) ( ۲ : ۱۸۲ ) .

تاریخ نگاران عقیده بر آنند که سلطان غیاث الدین مدرسهء بزرگ برای وعظ و تدریس حکیم اسلام، امامت امت فخرالدین رازی در جوار مسجد جامع اساس نهاده بود و چنانکه از اقوال دیگران و نگاشتهء خود امام بر می آید، مسلم است که وی در نزد سلطان شهاب الدین و غیاث الدین و نزد بعضی از ملوک الجبال یعنی امیران بامیان مقام و منزلتی رفیع داشتهء بعضی بر آنند که بقیهء تعمیر مسجد را سلطان محمود پسر غیاث الدین تکمیل کرده و شاهان کورث ( که از نژاد غوری بودند ) در تعمیر آن افزوده اند.

در روزگار پادشاهی شاهرخ پسر امیر تیمور گورگان در تزئینات مسجد، کارهای ارزنده انجام شده. در عهد سلطنت پادشاه دانشمند و هنر پرور سلطان حسین بایقراکه هرات از مونگاه قلم و قریحت علماء و ارباب ذوق بود، به همت وزیر دانشمندش امیر علی شیر نوائی جلال و جمال مسجد افزونی های یافته، این قطعه



آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

در تاریخ ترمیم آن هنوز در یکی از رواقهای مسجد خوانده می  
شود:

### مقصوره وطاق مسجد

شهر گردیده خراب بود از دیر

شد امروز غیب و گشت تاریخ و فـق

لبنائہ علی شیر

تا این اواخر حجره های در مسجد جامع نشان میدادند که  
به برخی از عرفاء اختصاص داشت. اجساد اموات و شهدای  
محاصره هرات، در یکی از رواقها مدفون میباشد.

ترمیم مسجد جامع در (۱۳۲۵ هـ ق) به اراده امیر

حبیب الله خان سراج الملة انجام یافت، اخیراً در حدود سالهای (

۱۳۷۲ الی ۱۳۷۵ هـ ق) مصرف جوان مردان و بذوق عالی

همزمان هرات در مسجد ترمیمات و تزئینات نهائی بعمل آمد. در

گوشه غربی صحن مسجد، دیگ بزرگ بر روی پایه های نفیس

استوار شده است. ( شعاع سر دیگ دونیم ملی هشتاد و پنج سانتی، قطر دیگ مذکور چهار متر و هشتاد و هشت و نیم سانتی و عمق دیگ نود و هشت سانتی است).

آدم میتر در کتاب (حضاره الاسلامیه) از مقدسی روایت میکند: " در مساجد جامع خراسان دردیگهای بزرگ یخ و آب می گذارند" اما مردم شهر از گذشتگان روایت کنند که در آن نوع معجون می گذاشتند و ایام جمعه زیر زبان نهاده مانع سرفه گردد و خطبه بدرستی شنیده شود (۹: ۱۷۳).

دیگ بدست قلندر نام فقای به امر ملک محمد بن محمد پادشاه کرت در سال (۷۷۶ هـ) ساخته شده، این ابیات با نام شاه و قلندر بخت زیبا در خارج دیگ نقش گردیده:

هزار سال جلالی بقای ملکش باد

شهور او همه اردی بهشت و

به سال هفتصد و هفتاد شش بعد از هجرت

که نقش بند حوادث

نمود صورت این

غیر از دیگ بزرگ فلزی، آبدان بزرگی از سنگ مرمر در جامع شریف بوده که او نیز بخطوط و نقوش مزین بوده است. این آبدان را نادر افشار هنگام تاخت و ناز خود بگردونه بسته از هرات به مشهد برد و روی آن بقعهء طلائی ساخته و در سحن حضرت امام علی بن موسی الرضاء رضی الله عنه نصب نمود و اکنون به شفاخانهء طلا معروف است. از تاریخ ساخت و استاد حجار آن اطلاعی ندارم.

در سمت شمالی مسجد جامع شریف (هرات) آرامگاه و مدفن سلطان غیاث الدین غوری است که فعلاً در سمت جنوبی جادهء جدید الاحداث شمالی، با گنبد بزرگ موقعیت دارد. می گویند این مدفن را سلطان موصوف ایامی که مسجد جامع را بنام

نمود، برای خود ساخت. ملک غیاث الدین حسین کرت نیز در جوار این بقعه مدفون میباشد. از مسجدهای کهن و با معماری بارزش در شهر هرات است این مسجد را سلطان غیاث الدین غوری در سال ۵۹۷ ق. طرح ریزی نمود اما موفق به تکمیل آن نشد. جسد وی در زیر گنبد در عقب ایوان شمالی مسجد مدفون است.

تنها بخش کوچکی از مسجد عهد غوری ها در درب ورودی جنوبی باقی مانده است. تزیینات دورهٔ غوری بعدها زیر کار تزیین دورهٔ تیموریان که مسجد را به ذوق و سلیقهٔ خود تزیین نمودند مخفی ماند که در سال ۱۹۶۴ کارشناسان آن را بازیابی نمودند. اما در اثر مرور زمان بخش زیادی از کار پر مصرف تیموریان نیز از میان رفت که در نوسازی هایی که در سال ۱۳۲۲ شمسی روی مسجد انجام گرفت بخشی از آن بازسازی شد. در عهد تیموریان پایتخت در هرات واقع گردیده بود. تیموریان با

جلب هنرمندان، معماران، فیلسوفان و شعرا به دربار خود رهبری نهضت فرهنگی را بدست گرفتند که از دوره‌های پردرخشش تاریخ هرات می‌باشد. شاهرخ و همسرش گوهرشاد از پیشتازان دورهٔ اول عصر تیموری به شمار می‌روند. حکومت سلطان حسین بایقرا از سال ۱۴۶۸ الی ۱۵۰۶ میلادی اوج دورهٔ طلایی تیموریان به شمار می‌رود.

آقای اجمل مدیر آبدات تاریخی هرات می گوید: این مسجد قبل از اسلام نیز در قالب یک معبد در همین مکان وجود داشت. البته خیلی کوچکتر از حالا و به شکل چوبی آن؛ "مسجد جامع بزرگ شهرهرات قبل از اسلام در همین ساحهٔ ساختمان موجود بوده که قدامت آن به سه هزار قبل از امروز می رسد که قبلا یک ساختمان کوچک چوبی بوده در طول تاریخ معبد آریای یکتا پرست بوده درسال ۲۹ هجری وقتی که دین اسلام وسعت پیدا می کند در خراسان و هرات این ساختمان چوبی تزیین کاری

که است قبلا معبد بوده و بعدا به مسجد مسلمانان تبدیل می شود که این ساختمان تا سال ۴۰۱۴ هجری قمری مسجد بوده اکثریت شخصیت های بزرگ جهان اسلام در این مسجد تدریس می کردند از آن جمله حضرت خواجه عبدالله انصاری و خواجه محمد تاکی."

اجمل می افزاید: مسجد جامع هرات در طول تاریخ فراز و فرود های زیادی را به خود دیده است. چندین بار تخریب و دوباره ساخته یا ترمیم شده است وی میگوید : در سال ۴۱۴ هجری قمری نیمی از مسجد که غالبا با چوب پوشیده شده و رنگ آمیزی شده بود در آتش سوخت ولی به همت خواجه محمد تاکی و همکاری مردم دوباره ترمیم گردید و حدود دو قرن بعد به اساس مشورت شیخ الاسلام فخرالدین رازی به دستور سلطان غیاث الدین غوری به شکل کنونی با استفاده از خشت پخته، تزئینات و کاشی های فیروزه ای بنا گردید که با مرگ سلطان، پسرش

سلطان محمود بعضی از کارهای باقی مانده از زمان پدرش را به اتمام رسانید.

بنا به اظهارات مدیر آبدات تاریخی ، این مسجد تاریخی در زمینی به مساحت اضافه از ۴۶ هزارمترمربع اعمارگردیده که مشتمل بر ۴۶۰ گنبد، ۱۳۰ رواق، ۴۴۴ فیل پایه، دوازده گلدسته، چهار ایوان، چهار دروازه، چهار کتیبه بزرگ مزین با آیاتی ازقران ، اشعار عرفانی عرفا و شاعران بزرگ، سه سراچه، یک منبر سنگی، کتابخانه (شامل چهار هزار جلد کتاب) و وضوخانه می باشد که در زیباترین محل شهرقدیم هرات موقعیت داشته و در یک زمان گنجایش بیش از یک صد هزار نمازگزار را دارد.

به گفته وی گلدسته های مسجد که برای رساندن صدای اذان به گوش مردم ساخته شده، بین ۱۷ تا ۳۶ متر ارتفاع، ۷ تا ۱۰ متر قطر داشته راس هرکدام دارای هشت رواق بوده که بام شان با کاشی فیروزه ای تزیین یافته است.

آمر آبدات تاریخی می گوید: ساختمان فعلی مسجد جامع براساس معماری عصر تیموری ها بنا شده است و ترمیماتی هم که در این اواخر بر آن صورت گرفته با اسلوب و معماری عصر تیموری ها همخوانی دارد. "خود مسجد شباهت به ساختمان یا بناهای دوره تیموری ها دارد چون در دوره تیموری ها هنرهای زیادی در هرات رشد کرده بود که از آن جمله هنر معماری، ساختمان سازی در هرات رشد بسزای کرده بود. مهندس های مجرب در اینجا کار می کردند که خود ساختمان از جمله بناهای دوره تیموری است مساجد که بعدا در دوره تیموری ها و بابرهای هند ساخته شد در اکثر نقاط مختلف جهان از آن جمله در ایران، سمرقند، هند، شباهت زیادی با ساختمان مسجد جامع شریف و همچنان کاشی های که در مسجد جامع شریف دیده می شود خود هنرکاشی سازی یادگاری از دوره تیموری ها است کاشی هفت رنگی و کاشی معرق"



با توجه به روایات تاریخی، در سال ۷۰۷ هجری سلطان غیاث الدین کرت خرابی های را که با حمله مغول ها در سال ۸۱۸ هجری به مسجد رسیده بود تعمیر نموده و مدرسه یی بنام غیاثیه در شمال مسجد جامع ایجاد نمود. بیست و پنج سال بعد در زمان فرمانروایی ملک معزالدین کرت بعد از افزودن تزئینات، خانقاهی برای صوفیان نیز ساخته شد. صد سال بعد در دوران زمامداری شاهرخ میرزا (از شاهان تیموری) با استفاده از انکشاف و تکامل صنعت کاشی، معرق و خطاطی، رواق ها و دیوارهای مسجد به نقش و نگارهای رنگارنگ تزیین گردید.

در سال ۷۷۷ هجری در زمان ملک غیاث الدین آخرین ملک آل کرت از دارایی شخصی بنام علی بن محمد، دیگ برنزی زرکوب شامل بر هشت حصه ساخته شد که بعد از منبت کاری و نقش اندازی وقف مسجد جامع گردید. در عین زمان دیگ برنزی دیگری توسط هنرمندان هرات ساخته شد که اکنون در موزیم

ارمیتاژ شهر لیلینگراد روسیه نگهداری می شود و در قرن دهم هجری در زمان سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیرعلی شیرنواپی، ایوان بزرگ مقصوره مجددا تعمیر و تمام جدارها و رواق های مسجد به ستون ها و سنگ های گرانبها آراسته شد .

آقای ولی شاه "بهره" رییس فرهنگ و جوانان ولایت هرات

در زمینه تاریخ مسجد جامع هرات می گوید: در سال ۱۳۲۴ هجری به همت عبدالله خان ملکیار نایب الحکومه هرات، جاده های وسیع به اطراف و باغی به وسعت بیش از ۲۵ هزار متر مربع در سمت شرق مسجد ایجاد شد. "در زمان محروم عبدالله خان ملک یار در سال ۱۱۲۴ یک عصری تلقی کنیم که در حقیقت هرات را می توانیم به معابد، مساجد، اماکن آبادات تاریخی قلمداد بکنیم و عبدالله خان ملک یار ضمن این که تمام اطراف مسجد و خانه های مردم را خریداری می کند به پارک و جاده ها تبدیل می سازد شما دید این گلدسته ها که است احیای هنرکاشی کاری

است ضمن این که کاشی کاری از زمان غوری ها و تیموری ها در این جا بصورت ابتدایی بوده فراز و نشیب های تاریخ باعث شده که به رکود مواجه شود و عبدالله خان ملک یار در احیای مجدد این ارزش ها بخصوص هنر کاشی کاری واقعا عزم و همت فرهنگ دوستانه می کند و کارگاه کاشی کاری را که در سال ۱۳۲۴ شمسی در شهر هرات تاسیس می کند تا امروز پا برجا است هر روز ببینید که این ها نمونه کار دارند و نصب اماکن می کنند"

آقای بهره می گوید: مسجد جامع در گذشته تنها یک مکان برای عبادت و نماز گذاری نبود بلکه بزرگترین مدرسه علمی و دینی نیز در همین جا قرار داشت او می گوید: بزرگترین عالمان و روحانیون و عرفای آن زمان در این مسجد یا درس داده اند یا درس خوانده اند. آقای بهره گفت: هر چند این مسجد در طول تاریخ همیشه مورد ترمیم و بازسازی قرار گرفته ولی دو نقطه در این مسجد قدیمی ترین نقاط این آبدۀ اند.

"اولین چیزی که بسیار حایز ارزش است و حفظ شده توسط پروژه بین المللی دروازه ورودی مسجد جامع شریف است که فعلا مسدود شده بخاطری که رفت و آمد نشود و قسمت بالای این مسجد پوش فلزی شده بخاطر جلوگیری از باد و باران، سرما و دومین چیزی که داریم ایوان مسجد جامع است که این از جمله عجیبه های هنر معماری حتا جهان است با این عظمت فکر کنیم در هشت صد سال قبل این کار، کاری بوده که از روی اخلاص شده است اگر چه در این خسارات یا ضررهای وارد شده مگر به همت دولت مردهای بعدی هرکس کوشش کرده و این دو نقطه از جمله جاه های بسیار تاریخی هرات است خانقای داریم بنام حضرت امیر سیدکلال، خواجه عبدالله احرار و محراب داریم بنام محراب حضرت جهانی."

به گفته آمر آبدات تاریخی هرات، هفت سال قبل کار سنگ فرش نمودن صحن مسجد که با وقوع کودتای هفت ثور و

شروع جنگ ها نیمه تمام مانده بود از بودیجه آبدات تاریخی هرات مجددا آغاز گردید و اکنون برای حفظ، ترمیم و مرمت این بنای تاریخی و عبادتگاه بزرگ اسلامی چهار مهندس، شش استاد کاشی ساز و پنج استاد خوشنویس به وظیفه گمارده شده اند. در نزد مردم هرات روایتیست که گویا کار در مسجد جامع هرات هیچ گاه تمام شدنی نیست و اگر روزی کار مسجد جامع کاملا اكمال شود آن روز قیامت خواهد رسید. در قلمرو معماری مهمترین دستاورد صدر اسلام توسعه و گسترش مساجد اسلامی بود پیامبر اسلام مسجد الحرام باستانی مکه را قبله گاه دین جدید اعلام کرد.

کتابت و کتیبه نویسی نه تنها پاره لایتجزای تزئین عمارات و گاهی اشیاء هنری شد بلکه اهداف و نیات آنها را بنمایش گذاشت مسلمانان از همان روزهای نخست اقدام به ساختن مسجد کردند و به تبع افزایش تعداد مساجد اشکال معماری نیز رو به گسترش نهاد حقیقت این است که مسجد به

تمام معنی بنایی است اسلامی واز این دیده گاه جلو گاه تمام رمز و رازهای معماری اسلامی است بررسی دقیق عملکرد های این بنا ما را به فهم عمیق از کار کردهای فرهنگ اسلامی میرساند دلائل دیگری نیز برای پژوهش درباره تاریخ مسجد وجود دارد.مسجد بنای الگوی است که عا لیترین سازه ها را در معماری اسلامی بوجود آورد مسجد به این نیت ساخته شده است که باقی بماند.

علیرغم بناهای غیر مذهبی که با وجود تزئینات فراوان ساختار سست داشتند. همین امر باعث پایداری مساجد نسبت بدیگر بنا ها شده است مسجد بسرعت در صدر اسلام تبدیل بمركز فرمان جامعه در حال رشد مسلمانان گردید در این مکان عبادت می شود اجتماعات بزرگ بر پا می گردید از قطعات نظامی دیدن بعمل می آید قضاوت میشود.

بیت المال نگهداری میشد و شوراهای نظامی تشکیل می گردید مساجد جامع نه تنها ابعاد بزرگتر داشته و دارند بلکه تزئینات بیشتری را دارا میباشند مشهورترین مساجد بعد از یک نسل از رحلت پیامبر اسلام(ص) عبارتند از فسطاط ، قیروان ، کوفه ، بغداد.

مسجد جامع بزرگ هرات باستان در زیبا ترین موقعیت شهر قدیم واقع بوده بنای نفیس ویادگار مبارکی از نیاکان یکتا پرست واجداد هنرمند ما است.

در سال ۲۹ هـ ق در زمان خلافت حضرت عثمان بن عفان(رض) که ساکنان هرات به دین مقدس اسلام مشرف شده اند این معبد بزرگ را مسجد ساختند. در سال ۳۷۲ هـ ق به قول مولف کتاب حدود العالم مسجد جامع هرات آباد ترین مسجد ها بوده است حضرت خواجه عبدالله انصاری(رح) (۳۹۶-۴۸۱ هـ

ق) در جایگاه مخصوص مسجد جامع هرات کرسی بزرگ درسی داشته است. در سال ۴۱۴ هـ ق به اثر حریق نیمی از مسجد که غالباً چوب پوش و با نقوش و رنگ آمیزی مزین بوده سوخته که حضرت خواجه ابو عبدالله محمد تاکی متوفی سال ۴۱۶ هـ ق به همکاری مریدان و مقتدیان مسجد حریق را خاموش ساخته و مردم متدین شهر هرات به ترمیم مسجد جامع اقدام نمودند. در سال ۵۹۷ هـ ق به اساس مشوره و نظر شخصیت بزرگ علمی امام المتکلمین فخر الدین رازی شیخ الاسلام هرات به اهتمام سلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری و مساعدت مردم متدین هرات مسجد جامع با وسعت کنونی به صورت پخته و با شکوه از آجر بنا و با تزئینات و کاشیهای فیروزه یی آن عصر آراسته شد. امام فخرالدین ابو عبدالله بن عمر رازی (۵۴۴-۶۰۶ هـ ق) در حالیکه به روزهای جمعه به منبر مسجد جامع مردم را ارشاد مینمود به روزهای دیگر هفته در قسمت درسگاه به



تدریس فلسفه و عقاید اسلامی میپرداخت. در سال ۶۰۰ تا ۶۰۷ ه ق سلطان محمود پسر سلطان غیاث الدین غوری بعضی کارهای باقیمانده این مسجد را به انجام رسانیده است در سال ۶۱۸ ه به اثر تهاجم قوای چنگیز ویرانیهایی به این مسجد وارد شد. در سال ۷۰۷ تا ۷۲۹ ه ق در عصر ملک غیاث الدین کرت مسجد جامع هرات تعمیر و خرابیها حمله چنگیز ترمیم و مدرسه بنام غیاثیه در شمال مسجد جامع در محوطه جداگانه و متصل درسگاه قبلی به مساعدات مالی مردم هرات بنام شد. در سال ۷۳۲-۷۷۱ ه ق در دوران فرمانروائی ملک معزالدین کرت به زیبایی و تزئینات مسجد افزوده شد و خانقاهی در کنار آن برای عبادت صوفیان آباد شد. در سال ۷۷۷ ه ق در عهد ملک غیاث الدین آخرین ملک آل کرت از دارایی خالص محمد بن علی توسط محمد بن علی بن محمد ابن محمود یکعدد دیگ برونزی زرکوب ساخته شده که

منبت کاری و نقشه کشی آنرا محمد بن عبدالواحد و رسامی آنرا حاجی مسعود بن احمد از رسامان هرات ترسیم نموده و وقف مسجد جامع هرات گردید. در سال ۸۰۷ تا ۸۵۰ هـ ق در دوره زمامداری شاهرخ فرزند تیمور با استفاده از انکشاف و تکامل صنایع کاشی معرق حجاری و خطاطی آن عصر به اهتمام امیر جلال الدین فیروز شاه حاکم هرات به ترمیم و نقش و نگار رواق ها و دیوار های مسجد پرداخته شد. در سال ۹۰۳ تا ۹۰۵ هـ ق در عهد سلطان حسین بایقراء به اهتمام و سرپرستی امیر علی شیر نوائی وزیر هنر پرور و معروف هرات ایوان بزرگ مقصوره مجدداً تعمیر و به یمین و یساران دوایوان عالی به غرض زینت و تحکیم ایوان بزرگ مقصوره آباد شد و تمام ج دارهای و رواقهای مسجد جامع با ستونهای نفیس و سنگهای مرمر و کاشیهای معرق آراسته شد و استحکام زینت یافت. در سال ۹۱۶ هـ ق هنگام هجوم عساکر شاه اسماعیل صفوری به هرات بعضی

ویرانیهایی به مسجد جامع هرات وارد گردید. در سال ۱۰۳۶ هـ ق حسن شاملو خطاط و شاعر مقتدر هرات در دوره حکم رانی خود به کمک مردم به ترمیم ویرانیهای قبلی شاه اسماعیل به مسجد جامع شریف اهتمام ورزید. در سال ۱۲۵۳ در دوره اقتدار وزیر یار محمد خان ایوان شمالی مسجد جامع و قسمتی از شبستانهای آن ترمیم گردیده است. در سال ۱۲۶۹ تا ۱۳۱۹ هـ ق به اهتمام فرامرز خان قوماندان قوای نظامی هرات ایوان مقصوره مجدداً ترمیم گردید. امیر حبیب الله خان در دوره حکومت خود (۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ هـ ق) زمانیکه برای مشاهده شهر باستانی هرات مساجد و آبادات تاریخی

وارد شهر زیبای هرات گردید مبلغ دو صد هزار افغانی را برای ترمیم مسجد جامع هرات تخصیص داد. همچنان در سال ۱۳۲۵-۱۳۳۰ هـ ق ویرانیهای که طی روزگار گذشته به مدرسه غیاثیه رخ داده بود به مساعدت مالی مردم متدین

هرات ترمیم گردید. در سال ۱۳۶۰ هـ ق با اعانت مالی تجار هرات این عبادتگاه دینی و تاریخی مجدداً تزئین گردید. در سال ۱۳۶۰ هـ ق در زمان عبدالله خان ملکیار نائب الحکومه هرات جاده های وسیع به اطراف مسجد احداث و نیز باغی به وسعت (۲۵۱۶۰ متر مربع) در سمت شرق مسجد جامع احداث گردید و رواقهای به ارتفاع بیش از نیم متر با سنگها مرمر مزین گردید و سر پایه ها و فراز رواقها با نقوش و گلبرگهای کاشی معرق آراسته شد. در سال ۱۳۷۴ هـ ق در صحن مسجد جامع هرات به جای محراب سابق محراب عالی و نفیس از انواع سنگهای رخام و در کنار آن منبری بزرگ از سنگ مرمر به اهتمام استاد محمد سعید مشعل طرح و تکمیل گردید. در سال ۱۳۷۶ هـ ق منار یادگار شهدای مدافع هرات که در برابر قوای خارجی مقاومت نموده و به درجه رفیع شهادت

نایل آمده بودند به اهتمام نائب الحکومه وقت محمد اسماعیل مایار در وسط باغ شرقی مسجد جامع هرات بنا یافت.

درسال ۱۳۵۳ه.ش کارسنگ فرش صحن مسجد جامع

از سمت غرب آغاز گردید که

سنگهای صفوف نماز مرمر و فاصله بین صفوف از سنگ ر

خام سیاه کار گرفته شد و شهروندان متدین هرات هر یک

قیمت یک ده الی پنجاه سنگ را بطور اعانه پرداختند کار

سنگ فرش مسجد جامع هرات با نفوذ و حاکمیت کمونستها در

افغانستان نیمه کاره باقی ماند. در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۶۷ هـ ش از

بودجه اعانه مسجد جامع شریف به داخل پارک شرقی مسجد جامع

شریف پنج عدد حوض آب برای وضو ساختن مردم ساخته

شد. و نیز محراب مسجد زمستانی به اهتمام استاد محمد سعید

مشعل گچبری گردید در همین زمان یک پایه ماشین برق ۴۵

کیلو واته وقف مسجد جامع گردید و نیز دو حلقه چاه عمیق و نیمه

عمیق به داخل پارک شرقی حفر گردید. در سال ۱۳۷۰-۱۳۷۱ هـ ش به مساعدت یکتن از تجار خیر کویته سی چشمه تشناب به قسمت پارک پایین مسجد جامع اعمار گردید. در سال ۱۳۷۳ هـ ش کتاره های آهنی دیوارهای احاطه پارک مسجد جامع ساخته شد. در سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ هـ ش توسط آمریت حفظ آبدات تاریخی هرات یک باب وضو خانه عصری به داخل پارک مسجد جامع شریف احداث و وضوخانه های سراچه شمالی مسجد جامع شریف به صورت عصری و اساسی ترمیم گردید.

در سال ۱۳۷۶ هـ ش کار سنگ فرش صحن مسجد جامع هرات از بودجه پروژه حفظ آبدات تاریخی مجدداً آغاز گردید. در سال ۱۳۸۰ هـ ش کتابخانه مسجد جامع شریف به صورت اساسی توسعه یافت. در سال ۱۳۸۱ هـ ش ایوان مقصوره و شبستان های جنوب غرب ترمیم شدند. در سال

۱۳۸۲هـ ش بامهای مسجد جامع بزرگ هرات به ضخامت ۴ میلی ۱۵۶۳۸ متر مربع ایزولیشن گردید ونیز فاتحه خانه مسجد جامع واتاقهای سراچه شرقی ترمیم ورنگ آمیزی گردید بتعداد ۵۲۰ قطعه سنگ جای نماز از سنگ مرمر سفید در صحن مسجد جامع بطول ۱۰/۱ و عرض ۵۰ سانتی وقطر ۴ سانتی نصب گردید. در سال ۱۳۸۳ سنگ فرش صحن پارک مسجد جامع شریف ونیز سنگ فرش راهروهای مسجد جامع شریف وکاشی حوض های داخل پارک شرقی مسجد جامع شریف صورت گرفت. (۴\_۵۵،۶۷)

محراب در سال ۱۳۷۴هـ ق در صحن مسجد بجای محراب سابق محراب عالی از سنگ رخام وبطرف راست آن منبری از سنگ مرمر به اهتمام استاد محمد سعید مشعل ساخته شد.

منبر قدیم مسجد جامع بزرگ هرات تا سال ۹۰۰ هجری از چوب تراشیده شده وحکاکی شده که بمرور زمان از بین رفته است. در باز سازی های سال ۹۰۴ سنگ مرمر از خواف خریداری شده ودر طول شش سال توسط استاد شمس الدین سنگتراش منبری برای این مسجد بزرگ ساخته شد.

### گلدسته ها

در راس هر گلدسته موزنه دارای هشت رواق وبام آن با کاشی فیروزه ئی وقبه یکنیم متره زینت یافت.

### کتیبه های مسجد جامع شریف

۱. کتیبه ایوان بزرگ شرقی از حدیقه

الحقیقه حکیم سنائی غزنوی به خط نستعلیق.



۲. کتیبه ایوان بزرگ غربی (ایوان مقصوره)

از بوستان سعدی به خط نستعلیق.

۳. کتیبه ایوان بزرگ شمالی از تحفته

الاحرار جامی به خط نستعلیق.

۴. کتیبه ایوان بزرگ جنوبی از سبخته

الاحرار جامی به خط نستعلیق.

همچنان در کتیبه های دیگر مسجد جامع بزرگ هرات

آیات قرآنی و اشعار عرفانی از سعدی، جامی، خسرو دهلوی،

شیخ ابو سعید ، شیخ فرید الدین عطار و نیز از مقالات پیر هرات

حضرت خواجه عبدالله انصاری (رح) بالای کاشی هفت رنگی تحریر

یافته است که بر زینت و شکوه مسجد افزوده است.

استادان خطاط ( در نگارش خطوط ثلث عالی ، کوفی

، خطوط مربع معقلی ، نستعلیق ،

آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

مهارت خوش نویسی خود را به نمایش گذاشته اند.

## گنبدها، رواقها و فیلیپایه ها

مسجد جامع تاریخی هرات باستان مشتمل است بر (۴۶۰)

گنبد (۱۳۰) رواق و (۴۴۴) فیلیپایه.

### مساحتها:

۱. مساحت مجموعی مسجد جامع شریف

با پارک شرقی آن (۴۶۷۶۰ متر مربع) میباشد که طولاً

(۳۸۵) متر و عرض آن (۱۲۱) متر میباشد.

۲. مساحت تعمیر مسجد جامع شریف

بدون پارک (۲۱۶۰۰) متر مربع که طولاً (۱۸۰) متر

و عرضاً (۱۲۰) متر میباشد.

۳. مساحت پارک شرقی مسجد جامع شریف (۲۵۱۶۰) متر مربع میباشد که طولاً (۲۰۵) متر و عرضاً (۱۲۲/۷۳) متر میباشد.
۴. مساحت صحن مسجد جامع شریف طولاً (۸۲) متر و عرضاً (۵۹/۵۰) متر میباشد.
۵. مساحت ایوان مقصوره طولاً (۴۶) متر و عرضاً (۱۲/۲۸) متر ارتفاع (۲۶) متر میباشد.
۶. مساحت ایوان شمالی طولاً (۱۵) متر و عرضاً (۱۱) متر میباشد.
۷. مساحت ایوان جنوبی طولاً (۱۵/۹۵) متر و عرضاً (۹/۸۰) متر میباشد.
۸. مساحت ایوان شرقی طولاً (۲۰) متر و عرضاً (۱۱) متر میباشد.

۹. مساحت سراچه وضو خانه طولاً (۲۷) متر وعرضاً (۱۴/۳۰) متر میباشد.
۱۰. مساحت سراچه سلاطین غوری طولاً (۱۷/۱۰) متر وعرضاً (۱۰) متر میباشد.
۱۱. مساحت سراچه کاشی پزی طولاً (۱۳/۷۰) متر وعرضاً (۹/۵۰) متر میباشد.

### مساحت راه روهای مسجد جامع هرات:

۱. راه رو شمال غرب طولاً (۳۰) متر وعرضاً (۴/۶۰) متر میباشد.
۲. راه رو شمال شرق طولاً (۳۰/۴۰) متر وعرضاً (۴) متر میباشد.
۳. راه رو جنوب غرب طولاً (۳۲) متر وعرضاً (۴) متر میباشد.

۴. راه رو جنوب شرق طولاً (۳۲) متر  
و عرضاً (۴) متر میباشد.

### ارتفاع گلدسته های مسجد جامع هرات:

الف. گلدسته های ایوان مقصوره: تعداد دو عدد ارتفاع  
(۳۶) متر و قطر قسمت بالا (۹) (متر و قطر قسمت پائین (۱۰) متر.

ب. گلدسته های سمت شمال: تعداد دو عدد ارتفاع (۲۱)  
متر و قطر (۷) متر.

ج. گلدسته سمت شمال غرب: ارتفاع (۱۷/۵۰) متر و قطر  
آن (۸) متر.

د. گلدسته جنوب غرب: ارتفاع (۱۷/۵۰) متر و قطر آن  
(۸) متر.

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

هـ — گلدسته های سمت غرب مقابل جاده لیلای: تعداد

دو عدد ارتفاع (۲۸/۳۰) متر قطر (۶/۶۰) متر.

و. گلدسته جنوب شرق: ارتفاع (۱۷/۵۰) متر ، قطر (۸)

متر.

ز. گلدسته های ایوان شرقی روبروی پارک مسجد جامع

شریف:تعداد دو عدد ارتفاع (۲۷) (متر قطر (۱۰) متر.

ح. گلدسته سمت شمال شرقی : ارتفاع (۱۷/۵۰) متر

وقطر (۸) متر.

درین عبادتگاه دینی وتاریخی اشخاص هنرمندی در طی

هفتاد سال اخیر مصدر خدمات با ارزش گردیده اند که جا دارد به

پاس قدرانی از خدمات بزرگ شان هر یک را بیان نمائیم.

**مهندسین مسجد جامع شریف هرات:**

۱. مهندس حاجی محمد اسماعیل بنایی.
۲. مهندس غلام حیدر.
۳. مهندس حاجی جمعه گل.
۴. مهندس حاجی عبدالاحد.

### استادان صنعت کاشی سازی مسجد جامع هرات:

۱. استاد عبدالروف فکری سلجوقی.
۲. استاد محمد سعید مشعل.
۳. استاد گل محمد هنر جو.
۴. استاد ابوبکر.
۵. استاد حبیب الله.
۶. استاد احمد جان.

### استادان خوش نویس مسجد جامع هرات:

۱. حاجی ملا عبدالله هروی.
۲. استاد محمد علی عطار.
۳. استاد عبدالجلیل توانا.
۴. استاد میر آقا حسینی.
۵. استاد محمد عثمان قاضی زاده سنگ

تراش مسجد جامع هرات.

خانقاه خواجه عبدالله احرار در داخل مسجد زمستانی  
سمت شمال مسجد جامع موقعیت دارد. تبرکاتی در سال ۱۳۴۰  
هـ ق جناب فخری پاشا سفیر دولت عثمانی اهداء نموده است  
که بداخل یک صندوق الماری چوبی قرار گرفته و در خانقاه مذکور  
حفظ میشود. در سال ۱۳۰۸ هـ ش تاسیس شد که حدوداً چهار  
هزار جلد کتب درسی و مطالعوی در آن نگهداری میشود. در سال  
۷۰۷- ۷۲۹ هـ ق مدرسه غیاثیه  
در شمال مسجد جامع در محوطه جداگانه و متصل در سگاه



قبلی بمساعدت مالی مردم هرات تاسیس شد این مدرسه از قرن هشتم بنام مدرسه غیاثیه شهرت یافت از بلاد اسلامی دانشجویان برای فراگیری علوم منقول و معقول به این مدرسه می آمدند این مدرسه از سال ۱۳۳۰ هـ ق بنام مدرسه جامع تغییر نام یافت. دیک مسجد جامع شریف دارای نقش ها و رسم های زیبا میباشد و هیکل دیک به هشت حصه تقسیم شده است در نوشته های آن صحت، آرامی، قدرت و قوت برای مالک آن آرزو شده است ترجمه متن عربی آن چنین است این دیگ را عبدالرحمن بن عبدالله رشید فرمایش داد. منبت کاری و نقوش آنرا محمد بن عبدالواحد و رسامی آن را حاجی مسعود بن احمد که از رسامان هرات میباشد ترسیم نموده است.

قطب منار :

قطب منار یکی از بلند ترین مناره های جهان ( و یکی از

عجایب هفتگانه جهان ) واقع در دهلی که ارتفاع آن ۲۳۹ پا

قریب ۸۰ متر است. ساختمان آن توسط قطب الدین ایبک در

اوایل قرن سیزدهم آغاز گردیده است. این منار به پنج طبقه

تقسیم می شود که در فاصله هردو طبقه ایوان مدوری است که

چون کمر بند منار را در خود گرفته است. از داخل خود تا آخرین

طبقه راه دارد.

طبقه اول آن دارای ( ۱۵۶ ) زیننه طبقه دوم ۷۸

زیننه، طبقه سوم ۶۲ زیننه و طبقه چهارم و پنجم هریک دارای

ینجاه زیننمی باشد.

قطب منار سرتاسر از سنگ سرخ مرمر ساخته شده و

در هر طبقه آن دو کتیبه منقوش است. در کتیبه ها اسامی

سلطان شهاب الدین محمد بن سام غوری مولای قطب الدین ایبک،

خود قطب الدین ایبک، التتمش، اسکندر شاه و فیروز شاه دیده

آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

میشود. آخرین قسمت منار، در سال ۱۳۱۶ میلادی توسط فیروزه شاه تغلق ساخته شده است. قطب منار، پیوسته و محلق به مسجد قوه الاسلام و مؤذن خانه آن است.

بقول ابن بطوطه، مسجد قوه الاسلام و قطب منار دهلی از نخستین عمارت های اسلامی در سرزمین هند میباشند، قبل از آنهیچ عبادت گاه اسلامی در آن دیار وجود نداشت. با این بیت شیخ اجل سعدی به نا توانی خویش اعتراف می نمایم:

پسای ملخی نزد سلیمان بردن

زشت است ولی هنر است از موری

قطب منار از بلندترین بنای آجری دنیاست. این مناره بزرگ از مرمر و سنگ های سرخ ساخته شده است و به دستور سلطان معز الدین غوری از سلسله غوری ها و توسط غلام ترک تورانی نژاد و سپهسالار او قطب الدین ابیک، که بعدها به پادشاهی رسید در ۱۱۹۹ میلادی بنیان گذارده شده است. قطب منار به

تقلید از " منار جام " افغانستان ساخته شده و به ۵ طبقه تقسیم شده است که در فاصله هر دو طبقه، ایوان مدوری به صورت کمر بند آن را دربر گرفته است. قطب منار یکی از اولین و برجسته ترین نمونه های معماری هندوستان است. قطب منار یکی از بلند ترین مناره های جهان ( و یکی از عجایب هفتگانه جهان ) واقع در دهلی که ساختمان آن توسط قطب الدین ایبک در اوایل قرن سیزدهم آغاز گردیده است. این منار به پنج طبقه تقسیم می شود که در فاصله هر دو طبقه ایوان مدوری است که چون کمر بند منار را در خود گرفته است. از داخل خود تا آخرین طبقه راه دارد (۵: ۳۰۱-۳۰۲).

قطب منار سرتاسر از سنگ سرخ مرمر ساخته شده و در هر طبقه آن دو کتیبه منقوش است. در کتیبه ها اسامی سلطان شهاب الدین محمد بن سام غوری مولای قطب الدین ایبک، خود قطب الدین ایبک، التتمش، اسکندر شاه و

فیروز شاه دیده میشود. آخرین قسمت منار، در سال ۱۰۱۴ میلادی توسط فیروزه شاه تغلق ساخته شده است. قطب منار، پیوسته و محلق به مسجد قوه الاسلام و مؤذن خانهء ان است. بقول ابن بطوطه، مسجد قوه الاسلام و قطب منار دهلی از نخستین عمارت های اسلامی درسرمین هند میباشدند، قبل از آن هیچ عبادت گاه اسلامی در آن دیار وجود نداشت .

این مناره بزرگ از مرمر و سنگ های سرخ ساخته شده است و به دستور سلطان معز الدین غوری از سلسله غوری هاو توسط غلام ترک تورانی نژاد و سپهسالار او قطب الدین ابیک، که بعدها به پادشاهی رسید در ۱۱۵۵ میلادی بنیان گذارده شده است. قطب منار به تقلید از " منار جام "افغانستان ساخته

مسجد سنکی :

فراه این دیار کهن بیابانی یادگاری ارزش های ماندگار فرهنگی و هنری غوری ها است. این مسجد در دره ملکان غوری در منطقه لرونند مربوط ولسوالی پرچمن که در تشکیلات قبلی مربوط ولایت غور که در تشکیلات جدید مربوط ولایت فراه میباشد و در نقطه آغاز دره ملکان موقعیت داشته و به مساحت سه متر عرض و چهار متر طول تخمین شده این مسجد از چندین قطعه خشت سنگی محدوداً به کمیت ۳۰ الی ۴۰ قطعه خشت سنگی و مزین بامیناطوری حکاکی و حجار شده هر خشت به مساحت یک ونیم در دو متر ساخته شده که از مجموع این کمیت دگر شده دیوار های مسجد توام به گنبدان اعمار گردیده و تقریباً از شیوه ی معماری قرون قبل از اسلام بنا گردیده، که اندازه هر ضلع آن دو ونیم متر و ارتفاع دیوار های آن سه متر میباشد. قابل یاد آوری است که در جابجا سازی و نهادن خشت ها در اعمار این مسجد

خشت ها بطور حجاری گردیده که در وسط آنها هیچ نوع مواد از قبیل گچ و یا سمنت و یا گل دیده نمی شود .

طوری که از موقعیت این مسجد مشاهده گردد این مسجد در وسط یک حدیره یا قبرستان های سابقه که علایم قبرها در آن مشاهده میشود اعمار گردیده از دیدگاه باستان شناس ساختمان به این طول و عرض کوچک در وسط قبرستان قدیمی و تاریخی نماینگر از مسجد نبوده بلکه مقبره یکی از بزرگان و شاهان و یا اقارب شاهان میباشد که از سنگ ساخته شده در داخل دره ملکان آثار از بناها و ساختمان های قلعه و برج و نشانه یی از کانال های آب رسانی و مکان های تفریحی دوره امپراطور غوری ها به چشم میخورد و از نشانه های بارز این عصر تمدن و شگوفایی ادوار سلاطین غوری محسوب میگردد اما تأسف که نسبت بعد مسافت از مرکزیت ها و نبود وسایل تصویری نتوانستم که تصویر از آن مسجد تهیه و بدست نشر بسپاریم .

## مسجد اجمیر :

در تاریخ دولت غوری ها آمده است : یک بنای عالی دیگری را هم به قطب الدین منسوب میسازند و این مسجد در اجمیر راجپوتا موقعیت دارد. این مسجد را سلطان از مواد تعمیراتی معابد مجاور اساسی را گذاشت. روی تراشی که در تپه دیگری مجاور ساخته شده بود. کاری تعمیر مسجد در سال (۵۹۷هـ) آغاز گردیده به طرح تعمیر این مسجد دهلی شباهت دارد و بنأ برآن تجزیه عمرانی یک در دیگری مفید افتاده. علاوه بر این چون میلان وسیعتر در اختیار معمار بوده است مجال بیشتری برای هنرنمایی داشته. در نتیجه ستون هازیبیا به میان آمده تناسب راه روها جنوبی در نظر گرفته شده و تعادل بهتری در تعمیر سقف راهرو میسر گردیده برای بلند تر کردن پایه ها سه پایه معبد هندی را روی هم گذاشتند طوریکه سقف ۲۴ فت از فرش راه رو بلندتر آمد. چون مسجد روی بلندی بنا شده بود توانستند در بیرونی محوطه



دیوار شرقی آن یک حریم که توسط زینه بزرگی که چهاررخ داشت انجام دادند. زینه ها به رواق های بزرگی در داخل عمومی مسجد منتهی میشد به هر گوشه این رواق مناره های خیاره قرار داشت. تامدتی مسجد مشتمل بر یک حیاط ساده که بدور آن ستون بندی بازساخته بودند. اما بعدها مانند مسجد دهلی پرده داد.

قطب الدین بناً مذکور را در نیم روز (راهایی دین کاجهومیاده) تمام کرد که شکل افسانوی را دارد. به همین مناسب نام آن را کلبه دو نیم روز گذاشتند. ولی این حتی دو نیم سال را دربر تادونیم روز گرفته است.

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

## فصل ششم

زبان واصطلاحات محلی غوری ها :

در مورد زبان واصطلاحات عامیانه قدیم غوری ها تحقیقات زیادی از طرف نویسندگان داخلی وخارجی صورت گرفته . به این عقیده اند که نه تنها زبان غور قدیم ، بطور یقین فارسی دری بوده ، بلکه فارسی دری در عصر امپراطوری اسلامی غور ، به اوج اعلاى ترقى خود رسیده بود. خلاصه خراسان گهوارهء زبان فارسی دری است. پس به این نتیجه میرسیم که زبان ساکنان غور هم مثل سایر بلاد خراسان ، بجز از فارسی دری چیزی دیگر نبوده است. از دیگر سو ، یکی از مهمترین آثار ادبی سلاطین غوری در هنگام رهایش شان در غور ، کتاب ( چهارمقاله ) نظامی عروضی است که در آن حکایات متعددی در شاعری و شعر دوستی و شعر شناسی ( فارسی دری) افراد خانوادهء مذکور از جمله شخص علاءالدین حسین ثبت است.

اصطخری مورخ قرن چهارم می نویسد که زبان غور چون زبان خراسانی است .... ولی در این باره در تاریخ بیهقی آمده که میگوید : نسبت شواهد که بدست داریم زبان غوریها با اهالی خراسانی متفاوت است.

هولدچ در کتاب دروازه های هند می نگارد " اهالی غور به زبان مخصوص تکلم میکنند که مشابه زبان اهالی خراسانی نمی باشد" درین حال عتیق الله محقق کشور ما این نظریه را تایید میکند و میگوید اهالی غور به زبان پشتو تکلم میکردند بعد ها در اثر تماس های که باشندگان غور با مردم اطراف وجوانب ویا باشندگان ایالات دور و نزدیک پیدا کردند در اثر مسافرتها ، رفت و آمد ، وهمچنان مهاجرت ها که از اطراف غور بدان صورت گرفت چون لسان بیشتر مردم اطراف آن را فارسی تشکیل میداد به مرور زمان رفته رفته زبان فارسی بدانجا راه یافت و طول نکشید که زبان غالب اهالی گردیده. و در زمان علالدین حسین وسلطان شهاب

الدین که زمان اقتدار غوری ها بوده به اوج خود رسید. برخی نوشته‌ء ابوالفضل بیهقی را در تاریخ معروفش دلیل گرفته‌اند که گویا زبان غوری‌ها غیر از فارسی دری بوده. بوزورت در دائره‌المعارف اسلامی و اولاف کیرو در کتاب پتان‌ها راورتنی توضیح می‌کند که در مناطق کوهستانی افغانستان هنوز لهجه‌های محلی زیادی موجود است که اگر زمامداری از مرکز به آنجا برود، با مردم محلی توسط ترجمان باید صحبت بکند.

- مَمَه: بمعنی بی بی یا مادر پدر ویا مادر مادر است.
- اَپَه : اگرچه کلمه ترکی است معنی مادر را افاده میکند.
- اَته : هم مانند واژه اپه است که معنی پدر کلان را افاده میکند.
- بابَه : پدر
- بافچه : پدر کلان
- بَچی : چرا
- کاکه : بمعنی خواهر است
- لاله : بمعنی برادر است
- پَرچَو : معنی بیکاره یا بیکار را افاده میکند.
- پینک : بمعنی پیشانی. در اکثریت محلات غور کاربرد دارد.

- پرچین : پیشانی موی سر را که زنان برای زینت بیشتر دو حصه کنند
- پُرسه : مهمانی رفتن .
- پَتَک : بمعنی بشکه است.
- چَلَمه : سرگین خشکیده حیوانات .
- چَم : بمعنی حيله و نیرنگ است.
- چَخ : بمعنی چرک دست است.
- خُفَه : بمعنی سرفه کردن است.
- شَمبه : برگ چای سبز را گویند.
- شوریا : بمعنی شورا است.
- شوله : انسان سست اندام و کم همت را گویند.
- قَدَمال : نوع نان است که از آرد گندم و روغن میپزند.
- لُکُنْتَه: لنگی و مندیل است.

- لَچَک: بمعنی چادری، روپوش است بیشتر در چغچران استفاده میشود.
- اَبَلَق : اسپ که دو رنگ(سفید با رنگ دیگری) داشته باشد.
- اَلَه (ابلق) : حیوانی که پوست بدن آن سیاه و سفید باشد.
- اَوُست : به فتح (الف و ضم و) حیوان که بار دار شده باشد.
- اَلَنَگه : شعله آتش
- اَلَو : به فتح (الف) آدم بیکاره و بی بند و بار.
- الماس زده : کسیکه هیچ توان مقابله و دفاع را نداشته باشد.



آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

- از بیخ بوته : بیکس و بدون فامیل و قوم و خویش
- اندیوال : رفیق و دوستاً همراه سفر
- ایاس : هوای که صاف، بدون بارندگی و ابر باشد
- آرتینه : زنها و خانمهای خانه را گویند.
- آوشک : شبنم، رطوبت که سبزه ها از طرف شب پیدا میکند.
- اولنگ : چَمَن، سبزه زار
- اِشپیل : بالب ها صدا کردن
- ال و دول : اشیا و لوازم بی ارزش
- اَلگُو : نمونه ، گرفتن قد و اندام ، اندازه گرفتن .

- آشیل : یکنوع نان نرم و خمیری است که بطور عاجل پخته میشود.
- آمخته : عادتگرفتن، رام شدن
- آرچه غل : جایگه زیاد در ختار چه داشته باشد.
- آلدنگ : آدم‌های بی پروا، غول صفت را گویند
- اُنه : نشان دادن، با انگشت اشاره کرد  
ن بطرف کسیا و چُولُو
- اُوجاق : دیگدان، جای پخت و پزنان و غذای روزمره
- اوتی به اوته : سرگردان، در بدر، از جای و خانه بیجا شدن.
- اَرَدَق : رام نشده .

- اونجه : آنجا
- اَشکَل : دندانی
- دَنگَو : نو شا به های که بسیار رقیق و بی مزه باشد.
- اَو کَلی : حرامزاده، زشت
- اشکمه کَشک : طفلیکه معدّه آن زیاد کلان شده باشد.
- اِشکَم : معدّه و شکم
- اشکَم رو : اسحال
- اورنگ : آرنج دست
- اوتی به اوته : دری بدر، بد بخت، سرگردان و مهار
- اوریزک : تشناب جان شویی، جائیکه ظرف خانه را میشوند

- ایشکینج : محکم بستن
- ا مباق : دوزن که یک شوهر داشته باشد
- بفتی : اشاره به پایان افتیدن است
- باهتر : دلیر و جنگجو، بی ترس
- بُلک : دسته و یا گلهٔ کوچک از گوسفندان، نصف کردن
- بار جای : ظرف فلزی
- بار تینگ : بار اضافی، باری که در بار اصلی بطور اضافه بسته میشود.
- برتو : کج و تودار مثلک تارتو خورده باشد.
- بیدو : اسپ های بسیار خوب و بسیار تیز و سرکش را گویند.

- بید و : گاهی بجای صفت برای زنا  
ن مقبول بکار برده میشود.
- بُور غَلَه : کسیکه چشمهای برآمده  
گی داشته باشد.
- بُوَلَه : کسیکه چشمهای کلان و  
برآمده گی داشته باشد.
- بوچایدم : خنک خوردم
- بادنی : ظرف فلزی که دارای سرآن  
تنگ باشد.
- بددهن : یاوه گو، و بد زبان
- بور شدن : بیرون شدن .
- بور رفتن : بیجا شدن
- بستان : بگیر

- بیشه : ساحه که نمناک و دارا  
ی جنگل غلوی پر بود ه.
- بید دُم : دیدم
- بُرار : برادر
- بی شیمه : بی حرکت، کم زور و کم قو  
ت، ضعیف و لاغر
- بی رگ و رشه : بی قوم و خویش
- بی تلخه : بی غیرت
- بیشیشیت : بنشست، نشستن، غروب کرد  
ن
- بیپره : نشست و غروب آفتاب
- باخزیده تر : کم جانتر، ضعیف تر، خورد  
تر
- بُلغَر : صدای گو

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

- بررس : صدای گوسفند
- بارکوله : اشیا واجناس خوردوریز
- ه و کم ارزش
- بشین : بنشین
- بَوَتَو : آنظر ف بنشین .
- با بَیچو : در وقت شدید پدرا صدا
- کردن.
- بادنی : ظرف فلزی زکه دارای سر
- ی تنگ باشد .
- با غبندی : بستره بند
- بار جای : پیرایه، ظرف کارآمدخا
- نه
- بوّله : چشم کلان

- بار جای : ظرف
- بُور خَزَید : پندیدن.
- بُونه : اولاد و نسل
- بنی چوک : یک توتۀ چوب که توسط آن تیر چوبه پالک و صل میشود
- بَر دَم : خوشحال و صحتمند
- بوله : چشم کلان
- به چشمم نخورد : ندیدم، روبرو نشدم..
- بُزَرَو : به ضم (ب) راه کوچک و کم بر.
- بُرّه : نصف کردن
- باد کویه : جای که در اثر باد برف زیاد در آنجا ذخیره شده باشد.
- باشت بهّا : صدا کردن بالای گوها



- با فچه : پدر کلان
- با بای کته : پدر کلان
- بهل : عفو کردن، بخشیدن ،
- بور کشیدن : بیرون کشیدن
- بُولُو زه : زیاد به دنبال پدر و مادر
- گستن
- بیگفت : طفل که حرف ناشنوبا شد.
- بی دلیل : بی اندازه، بی نهایت ، ز  
یا داز حد و اندازه.
- بَیمه : برای من ، بمن
- بدر رفت : جای رفع ضرورت
- بَر بَر ده : در مقابل ، در برابر
- بیج جی : بگریز

- په (پیه) : چربوی سخت گاو
- پتو : شال که از تکه دوخته شده و بتواند یک آدم را به پوشاند
- پَرچَو : خاموش کردن.
- پتپت : این سو و آنسو رفتن
- پَرخو : جائیکه گندم، جو و جواری را ذخیره میکنند.
- پُرَتَو : چیزی را ماندن به جایی، فراموش کردن.
- پَجغندک : ضعیف و کم جسامت، میوه های که مرض زده باشد.
- پالک : و سیئه چرمی که به شکل خاص بافت و توداده میشود
- پوتی پوتی : پاره پاره کردن

- پی نبرد ن : نفهمیدن
- پیش شی : پیشک ، چشم سبز
- پوچک : خالی ، بی مغز ، پوست کردن
- دانه های خر بوزه و کدو...
- پلّیس : د و چیز را بهم وصل کردن ،
- چسپاندن
- پییر : پدر
- پل : بلندی ، تپه ، جفت شدن
- سگ نرو ماده
- پفتول : چملوک نیمه خشک شدن
- پس دم : آب که پیش روی آن بسته شده
- باشد
- پفتل : شل

- پُلُنْگ : عبارت از خرمن کوچک  
که از چند پشته اضافه نباشد.
- پسته لُق : جایکه در ختان پسته زیاد  
باشد.
- پُو چاق : پوسته خر بوزه و تر بوز
- پَر چَو : خاموش کردن.
- پِیکَه : ناتوان و فقیر، در ماند  
ه، خوار و زار
- پُنْگ : جوانه های درختهای میوه که هنوز  
زباز نشده با.
- پَل : بلندی، تپه، جفت شدن  
سگ نرو ماده.
- پَخَلِی : خوشه های گندم دزمین باقی  
مانده را

- پَخَل : اگر دانه های جو و گندم را بگیرند علف آنرا پخل میگویند.
- پولوس : بقایای چیزیکه سوخته شده باشد.
- پیچ دادن : در دشت دید در قسمت شکم داشتن
- پر خچه : توتۀ چوب
- پیچه : موی سفید زنها
- پیچه : پُت کردن، پنهان کردن
- تار پُشتی : توبره
- تَپَه : بلندی
- تَوروش : تَرش
- تی پای : زیر پا، اسحال شدن
- تَهْتِی : زیر دست، کم زور، عاجز

- تک و دَو : تپ و و تلاش
- تَلْمِبِه (تُو لْمِبِه) : آ د م تنبل و بیکاره
- تَلْبِیْسْتِن : از کسی چیزی خواستن،  
طلب کردن-
- تَل و بِل : بهانه کردن
- تَیْلَاق : اسپ های لاغری و بار  
کش.
- تَلْفُتَه : تفاله، بعد از گرفتن سیره نیشکر،  
لبلبو، توت...مواد باقیمانده
- تَر ک د و ز ی : آنچه را که از تکه های رنگه  
بشکل سه کنج بدوزند.
- تُو نُو مَنَه : تبادل حرف های تحریک آمیز بین  
دو نفر مساوی به پرخاش است.

- توره : خبرهای تأیید نشده، پشت دیگران تبصره کردن.
- تَحَكَلْتُو : تکه زیزین اسپ
- تَلَمَسَه : بهانه کردن، خود را به یک بهانه از کار نجات دادن
- تِیمسال \* : معطل گفتن، مثال آوردن
- تَی چَشم : زیر نظر گرفتن
- تَلَمَا شَه : توتۀ چوب که به ضرب تبر جدا شده باشد
- تَر شَه : توتۀ از کالاکه پاره شده باشد
- تَلُّ ول کَر دَن : خود را به بهانه یک کاری مصروف ساختن
- تَلَنگ : به فتح(ت) تپله کردن

- تُوک : چمن
- تُو شه : خرچ راه سفر ، خر
- چی
- تگو پایان : بطرف پایان ده و قریه اشار
- ه میشود
- تیغ : بلند یهای کوه ، تپه های بلند
- تیر چو : وسیله چوبی که کنده را به
- جغ و سل میکند
- تر کک : بسیار پر کردن
- ترش رو : آدم زشت
- دُمتر شکنک : اسپ ها و گوها و یا گوسا
- له گا و و یا کره اسپ که از شوخی و مستی
- تَن : دستگاه بافت گیلیم، قالین
- .....و غیره



- تَلْپَهَم : هموار، پهن، به شکل چپا
- ت در آمدن
- تَرَمَتَرِي : بارندگی، گل و لای .
- تَرَرَه : ترشه، توتته، پاره کرد
- ن.
- تَلارَه (تیلاره) : پاش دادن شیرینی
- تَلَمَس : بطرف پیش رو تکان خوردن
- تَلبات : آدم نیمه دیوانه، مجهول
- تینگ زدن : تقسیم کردن بار حیوان به دو قسمت مساویانه
- تَوَلَه : کسیکه لبهايش از جگر خو
- نی پایان باشد پ

- تر نَگ : محکم ، و همچنان تارخوب کش  
شده راهم ترنگ میگویند.
- تنگ و ضو : کسیکه عاجل به تشناب ضرورت  
پیدا کند، و ارخطا هم میگویند.
- تَنُک : پهن و هموار، زمین که  
تخم کمتر پاشیده شود .
- تَپَل : سست و تنبل
- تَحَکَلتو : تکه زیرین اسپ
- تَحچَم : عاجز و کمزور، ضعیف، ز  
یر دست
- تهخانه زینی : نالینچه که بالای زین اسپ  
میگذارند
- تنگ ظرف : بدگذران، کم حوصله،
- تر پیس : آدم بیکاره و لعنتی

- تَلیم ، تَلیم : پارچه پارچه
- تپپین : سرگین حیوانات، چیزیکه به زمین خوب پهن و هموار افتیده باشد
- تنه و توشه : قد و قامت
- توزم : هنوز، حالا،
- تل و تو کردن : بهانه کردن، خود را تیر آوردن
- توگی : یکنوع نان است که در روی
- تخته سنگ تَهْتَلَّک : از بلندای تپه و یا بغل کوه بطرف پایاند و یدن..
- تَلَّک : دام سنگی و یا آهنی که برای گرفتن و شکار حیوانات
- تکشاد : بزغاله های بز که یکساله شده باشد.

- تیت و پیت : در هم و بر هم ، غیر منظم ، ر ق س و پ ر ا ک ن د ه .
- تُنُک : ک ه م و ا ر ، پ ه ن
- تَبَاق : ک س ی ک ه ب ه آ ش پ ز ی و پ خ ت و پ ز م خ ا ر ت د ا ش ت ه ب ا ش د .
- جُرْ غَلَو : گ و ش ت ا ض ا ف ی ک ه ب ه ش ک ل گ و ش و ا ر ه ب ه گ ر د ن ه ی و ا ن ا و ی ز ا ن ب ا ش د .
- ج و ا ل : و س ی لَه ا س ت ک ه ا ز ت ا ر ه ا ی پ ش م ب ا ف ت ه م ی ش و د
- ج و ز : چ ه ا ر م غ ز
- جُپَه : ی ک ج ا ک ر د ن
- جَغَل : ک ا ل ا ی پ و ش ی د ن ی
- جَلبیدن : پ ا ش خ و ر د ن ق ط ر ا ت ب ا ر ا ن و آ ب ب ر و ی ز م ی ن

- جشت : سر ما خور د گی و شخک شدن
- جور و مرگ : دعای بد کردن ، جوان مرگ شدن
- جرّار : تیز ، لایق و هو شیار
- جَهَندَم : پرواندارد ، مهم نیست
- جَلَد : تیز و چالاک
- جَع : صدا و آواز بلند اطفال همراه با گریه .
- جَغاره : صدای گریه بسیار بلند و شدید اطفال شیر خور .
- جَفَنَگ : ایراد گرفتن ، ریشخند زدن ، ارزش ندادن
- جُمُغَت : جل گو ، اسپ و خر

- جَلَمَ جَلَمَ : لباس ها و کالاهای که  
پاره پاره باشد .
- جَوَّ جَوَّ : تکه تکه
- جَلَنگَ جَلَنگَ : برای بتة کدو ، خر بو  
زه و تر بوز جلنگ گفته میشود
- جُو لَمَا جُو لَمَا : حرکت در بستر خواب ، زیاد  
شور خوردن ، نا آرام بودن
- جَغَارَه جَغَارَه : گریان اطفال به صدا  
ی بلند
- جِيَّ جِيَّ : سینه ، پستان
- جِيَّگَه جِيَّگَه : بستر خواب
- جِيَّگِي جِيَّگِي : خواندن خط با زرو زیر آ  
ن

- جَلْغَه : یک توتَه تناب و یار یسمان  
کنده شده.
- جُنْش بور شید : نفسش بر آمد، مُرد، نفسش ا  
ز تن بر آمد.
- جَبَق : پیشانی، وضع ظاهری و  
طرز برخورد.
- جَبَق ترشی : پیشآمد خراب، برخورد ز  
شت
- حَفَت : نیمه خشک، خشک شدن  
کالای تر
- حاره : با چشم باز بطرف چیزی با  
تعجب نگاه کردن
- حُپَه : محل مرکزی، تعیین یک جای مشخص  
که همه به آنجا جمع شوند.

- حاضر جواب : زبا نواز
- هېر هو پور : غلمغال انداختن ، سرو صدا بلند کردن
- حُقَرَه : استفراق کردن.
- حُقَّه : آدم کلانکار و بد معاش.
- حَلْمَه : لحظه کوتاه، زمان کم
- خَو زه : گهواره طفل
- خازِه : تنگی
- خُو شېهر : آدم صالح و نیکو
- خُو شېتی : ساده لو
- خُو ش باور : هم به آدم صادق و هم به آدم ساده گفته میشود
- خر مبارک : سری هم افتیدن .



- خَبال : میدانی هموار وافتیده ،  
زمین هموار زراعتی
- خَرَقَنْد : زیاداشیا واجناس که سری  
هم انداخته شده با
- خَرَه : کوه بلند ، قلهٔ بلند
- خُوَله : قلهٔ بلند که به شکل مخر و  
طی بالارفته باشد.
- خاک انداز : تشناب بدررفت، جای رفع  
حاجت
- خوش خوشک : آهسته آهسته
- خرفت : خفه و گرفته، مایوس ، نارا  
ضی از کاری
- خلو : تر شدن
- خونوکی : هوای سرد، سرما

- خَلُو : ما ما
- خییجی : دانه ها ، پندیده گی ها و  
قدود های زیر جلد یا پوست.
- خجوله : داغ به دل، غده هائیکه از  
درد و غم در بدن پیدا شود
- خضمو : آب چتل و گل آلود، گاهی  
هم زیاد تر شدن خَتَنَه : سنت کر  
دن
- خونوچه : ضربه خوردگی که خون  
لخته و یا سیاه معلوم شود .
- خونوله : آبله های که با خون یکجا با  
شد.
- خُونَوَه : جگر خونی ، پریشانی ، غم  
نگیز

- خفچه : شاخچه ای باریک و نازک  
از درخت .
- خشو لوجه : خواهر خانم
- خيله گى : نازها و تقاضاهای بیجای  
یک طفل.
- خر خشه : نا آرامی طفل از بابت نار  
حتی های گوناگون
- خره کول : سنگهای کلان
- خَلَج : بزی که گوش های زرد  
و سیاه رقم داشته باشد.
- خور و فش : به ضم (خ) و (ر) تهدید کردن
- خَسکال : آنچه بعد از جارو کردن از  
روی خانه جمع میشود خور جین : و  
سیله<sup>۱</sup> که از پشم بافته شده.

- خوی : عادت کردن
- خوی : گریان دوامدار طفل و قهر کردن آن.
- خشپل : براده ها
- خشپلی : ر غسی ، نا منظم ، چتلی
- خشپل خور : کسیکه بی نظافت و تمیز نباشد.
- خلمه : گله از بره ها و بزغاله های شیرخوار که جدا از مادران شان باشند.
- چشم برّیگی : چشم بر راه بودن، به انتظار آمدن مدد کسی بودن
- چم : چال و نیرنگ، در حقیقت بکاربرد تکتیک و تخنیک فریب دادن طرف مقابل

- چَمباز : کسیکه در فریب کاری و بازی داند مهارت داشته باشد.
- خوروج : ذغال چوب را که هنوز آتش آن گل نشده باشد
- خفچه : نودهٔ تازه و باریک درخت را گویند .
- خضمو : تر شدن لباس با گل و لوش، و یا هم آب چتل و گل الود.
- خلیه : بعد از سوختن در روی جلد حباب های که دیده میشود خلوشه : کسیکه آب دهنش را گرفته نتواند، چتل هم گفته میشود.
- خرنک خورده : آدم اهمق، کسی را درغیا ب بد گفتن .

- خَلَه : یکنوع در د شدید و ناگهانی ،  
با قُنُق همردیف است.
- خوب و بد : تقسیم عادلانه کردن.
- خش و پیش : اشیا و لوازم که مربوط  
به کسی باشد.
- خیار (خیال) : باد رنگ
- چُخُن : طفلیکه یک اندازه کلان شده باشد،  
به اندازه راه رفته بتواند.
- خره : کوه بلند که بالای آن کموار  
ی داشته باشد
- چاروق : پا پوش
- چخ گرفتن : چرک ، چتل
- چلمه : سرگین
- چُغُل : شیطان و بهم انداز

- چوب و چماق : اشیای کار آمد.
- چَدَر : بسته کردن دودست حیوان به فاصله نزدیک تر.
- چَم : چال، ترک و تخنیک
- چرمیشی : روغن و یا چربوی که از روغن گاو یا گوسفند گرفته میشود
- چَغُوک : گنجشک
- چُمبُل : اگر پای حیوانی بشکند.
- چلاق : زخم برداشتن
- چَتاق : چوتار، چالاک، بجان بز
- ن
- چموک : قاشق چوبی کلان
- چَپَش : بزغاله که یکساله شد
- ه باشد.

- چمچه : قاشق چوبی
- چور وک : قاشقها و درزهای کالای کهنه را چور وک میگویند .
- چرت : بفکر افتادن ، در باره چیز ی فکر کردن
- چغ : وسیله ای با فته شده از شاخچه ها و نوک های نازک درخت های بید
- چشمم می پره : یعنی که اتفاقی در حال رخ دادن است
- چلپس : صدای پاش خوردن آب که به ضربه به روی زمین بیفتد
- چپات : سلی ، پاپوش های که از رابر ساخته میشود
- چت پت : اموال و اشیای امانت



- چَت : وسط د و پا، نیست و نا بود  
کردن کسی
- چتن پاره : دشنام زدن برای زنها،  
یعنی فاحشه
- چُنْتَرُ : ناخوش و گرفته، یک  
کمی مریض
- چَلْوَه (چولوه) : بسیار تشنه
- چول : دشت و صحرای خشک و بی  
آب
- چَلْپَک : نان روغنی
- چَلْتَغ : بی نظافت
- چلمر دک : آدمی کوتاه قد
- چپات : سلی
- چُمبِه : آدم یکدست

- چُس و پُس : کار سر سری .
- چَلَه : سرمای سخت زمستان .
- چیگه : مناره های سنگی که قلعه های کوه به علامت خاص ساخته شده باشد.
- چُنْتَه : آدم یکدست
- چَر میشی : روغن گاو و یادمبه گو سفند
- چِپُوْلَه : آدم دروغگو، بجان بز،  
فریبکار.
- چَه (چاه) : جای ذخیره گندم
- چکُو : شاریدن
- چُوْلُو(چُلُو) : از تشنگی بجان آمدن
- چَر شُو : بستره بند
- چَبُوک : تیز و چالاک
- چَمُوک : قاشق های چوبی کلان

- چَبُوك : تیز ، چست و چالاک
- چُولَه : سوراخ
- چایدَن : سرما خوردن
- دلگردوک : دلبدی ، حالت استفراغ
- دده : مادر
- دَوَک : چوبک که در سوراخ پشت دروازه.
- دَرَک : به فتح (د) و (ر) اطلاع و خبر داشتن.
- درک : از بابابت ، در ارتباط با موضوع خاصی
- دَگَنَک : پُر ، خیلی چاق
- دَلّو : سگ ماده.
- دیمنه : دیوانه

- دُ و ر خزیدن : داخل شدن به زیر لحاف،  
به سوراخ کوچک داخل شدن
- د و دالغو : د و د بسیار غلیظ و کور  
کننده.
- دُ و ر گُ و بُ و ر گُ \* : گوفتگوها و گپهای مهرمانه  
در بین د و نفر.
- دلم : حساسیت در مقابل گزیدن  
حشرات
- دلالت : سرزنش کردن
- د و بر (د و ر و بر) : چهار طرف، د و ر و بر، گردا  
گرد
- دَر مُنده : مصروف
- دَب : کلانکاری، خود را بزرگ  
و قوی نشان دادن، نغور.

- دَ به : و سیله که در بین آن روغن را  
ذخیره و نگاه میکنند.
  - دَ ک : بسیار پُر
  - دُمزل : دام که از موی اسپ برای شکار  
پرنده کان استفاده می شود.
  - د سیاره : طفل که زیاگپ شنو و کاری  
باشد، کارکن و گپ شنو
  - در منده : بیچاره شدن
  - دورمدن : داخل شدن
  - دُمبُریده : نسق، بی اعتبار و بی عزت
  - دماغ سوختن \* : از پیش کسی آزرده شدن
  - دَو : وار، نوبت، میدان
  - دَو : ناسزا گفتن، دشنام داد
- ن

- دَ و بُور : تعریفی ، برندهٔ میدان  
مسابقه
- دُ و رای دور : دورها ، فاصله های بسیار دور ، سالهای گذشته
- دلهره : به ضم (ح) ترس پیدا کردن ، بیم داشتن از چیزی
- دَ لقر : یک خایه
- ذ و لاغ : بوی چربوی سرخ شده
- ذیکه : حرکت پیهم
- رَی : چرت و فکر
- رَس : برف کوچ
- رَقَس : پاشان ، بینظم
- راس : آراسته کردن ، لباس و کالای نو پوشیدن  
ن ، خود را زینت دادن

- رَخْنَه : دیوارهای که اطراف  
با غها جور میکنند .
- ر و شه : خمچهٔ ترونازک
- رشخندی : مزاغ و مسخره گی ، یکنوع  
شوخی که خنده آور باشد.
- رَف : قطار
- رَگ : نژاد، اصلیت ، وابستگی خو  
نی، کوه ، شاخه از کوه
- رَمُوک : دور شدن ، فراری و گریز  
ی ، رام نشدن
- رَد : دنبال و پشت چیزی بود  
ن ، تعقیب کردن.
- رُوتُنک : کسیکه نی گفته نتواند، یعنی هر چه  
ازش بخواهد بلی میگوید.

- راس کردن : خود را زیب و زینت دادن
- رَد زَدَن : تعقیب و جستجو کردن
- رَه و رُو گَه : راه و چاره، دریافت راه حل .
- رُو گه نداشتن : بی اندازه مشکل بودن، راه و چارهٔ حل نداشتن.
- رِ یگشال : جای که ریگ روان داشته باشد
- رِ یجه : تهداب، بنیاد، اساس، ریشه
- رِ یختن : هجوم و حمله آوردن بشکل دسته جمعی.
- رِ یزُ پیز : اشیای خورد و ریزه



- رَوَ نِی : خواندن خط بدن به شکل روان
- رَوُش : پشت سری هم، دنبال هم حرکت کردن
- رَختِ خَو : بستره خواب
- زُوله : صدای آرام سگ در پیش صاحبش بمنظور بدست آوردن چیزی
- زُمُخت : تند و تیز، سردی بیش از حد
- زَخ : درشتی، برآمدگی‌ها در تنه درختان
- زَه : موسم چوپانان حیوانان
- ت، زائید

- زه : جائیکه نمناک و پر آب باشد، زمین های چمنزار و پر آب
- زول : آب دادن زمین یک الی دو روز قبل از قلبه کردن
- زَفَت : نمکی، شور
- زیچ : بسیار پرکه دیگر گنجایش نداشته باشد.
- زر ترق : سخت تر سیدن ، بو حشت افتیدن.
- زغ : ترش
- زَغَرَه : نان که از آرد ارزن و جوار ی پخته شده باشد.
- زیچ : پُر، خیلی پُر که دیگر گنجایش نداشته باشد

- زَلاغ : آفتاب تیز و سوزان
- سوغات : تحفه
- سیگه : طفل یتیم و گاهی هم به اطفال کو چک استعمال میشود.
- سیلَو : آب گل آلو که از اثر آب شدن یخ و برف و باران شدید
- سُر خان : اسپ که رنگ فولادی و خال های سفید داشته باشد .
- سَمَند : اسپ که رنگ زرد روشن داشته باشد.
- سبی بز : بز ماده که یکساله شده باشد.
- سنگک : بند افتیدن کار

- سُر خَلْو : آدم که رنگ جلد آن سر  
خ رقم باشد .
- سیاه سَر : معمولا به خانم ها گفته میشود  
د.
- سَو کردن : گیاه هرزه را از بین برد  
ن، خیشا و ه کردن
- سوگت : آدم گشنه و بسیار مودی
- سَبست : رشقه
- سیپک زدن : از خوشحالی جست خیز زد  
ن
- سر پلنگ : پای کسیکه در یک چیز د که بخور  
د و به طرف پیش رو به افتد.
- سُول : گوز و چس ، خارج شدن با  
د حیوانات را سول میگویند

- سُو له بار : کم بار، حیوان که بار آن از اندازه معین کمتر باشد.
- سَلَم سُو له : به بهانه کار را از سر تیر کردن.
- سُو ده : حیوان که در اثر منزل پاهایش از کار افتیده باشد.
- سَرک و پَچَک : از بالاتا پایان، از کلان تا خورد، از سر تا آخر.
- سَر و پایه : دو نفر اگر در بستر مخالف همدیگر استراحت کنند
- سَر م با نشد : نفهمیدم
- سَر م خلاص نَشُد : هیچ نفهمید
- سَر م با نَمشه : چیزی نمیفهمم

- سَر با کَر دَن : زخم چرکی که سری آن با زشود میگویند که زخم سر با کرد.
- سَر و : فرار کردن حیوان از گله و رَمه از ترس و وحشت.
- سر چه : زیاد سرد و خنک که یخ بزند.
- سُونتور : از گرسنگی رنج بردن
- سَنگُوچ : نان که خمیر آن خوب نرسیده باشد.
- سَقچ : ساجق و یا هم چیزیکه آنرا میچوند.
- سُر سُر : سرگوشی کردن، ریزش کوه تا مدت برف
- سَر رَفَتَن : غلیان کردن

- سَیِّکَه : بز و یا بزغاله که گو شهای سیاه داشته باشد.
- سُو له بار : اگر بار یک حیوان سبک و کم باشد.
- سَر کار ی : سر باز نظامی ، سر بازار دو، شامل دستگاره های نظامی بودن
- سوزک دادن : حسرت دیگران.
- سیبَل : مواد داخل شکم حیوانا ترا گویند.
- سِیْلَبُو : هر چیز یکه گنده و بد بو باشد و یا بوی سیل بدهد.
- سِیْنَجَو : بی تربیه، حرامزاده
- سَخْت کشیدن : سوزش و درد زیاد دانتن

- سُختی شدن : زور دادن ، به سر ی ضد آمد  
ن ، کینه گرفتن
- شار دادن : کلانکاری کردن ، خود را  
نشان دادن
- شوچر : چراندن گوسفندان در  
شب.
- شکه (ش، ک) کوتاه و قد  
پخش
- شکمبه کشک : طفل پر خور
- شاریدن : کهنه شدن ، ریختن
- شهین : صدای اسپ
- شخشل : راه که بسیار پر سنگ باشد، راه  
که بسیار پر پیچ و خم باشد .
- شلپتوک : آدم معیوب و فلج



- شَخْلَمَه : آ د م بی سلیقه
- شالته : تکه کهنه و بیکاره
- شغه : تیز راه رفتن، تیز کار کردن،  
بیر و بار، با سرعت باریدن.
- شینه : خنده که واقعی نباشد،  
لبخند عادی
- شالته : تکه های کهنه و بیکاره  
ا میگویند.
- او (فلارو) : کالاشویی
- فَلَاح : ضد کردن
- فور تپن : به فتح (ت) و ضم (پ) با سر  
عت زیاد اسپراده و اندن .
- قاله : تخم مرغ
- قاله ریزک : تخم را بار و غن پخته کردن

- قایم کردن : پنهان کردن ، پت کردن
- قلته : آدم بی صلیقه که متوجه نظافت و پوشیدن لباسش نباشد.
- قیضه : به فتح ق = بستن لجام اسپ به زمین که مانع خوردن علف شود.
- قوت : خوراکیها و ذخیره مواد غذایی در خانه، دارایی، چیزی داشتن.
- قدَم : گام، اسپ پالانی و باربر که رفتار سست داشته باشد قَصْر : به فتح (ق) حیوان که باردار نشده باشد.
- قرس : یک نوع دود و خت که ذریعه تارهای ذری دود و خته شده باشد.
- قُلچماق : آدم قوی هیکل .
- قَلَوُ : نشانه گرفتن.

- قُرُ مَساق : مسخره و شوخ
- قُور و : کسی را صدا کردن
- قودال : همواری بغل کوه
- قوده : دسته‌آزگندم درو شده  
که به دست باسد.
- قُلبه : سوراخ
- قُچله : چاق، دبل
- قُر : پندیدن سر به اثر ضربه شد  
ید
- قُر مُوچ : سنگ گرد
- قُلیجه \* : سوراخ کو  
چک
- قُور و : صدا کردن
- قل تولو : لول خوردن

- قَلَه لُو : لول خوردن ، از کوه
- قَلَه لَک : کلوله ، گرد و بیضوی شکل
- قور و : صدا کردن
- قور و رس : فاصله که صدا تا آنجا برسد
- قد قد : دوم بزیر زبان علیه کسی حرف زد ن.
- قیلَه : تکه از نان ، یا توتۀ بریده شده از چوب .
- قسماق : پرده نازک روی شیرکه بعداز گرم کردن شیربروی دیگ بسته میشود .
- قوچله : چاق و پندیده
- قلدنگ : آدم قوی هیکل و بی پروا.
- قُنُق : درد.
- قُلْتَشَنگ : بز رگ و قوی هیکل.

آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

- یَدَک : تنها، بد و ن همسفر

یَلَه سَر : بیجا و بیهوده، کاری را

نجام دادن که لازم نباشد.

## نتیجه گیری

تاکنون تحقیقات عمیق و وسیع در غور صورت نگرفته و در مسیر گذرگاه تاریخ مواجهه با رویدادهای عظیم ، حادثات دلخراش و اوقات گوناگون در عرصه های علمی ، سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی اقتصادی دیگر مراحل را طی کرده است .امپراطوری های متعدد چنانچه تاریخ کشور ما بیانگر آن است ولی عصر طلایی امپراطوری غوری ها درخشنده تر از آفتاب در مقیاس با سایر امپراطوری های جهان سر آمد زمان خویش بوده ویژه گی های داشته که به دیگر امپراطوری ها وجود نداشته است. سبک معماری ، آبدیه ها و بنا های تاریخی شان شامل میراث های فرهنگی بین المللی جهان گردیده که بذات خود معرف امپراطوری غور در جهان میباشد بهتر است.اسلام دوستی ، انسان نوازی ، ادب جوی ، عدالت خواهی ، اقتصاد سازی ، اخلاق نیکو رحم و شفقت امپراطوران غور بی نظیر و منحصر بفرد بوده است جهان گشائی

وفتوحات شان از جایگاه خاصی برخوردار است درین عصر زندگی انسانی آغاز شده و رشد روز افزون داشت کارهای عمده و اساسی که چشم گیر جهانی داشت. امپراطوری غوری ها بود که مردم ، فرهنگ ، دیانت و علوم کشور ما در شرق و غرب به معرفی گرفته شد. حس وطن دوستی و یگانگی و دفاع از کشور مورد توجه قرار گرفت . غور تاریخی آن چنانکه از نقطهء نظر سیاست و اداره به پیشرفت های نهائی خود نایل آمده بود، که امپراطوری اسلامی غور، هم از لحاظ وسعت قلمرو و هم از نقطهء دید دورهء ممتد حاکمیت آن در تاریخ مملکت ما و تاریخ جهان کم نظیر میباشد، از دیگاه سایر ترقیات در علوم و فنون و مظاهر تمدن و تجمل آن عصر و زمان به نقطهء اوج و قلهء شامخ ترین و آخرین خود قرار داشت اگر حملات و لشکر کشی های چنگیز و تیمور در کشور ما به خصوص در امپراطوری غوری ها صورت نمی گرفت یقیناً روند تاریخی کشور ما شکل دیگری میگرفت . متأسفانه چنین لشکر

کشی ها سبب بربادی و غارت تمدن و فرهنگ غوری ها گردید .  
گرچه غوری ها توانستند قرون متمادی در تصرفات شرقی کشور  
شان دولت های خورد و بزرگ را تشکیل بدهند اما هیچگاه  
نتوانستند عظمت گذشته را احیا نمایند .

امپراطوری غوری ها با همه مصروفیتها نظامی و  
سفر بری های متعدد که در حیات سیاسی خویش داشتند باز هم  
توجه به مسایل فرهنگی، آبادی و عمرانی سرزمین خود را از یاد  
نبرده بودند و قلعه ها و شهرهای زیادی اعمار کردند.آبادی  
و عمرانات غوری ها که در گوشه و کنار قلمرو متصرفه غوری ها که  
از دست برد زمان باقی مانده و از دیر زمان توجه پژوهندگان و  
جهان گردان را به سوی خود جلب کرده است.

بیشتر آثار معماری و عمرانی این دوره، که محفوظ مانده  
است ابنیه های مذهبی و مساجد و مناره ها و قلعه ها میباشد گرچه  
قبل از ظهور اسلام نیز آبادی های عمرانی در گوشه و کنار غور



دیده می شود. مورخین آگاه و قلم بدستان ماهر نتوانسته اند که تمام عمرانات و بناهای دوره سلاطین غوری ها را به تفصیل و همه جزئیات و خصوصیات آنها بیان نمایند هر کس باندازه معلومات خویش چیزهای نوشته اند درین جا و باین مناسبت از مشهور ترین آن ها نام میبریم.

اهمیت تایخی غور، تنها مربوط به دوره امپراطوری درخشان سلاطین این سرزمین نیست، بلکه قبل از آن هم از بسا نقاط موقف چشم گیری در صحنه تاریخ کشور داشته است، یکی از ارزشهای تاریخی ای سرزمین افسانوی همانا انسان دوستی و مهمانوازی حس آزاد منشی و سلحشوری باشندگان قدیم آن در برابر متجاوزین میباشد، هیچ کشورگشائی تا قرن چهارم هجری نتوانست روح آزاد منشی و غرور ملی این خطه را بزور و حيله خفه سازد. اگر چه در غور قدیم اتحاد سیاسی وجود نداشت و گاه گاه جدال و نزاعی هم در بین ملوک رخ میداد، ولی تسلط بیگانه را هم

روا نمی داشتند. در مبارزات استقلال طلبی خراسان به سرکردگی امیر پولاد سوری ( ۱۳۰ هـ ) با ابو مسلم خراسانی معاونت های زیادی کردند که خلافت عباسی را بجای سلطه اموی در بغداد روی کار آوردند، بقول فردوسی و دیگر منابع مؤثق ماهوی سوری که کنارنگ و یا مرزبان مرو بود، یزد گرد سوم آخرین شاه ساسانی را از بین برد. با این موقف غور چه قبل از اسلام و چه در عصر اسلامی از نظر سیاسی حایز اهمیت خاصی میباشد.

بعد از تاسیس امپراطوری غوری به ویژه در عصر سلطان بزرگ غیاث الدین و برادرش سلطان شهاب الدین، افغانستان شاهد پیشرفت های در ساحات فرهنگی، هنری و غیره میباشد، و غور مرکز سیاسی و فرهنگی تمام خراسان، سیستان، بلوچستان، سند، پنجاب الی دهلی و از جانب شمال و لایات مرو، بلخ، تخارستان را الی کوههای پامیر و چترال در بر میگرفته است.

بقول هولج انگلیسی: از شیندن نام غور، سرزمین به نظر انسان مجسم میشود که از اقصای هندوستان تا ایران و از آمو تا هرمز امتداد داشت، این امپراطوری پهناور در پهلوی فعالیت های سیاسی علم و دانش و هنر و ادبیات و غیره مظاهر تمدن را تشویق و حمایت می نمود.

شاهان غور که خود ادیب و دانشمند و شاعر بودند، مقام شعراء و هنرمندان را گرامی میداشتند. صنایع مختلفه غور در آسیای میانه شهرت زیاد داشت.

مورخین دانشمندان، شعراء، و ادبای که در دربار غوری ها بوده اند، تعداد شان فوق العاده زیاد است. رصدخانه امیر عباس غوری یکی از شگفتی های باور نکردنی است. با کمال تأسف، حملات چنگیز عده زیادی از آثار کتبی و منابع معتبر تاریخی را نیز از میان برده است با آن هم از لای بلای خرابه های عهد چنگیزی به کمک باستان شناسان و عده محدود آثار تاریخی به

عظمت فرهنگی و تمدن درخشان این دوره امپراطوری غوری می توان پی برد، که هر یکی از بناهای تاریخی نظر به سبک معماری و هنر خطاطی در تاریخ تمدن آسیائی و سطلی کم نظیر می باشد. سرزمین کهن ما ، زمانی در صحنه یی تمدن بشری درخششی خیره کننده داشته وهنر مندان ومعماران، تبلوری از خلاقیت ها ونمودی از شاهکارهای فکری اعصار در منظر جهانیان به نمایش در می آورند .آثاری که هر کدام در جای خود حکایت از فرهنگی غنی وبس محکم واندیشه ای پویاست . یکی از زیبایی ترین های معماری برجای مانده از آن زمان ، مناره ها ، برج ها وقلعه هاست که چون تاج های بلند وتابناکی بر سر زمین ما، زمزمه ی شکوه واندیشه افغانی اند که در برابر جهانیان ، این بناها با اسکلیتی از خشت خام یا پخته ، سنگ ... براساس لغت نامه ای دهخدادر اصل به معنای چراغ پایه میباشند.چراکه مناره از مصدر فعل نار ، به مفهوم جای روشن است ودر قدیم الایام منار را دربین دو مرز

ومکان های سوق الجیشی ، در میان راه های عمومی و... بنا  
میکردند ودر آن چیزی نورانی قرار می دادند تا مسافران وکاروان  
ها بتوانند مسیر مقصد شان را بیابند .گاهی نیز مناره ها معرف  
وجود آتشکده و آتشگاه های بزرگ بودند که به آن میل میگفتند  
واز نظر معماری ها از سه قسمت اصلی پایه ، ساقه یا بند وکلاهک  
یا تاج وبخش هایی پلکان ( راه زینه )ونور گیر تشکیل  
میشوند.هنگامیکه ما بر هنر اسلامی برمییخوریم پیرامون ساختمان  
ما و آثار اسلامی بررسی و تحلیل به عمل می آوریم عنصر مهم که  
در آن جلوه گر میشود منار است.

وهمچنان افغانستان دارای امپراطور گسترده،واثرات آن  
رادرمنطق تحت تسلط شان می توان مشاهده کرد بانظر داشت  
مطالب ذکرشده گفته می توانیم که ولایت غور دارای آثار باستانی  
وتاریخ شگفت انگیز میباشد.که همه اکثراً ساخته های دست دوره  
غوری ها چه قبل از اسلام ویابعدازاسلام دانست.

ومسؤولین ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت غور میگویند که هشتاد در صد آبدات تاریخی تخریب گردیده و تا حال هیچ توجهی در بازسازی آن صورت نگرفته است، کندنکاری های مخفیانه در ساحات تاریخی را نیز دور از امکان نمی دانند که از اضافه تر از ۲۰۰ ساحة تاریخی و باستانی در غور بوده از جمله آن توانسته اند ۱۳ آبده تاریخی رابه همکاری انجیران و باستان شناسان وزارت اطلاعات و فرهنگ و باستان شناسان لیتوانیا سروی مقدماتی نمودند، متباقی تا هنوز نسبت مشکلات بودیجوی سروی و راجستر نشده است.

## پیشنهادات

افغانستان کشوریست که تاریخ آن به پنجهزارسال میرسد که در طی این مدت تمدن ها و فرهنگ های مختلف را در دامنه خود پرورانیده و گاهی هم گذرگاهی تاریخ و جهان گشایان بوده است. بازمانده های فرهنگ و باستانی آن از دیر زمانی در هنر معماری، هنر ظریفه، دین و عقاید در تمام آسیا سرآمد داشته است. در کنج و کنار کشور ماکه مبین همان عصر و زمان است به یادگار گذاشته شده است. به منظور هر چه بهتر شدن تحقیقات علمی در رابطه به باستانشناسی افغانستان خاصاً باستانشناسی غور بادر نظر داشت محتوای رساله هذاپیشنهادات ذیل مطرح میگردد:

۱. چون تحقیقات پیرامون علم باستانشناسی متکی به تحقیقات ساحوی می باشد، پیشنهاد میگردد تا اکادمی علوم زمینه تحقیقات ساحوی را برای

آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور

دانشمندان این عرصه مهیا سازند و در صورت لزوم با تفاهم وزارت اطلاعات و فرهنگ زمینه تحقیقات ساحوی مهیا و آثار بدست آمده بوسیله دانشمندان عرصه باستانشناسی ، فرهنگ شناسی و مهندسی آبدات باستانی و پیرامون آن تحقیقات علمی انجام پذیرد.

۲. در ولایت غور محققین و سیاحان زیادی داخلی و خارجی مسافرت نموده و تحقیقات علمی را انجام داده اند و این پروسه ادامه دارد بنأ در قسمت ترمیم راه ها و سرک های آن اقدامات صورت گیرد تا تسهیلات لازم ترانسپورتی مساعد گردد و دروازه ها برای محققین داخلی و خارجی باز گردد تا مجددا در رابطه به فرهنگ مادی و معنوی آنها تحقیقات صورت گیرد.



۳. پیشنهاد میگردد مطابق ماده نهم فصل اول قانون اساسی جدید کشور، آثار باستانی، معادن و سایر ذخایر زیرزمینی، ملکیت دولت است. حفاظت و اداره از ملکیت‌های دولت و نوع استفاده درست از ذخایر طبیعی و سایر ملکیت های عامه، از طریق قانون تنظیم میشود. عمل کنند.

۴. توجه دولت در عرصه ایجاد یک شاخه ی از باستانشناسی در موسسه تحصیلات عالی این ولایت را خواهانیم. دولت در این امر باید توجه جدی نماید و زمینه تحصیل و تحقیق را در داخل کشور مهیا سازد تا افراد متخصص و مسلکی را در جامعه ما تقدیم کند تا مصدر خدمت به ملت خود شوند.

## فهرست منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. پنجشیری ، عزیز احمد . جغرفیای تاریخی غور . کابل: مطبعه دانشگاه ، ۱۳۲۱ .
۳. جوزجانی، منهاج سراج الدین. طبقات ناصری. مطبعه: تهران ۱۳۲۳ .
۴. حبیبی، عبدالحی. تاریخ مختصر افغانستان. کابل: مطبعه سعیدی ، ۱۳۳۲ .
۵. امپراطوری غوری ها . کابل: بنیادی فرهنگی جهانداران غوری ، ۱۳۹۰ .
۶. حدودالعالم من المشرقی الی المغربی . تهران: مطبعه تهران، ۱۳۳۱ ق.

۷. صدیق ، میر محمد. افغانستان در پنج قرن اخیر

. ایران : مطبعه ایران، ۱۳۷۱ .

۸. عظیمی ، محمد اعظیم . آشنایی بابناهای تاریخی

افغانستان . کابل : انتشارات فرهنگ ، ۱۳۸۹ .

۹. عظیمی ، محمد عظیم . افغانستان و نقاط شگفت

انگیز آن . کابل : انتشارات بین المللی

الهدی، ۱۳۹۱ .

۱۰. کهزاد ، احمد علی . افغانستان در شاهنامه . کابل

: مطبعه دولتی ، ۱۳۵۵ .

۱۱. کهزاد، احمد علی . مقالات در عرصه

باستانشناسی. کابل : مطبعه آزادی، ۱۳۸۹ .

۱۲. کهزاد ، احمد علی . تاریخ افغانستان . کابل :

انجمن تاریخ اکادمی علوم ، ۱۳۳۲ .

۱۳. محمود ،شاه محمود. تاریخ افغانستان .کابل :

انتشارات خاور، ۱۳۸۹.

۱۴. مستمند غوری، غوث الدین .تاریخ مختصر غور

.هرات : مطبعه خلیل احمد، ۱۳۸۷ هـ .

۱۵. گزارش علمی تیم مشترک افغان-لیتوانیا از ساحات

باستانی غور، ۱۳۸۶.

۱۶. قانون اساسی، کابل، وزارت عدلیه جمهوری اسلامی

افغانستان، ۱۳۸۸.

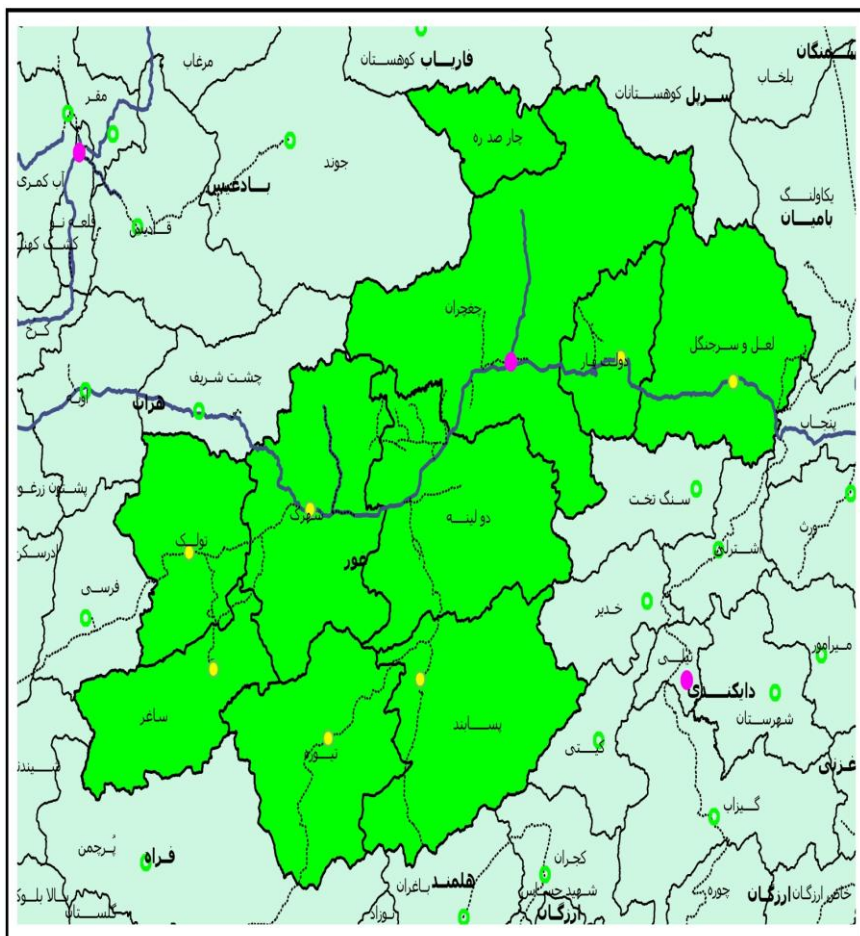
آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور

# تصاویر



نقشه امپراطوری غوری ها

## آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور



نقشه کنونی ولایت غور

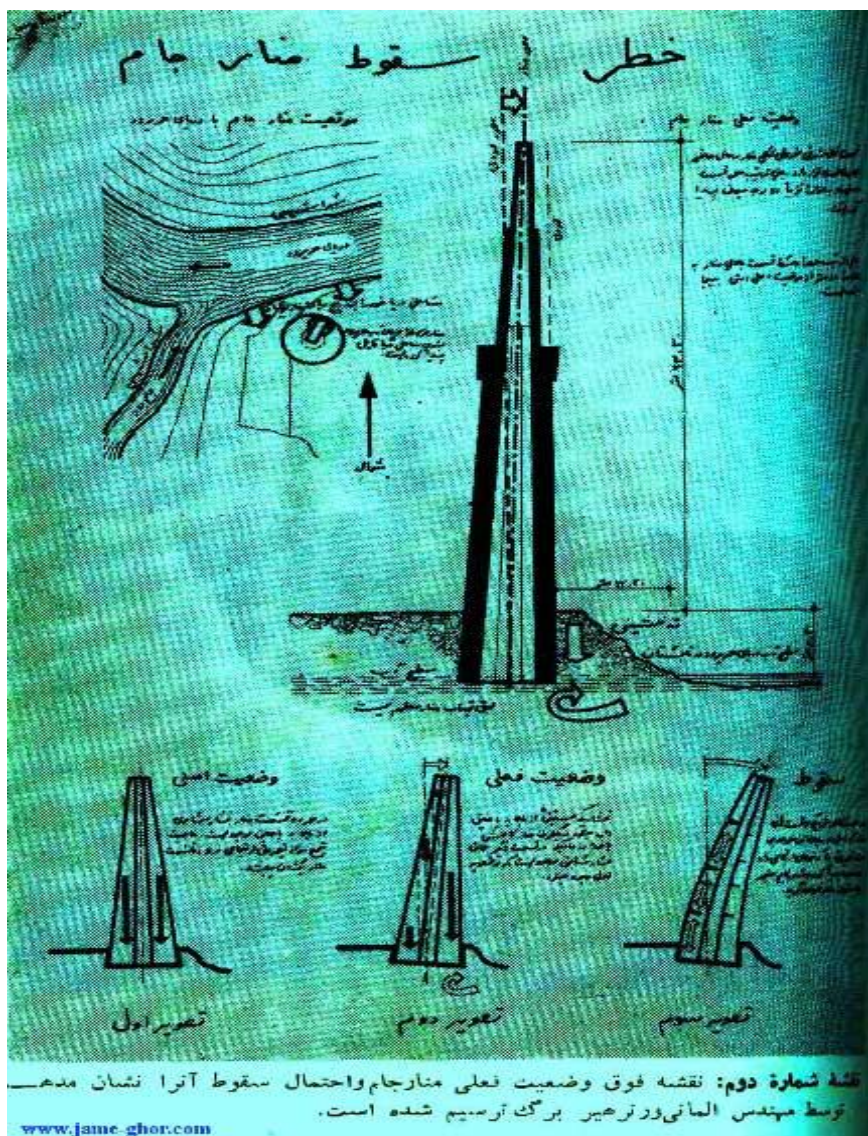


منار قصب در دهلی



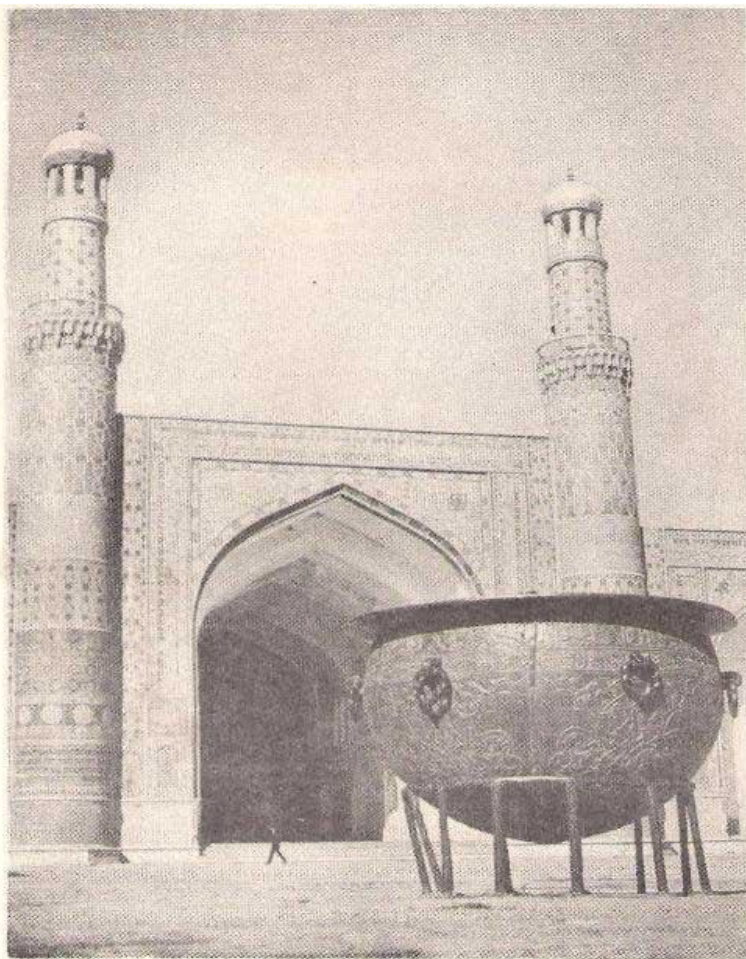


منار جام





آشنای با بناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور



تصویر شماره (۲) دیگه بزرگهفت جوش Allog در سمت شرقی مسجد جامع هرات



قلعه ضحاک



مسجد جامع هرات



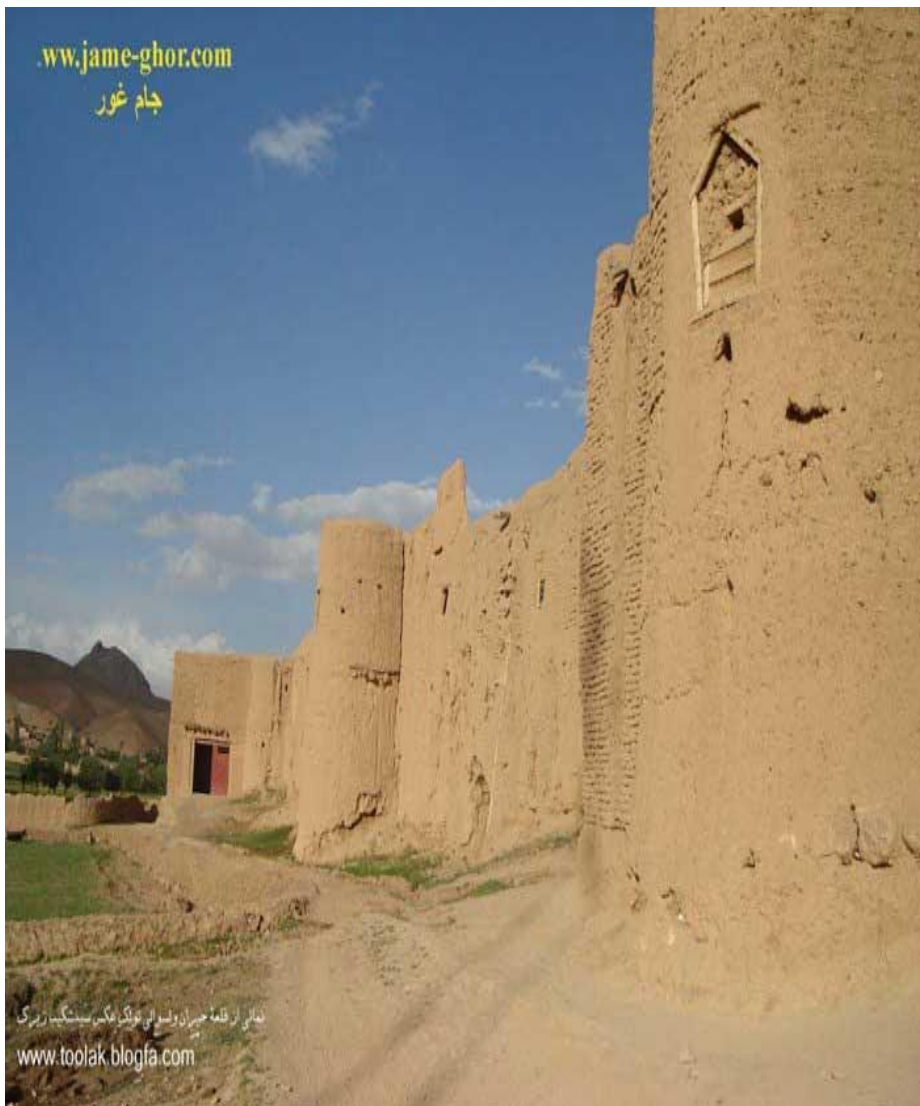
آشنای بابناهای تاریخی و نقاط شگفت انگیز غور



سنگبار



حصار تاریخی تولک



قلعه حیران ولسوالی تولک





منار ساغر



ده قاضی



چشمه ماهیان در ساغر





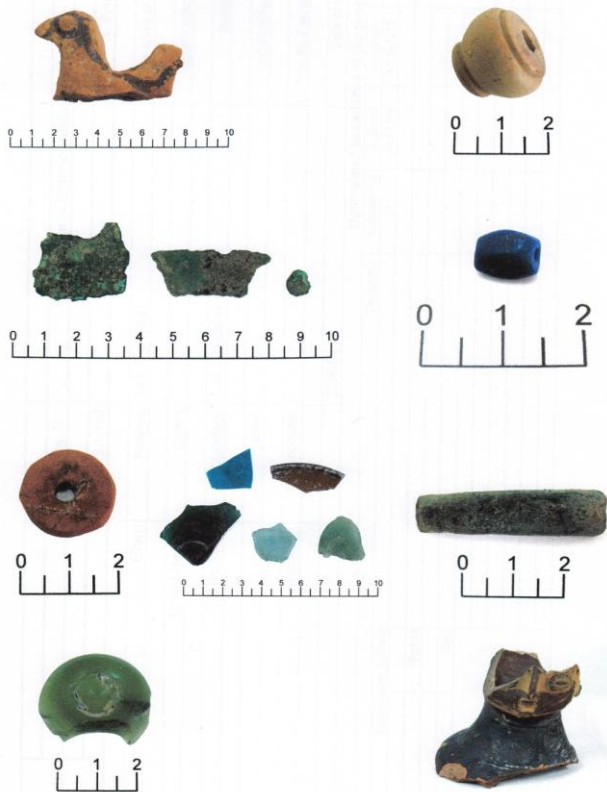
قلعه نقشی



خانقا چشت شریف



کتیبه سنگی در آهنگران



## تیکرهای پنبه کار



مدرسه شاه مشهد



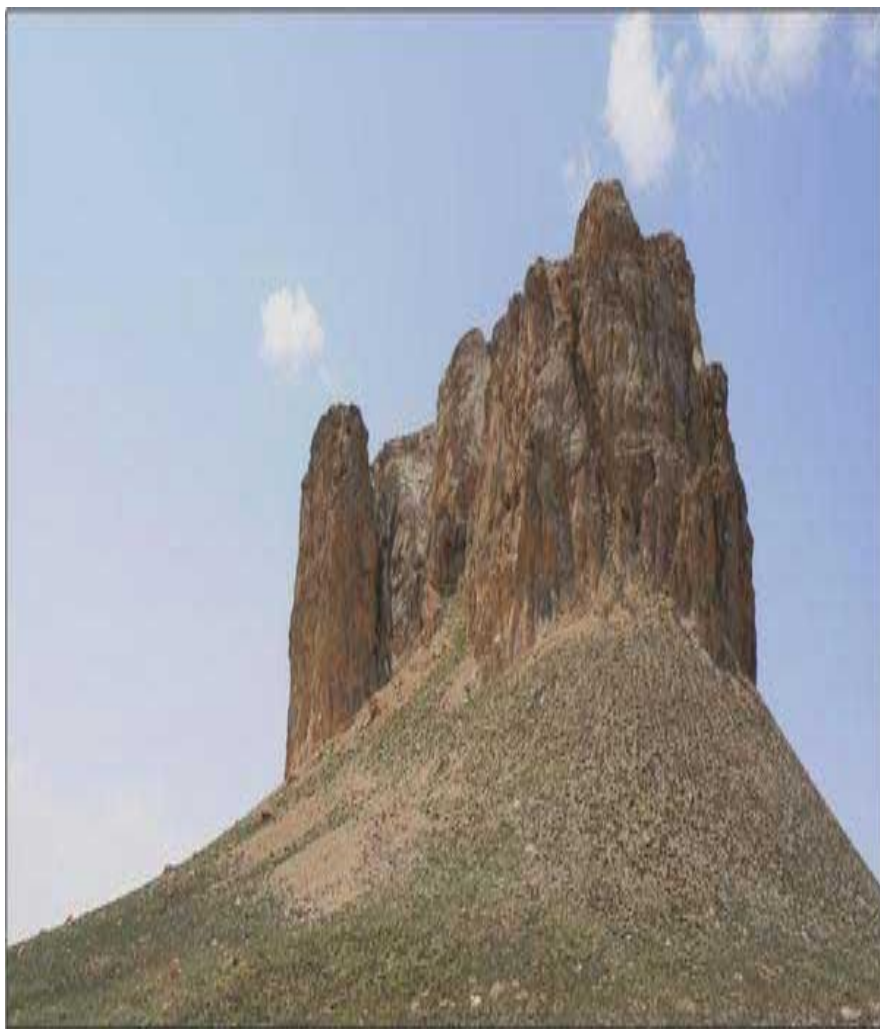
[www.jame-ghor.com](http://www.jame-ghor.com)



منارجام



پنبه کار



قبر ضحاک









نخستین کتیبه اسلامی در سنه ۱۰۷ هجری ولسوالی

شهرک



www.jame-ghor.com جام غور

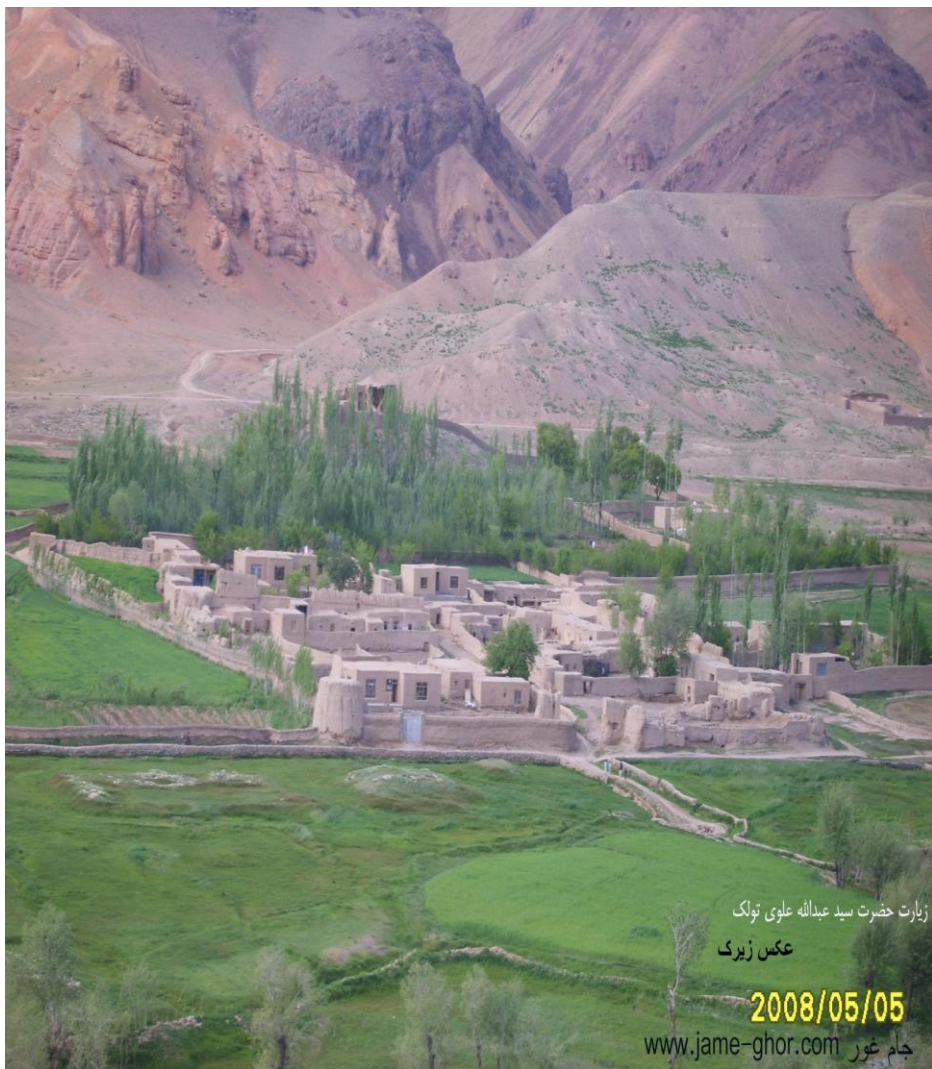








## آشنای بابناهای تاریخی ونقاط شگفت انگیز غور



زیارت حضرت سید عبدالله علوی تولک

عکس زیرک

2008/05/05

www.jame-ghor.com جام غور